

وارلیق

آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگي نشریه
مجله ماهانه فرهنگي فارسي و ترکی آذری

۱۱ - اینجی صایی - آسفند ۱۳۵۸ - شماره ۱۱

VARLIQ

Monthly
PERSIAN AND TURKISH JOURNAL
No. 11
April 1980

Address: Mossadegh Ave. Bidi Str. No. 17
Tehran, Iran

قیمت ۷۰ ریال

ایچینده کیلر

(فهرست)

صفحه

۳

۱- در بهار سرخروئی: دکتر حمید نطنی

۸

۲- آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیشی

۳۵

۳- نوروز بایرامی و بهار ایچون سؤیله نین شعرلر:

۱- بهار ایامی: فضولی.

۲- بهار تصویر: شاه اسماعیل ختائی.

۳- نوروز بایرامی: جعفر خندان.

۴- وطن گولدی: م. بی‌ریا.

۵۱

۴- اردبیلده نوروز بایرامی نین استقبالی: ت. بیرهاشمی

۵۷

۵- شعر کاوه نوروز: استاد شهریار

۵۸

۷- بزرگان آذربایجان: شمس‌الدین تبریزی نین حیات و یارادیجیلیغی: پرنسور بیگدلی

۶۸

۶- انلیمین قوجاغیندا: دکتر حمید نطنی

۶۸

۸- یوردومدا ایکی چایا بورچلییام: ج. م. ساوالان

گونده ریلن شعرلر:

۷۲

۹- وطن: شعر. غلامحسین صبری

۷۳

۱۰- غیرت ملیت و فکاهی بایاتی لر: گونده رن آقای نقابی. تبریز.

۷۴

۱۱- مصطفی پایان وفات اتدی. وارلیق.

۷۵

۱۲- لغت معنی: ج. هیئت و س. هیئت

در بهار سرخروئی

مراسم، روایات و اعتقادات خلق بازتاب حوادث طبیعی، تاریخی و اجتماعی است که رویهم انباشته شده و به صورت نمادی یادآور قرن‌ها کوشش و رنج، خوشیها و تیره روزیها، امیدها و بیم‌های انسانهاست.

اینها رفته رفته به صورت انبوهی از خاطرات و اسطوره‌ها درآمدہ است. در میان آذربایجانیان مراسم و روایات مربوط به فصل زمستان و آغاز بهاران بسیار غنی است. مراسم، روایات فولکلوریک اغلب با اشتغالات و روش زندگی و تولید و مبارزه یاسختی‌ها و تلاش معاش پیوند دارد و گاهی بازگوی داستانی از یادرفته حوادث بس دیرین تاریخی، اسطوره‌های دوران کوچ‌نشینی است که در اثر رابطه با اقوام مختلف و در زیر تأثیر معتقدات جدید و قدیم، اسامی درهم آمیخته، شخصیتها بایکدیگر ترکیب شده، داستانها بهم پیوسته و به صورتی بسیار پیچیده و مبهم درآمدہ است.

چنانکه در رسوم خاص زمستان نیز در آنچه که بما رسیده اشارات فراوانی به این سرگذشت دراز موجود است. دانشمندان در آنها نشانه‌های فراوانی از اسطوره‌های مشترک اقوام مختلف ترک، جای پای پیوندها و هم‌جواریها و همزیستی‌ها با دیگران، آثار روشن عقاید مختلف از شامانیزم، دین زردشت و غیره و تأثیر عمیق قبول دین اسلام را تشخیص می‌دهند.

مراسم و معتقدات مربوط به زمستان مشحون از این‌گونه تجلیات است؛ در آنها شادمانی حاصل از پایان رنج سرما و رستاخیز طبیعت موج می‌زند؛ مراسم معتقدات که از مدتی بپایان زمستان مانده آغاز می‌گردد در جشن بهار به اوج خود می‌رسد.

مردم آذربایجان در انتظار فرارسیدن بهار؛ در تلاش زندگی و در رویارویی با شرایط دشوار طبیعی و اقلیمی خود روزهای سرد و بخصوص شبهای دیرپای زمستان را با مراسم و آداب و نقل قصه‌های دلگرم‌کننده و شیرین می‌گذرانند. (روایات و قصه‌هایی از ماجراهای کوراوغلی، عاشیق عاباس توفارقانلی، عاشیق عیوض، عرب‌اوزنگی، نیگار خانم، اصلی و کرم و داستانهای دراز از عیاران، قهرمانان و «قاجاقها» و «قوچاقها»ی گذشته دور و نزدیک و روایاتی از اسطوره‌ها از همه سو و همه‌جا که قوم ما در رهگذر تاریخ زیر پا گذاشته است).

از مراسم مهم فصل، شب چله، روز یا روزهای خیدیر-الیاس (خضر)، چهارشنبه آخر، «قیشدان چیخدیم»^۱، و بالاخره نوروز را می‌توان نام برد.

این مراسم عموماً عبارت است از:

اولاً گردهم آئی و انجام برخی کارها و آئین‌ها: از این قبیل است: ترتیب

مجالس و تجمعات، شب‌نشینی‌ها، بازیهای مختلف، دید و بازدیدها، رقصها، مسابقات، شعر و نغمه‌خوانیها، قصه‌گوئیها و آئینهائی چون آمدن سایاچیها و غیره، روشن کردن آتش و پریدن از روی آب و امثال آن.

ثانیاً آیین بندیها و آرایشها: از تازه گرداندن لباس تا خانه تکانی، تغییر دکور

و تزئین، روشن کردن چراغ و امثال آن.

ثالثاً تهیه برخی خوراکیها: از قبیل سمنو، رنگ کردن تخم مرغ، تهیه هفت

نوع غذا، تهیه آجیل مرکب از ۱۷ نوع دانه^۲، پختن شیرینیهای خاص و غیره.

معمولاً زمستان را به دو چله تقسیم می‌کردند چله بزرگ ۴۰ روز و چله کوچک ۲۰ روز در فاصله این دو یعنی در چهار روز آخر چله اول و چهار روز دوم چله دوم هشت روز را بنام سرمای خضر یا «خیدیر صویوغي» مشخص کرده بودند:

خیدیر نبی صویوغي

تندیره باصار طویوغي^۴...

روز «خیدیر-الیاس» را با سرمای «خیدیر نبی» به علت فاصله این دو، نباید اشتباه کرد. روزهای آخر زمستان از نظر تقویم مردم داستان دیگری دارد. نخست از کتاب «جشنها و آداب و معتقدات زمستان» چند سطری را عیناً می‌آوریم:

در ضمن نقل قصهٔ پسر چوپانی در موضوع پایان زمستان عیناً چنین می‌نویسد:

«... **جمیلردن بییری بوگنجه یئره دوشدی** یعنی از کشتی‌هایکی بزمین افتاد

و توضیح مطلب آنکه مردم ما کو عناصر اربعه را به چهار کشتی تشبیه می‌کنند و معتقدند هر کدام از این چهار تا در مدت معینی به ساحل خاک می‌رسند. خاک و باد و آتش و آب چهار کشتی هستند و هر یک بفاصله ده روز به خاک می‌رسد یا به تعبیر اهل محل به خاک می‌افتد؛ مثل کشتی خاک در دههٔ آخر چله کوچک، همان شبی که کرد اوغلی (قهرمان قصه) در برف گیر می‌افتد بزمین می‌رسد!... الخ.»^۵

این نمونه مثال جالبی است از این‌گونه در جمع‌آوری و بخصوص در پژوهشهای فولکلوریک هرگز نباید اجازه داد که تعبیر و تفسیر و وهم و گمان جای تحقیق و دقت و کار صحیح علمی را بگیرد.

آنچه که باعث این افتضاح گشته ناتوانی در درک معنای جملهٔ نقل شده و آسان گرفتن کار تحقیق در این زمینه و خیالپردازی به جای تحقیق است. در جمله‌ای که از پسر چوپان آورده‌اند چون آشنائی به زبان عادات محلی نبوده^۶ **جمیلر** به جای **جمیلر** گرفته

شده و چون وجود «گمی» یعنی «کشتی» در دشت و بیابان غریب می‌نمود، نویسنده (ولو با آوردن «کشتی خاک به زمین!» خواسته است دخواریها را به‌زور تاویل و تعبیر و خیالبافی به‌رنجوی که باشد آسان سازد، غافل از آنکه نقل قول غلط است و صحیح چنین است: **جمره لودن بیری بوگنجه یتره دوشدی.**

یعنی «یکی از جمروه‌ها امشب به‌زمین افتاد».

حال اندکی در باره «جمره‌ها» بگوئیم:

اقوام ترك را از دیرباز اعتقاد بر این بود که در چهار هفته، سه هفته و دو هفته به‌بهار مانده، یعنی اول هفته چهل و هشتم و چهل و نهم و پنجاه و یکم سال به‌ترتیب هوا و آب و خاک گرم می‌شود و تصور این بود که علت آن، افتادن جمره یا اخگر- «قور» و یا حرارت- «خیز» بر این عناصر بود. بی‌مناسبت نیست که در اینجا یادآور شویم که «خیز» بر وزن «قیز» در ترکی معانی مختلفی دارد؛ از آنجمله «حرارت» (قیزماق را بیاد بیاورید) «قدرت» و «نیرو»^۲.

این سه دوره در زبان عامه به‌جمره اول و جمره دوم و جمره سوم معروف است. نام این سه در تقویمی که به‌سال ۱۳۰۲ بوسیله منجم‌باشی کامل افندی ترتیب یافته‌چنین آمده است:

«جمره اولی بارده»، «جمره ثانیه فاتره» و «جمره ثالثه حامیه» یا جمرات سرد و نیم‌گرم و گرم. در «قاموس ترکی» چنین می‌خوانیم: «جمره: ذغال در حال اشتعال، اخگر، حرارتی که در ماه شباط حاصل گردد...»

احمد راسم در جلد سوم بلوغ‌الادب اشاره به‌روایتی دارد که در زمان قدیم اعراب و به‌قولی چینییان (و شاید نیز اقوام دیگر که در سردسیر دشتها و فلاتها می‌زیستند) در زمستان سه پناهگاه یا چادر تعبیه می‌دیدند، که اولی محیط بر همه و دومی قرار می‌گرفت. حیوانات بزرگ را در اولی- بیرونی- و حیوانات کوچک را در دومی جای دادند و خود در سومی می‌زیستند و در همه این‌ها آتش روشن می‌کردند. به‌تدریج که زمستان پایان می‌رسید نخست جمره یا حرارت و آتش چادر نخست را خاموش می‌کردند و سپس نوبت جمره دوم بود و دست آخر جمره سوم برمی‌افتاد یا حرارت پناهگاه اندرونی را خاموش می‌کردند. روایت دیگری است که به‌موجب آن هر جمره با ستاره‌ای که در تاریخ سقوط آن جمره، غروب می‌کند انطباق داده می‌شود.

شعرای قدیم در این فرصتها چکامه‌ها می‌سرودند که به «جمروه» اصطلاح می‌شود. برای نمونه چند بیت از شاعری به‌نام «ثابت» می‌آوریم:

دل ، آتش محبت ایله فیض یاب اولار

دریا کیمی که جمره ده پر آب و تاب اولار

یخ بسته می که پاره یاقوت سرخ ایدی
 تأثیر جمره دن گشته لعل مذاب اولار
 بیر حمله‌سینه تابور اولماز آریر-کندر
 دیو سفید برفه ده جمره شهاب اولار
 قالماز، بو فیض جمره ایلن نوبهاره دک
 هر نخل کهنه تازه و هر شیخ شاب اولار
 جمره ایله خواپگاهینا آتش بوراقدی گول
 بلبل دؤنه دؤنه اوجاغیندا کباب اولار

جشن بهار و روز خضر-الیاس در سنت ترکان از بزرگترین روزها بود. ترکان ایران از دیرگاه آئین نوروز را نیز بر آن افزودند و مجموعه مراسم جالب و زیبایی پدید آوردند.

میرعلی سیدوف، دانشمند آذربایجان شوروی در پژوهشهای وسیعی که کرده دریافته است که اسطوره‌ای اصیلی که خاص ترکان بوده و نامش را باید «خیزیر» نوشت (در بالا گفتیم که «خیز» در ترکی به معنای حرارت و نیرو است و «یر» یا «پیر»، «اور» به معنای «نغمه» و «شعر» و از سوی دیگر «یر» یا «ار» به معنای قهرمان و مرد است و نیز یادآور باید شد که پسوند «یر» دلالت به زمان مضارع دارد و در مجموع میتوان «خیزیر» را «نیروبخش» یا «نیروآفرین» ترجمه کرد)^۸.

برحسب تصادفی بسیار فرخنده این اسطوره با «خضر» عربی هم‌نام و همانند درآمده، اقوام ترک به تدریج همه صفات «اوله‌نگ» خدای آب، سبزی، جوانی و خانواده خود را با همه ویژگیهای امثال «اورال باتور» (اسطوره باشقیردی) به خضر داده‌اند و اورا چون نماد جمله آن چیزهایی که بهار و زندگی و سرسبزی را تداعی می‌کند شناخته‌اند. جای تذکر است که «اورال باتور» در دنبال مبارزات ورنجهای فراوان در پایان، برعکس خضر، خود از خوردن آب زندگی چشم می‌پوشد و آنرا بدور و بر خود می‌پاشد و در نتیجه به جای این که خود از عمری بی‌پایان بهره‌ور شود موجب گردیده است که با این ایثار جهان را از خشکی و زشتی نجات دهد و به همگان (ولو در زندگی‌ای کوتاه) تا آنجا که مقدور است با همه مظاهر سرسبزی و نشاط‌گل و آب و درخت-از شادی و خوشبختی بهره‌ای ارزانی دارد، تا به قول صائب تبریزی خطه برومند ما در بهار سرخ‌روئی همچو جنت غوطه‌ور گردد.

پایان

منابع و یادداشتها

۱- سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، جشنها و آداب و معتقدات زمستان، جلد دوم،

استانهای آذربایجان و همدان صفحه ۲۰-۲۱ تهران امیرکبیر ۱۳۵۴ در دنبال نام این مراسم چنین می‌خوانیم: «یعنی از زمستان درآمدم» و این نام یکی از رسوم شادی بخش و نیکوی قدیم هرفند است.

۲- برای اطلاعات بیشتر به منابع ذیل مراجعه شود:
الف- علی سلطانی- آذربایجان دراماتورگیاسی نین انکشافی تاریخیخیدن- باکی ۱۹۶۴- صفحه ۲۶-۲۷.

ب- پروفیسورم. طهماسب- خلق ادبیاتیندا موسم و مراسم نغمه لری «ادبیات غزنی»، ۱۹۴۴ شماره ۷ و ۸.

ج- م. س. اوردوبادی- باهار بایرامی، «ادبیات و اینجه صنعت» غزنی، ۱۹۶۸ شماره ۱۲ صفحه ۱۲.

د- ا. س. براغینسکی، باهار بایرامی حقیقنده، «ادبیات و اینجه صنعت» غزنی، ۱۹۶۷ شماره ۲۰.

۳- آنجوی شیرازی، همان اثر، صفحه ۶.

۴- ایضاً صفحه ۴۰.

۵- ایضاً صفحه ۲۰.

۶- از شگفتی‌های روزگار آنکه در دوران شوونیسیم آریامهری اگر هم برای خالی نبودن عریضه می‌خواستند در باره ما سخن بگویند گوئی شرط انجام کار، یا ناآشنائی با موضوع بود یا غرض و مرض کامل و یا انتخاب موضوع عوضی. چنانکه جز مثالی که در متن آمده کتابی نیز در باب «پیشرفتهای محیر العقول» سرزمین فراموش شده ما در «دوران پرهشکوه! شاهنشاهی» ساخته و پرداخته شد، «استادانا» که مأموریت این عظیم را بدوش می‌کشید الحق در انجام «سفارش» سنگی تمام گذاشت، نقل هر حادثه‌ای افتخار آفرین را با نکای سست‌ترین روایات منتفی دانست، غزها یا «اوغوز»ها «وحشی» خواندا پیوند دده قورقود را از ما بریدا و به عنوان «تیر خلاص» پا وجود ناآشنائی مطلق به زبان ترکی، دستور زبان ترکی آذربایجانی‌ای را هم در تکمیل کتاب حجیم خود به رشته تحریر درآورد یا در حقیقت «مونتاز» فرمود! از سوی دیگر محققینی نیز هر وقت فرصتی یافتند و تحقیقی کردند زبان امروزی را از یاد بردند و به نیش قبر پرداختند و با چراغ به دنبال «تاتی» و «هرزنی» افتادند و به قول سعدی بنیان خانه زبان ما را کردند و بام قصر ظلم را اندودند و بی‌خبر از احوال خانه چون منجم معروف و کذائی به پژوهش آسمانها کمر همت بستند.

۷- میر علی سیدوف، خضری تورک دپلی خلقلارین اینامی یاراتمیشدیر، «آذربایجان» ژورنالی باکی ۱۹۷۹ شماره ۷ صفحه ۱۹۳.

۸- ایضاً صفحه ۱۹۳ و ۱۹۴.

آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش

(۹)

یازان: دکتر جواد هیئت

۴-۱۹- اونیجی عصرین ایکینجی یاریسیندا ادبیات- بوعصرین اورتالاریندا و ایکینجی یاریسیندا، مخصوصاً شمالی قفقاز دمیریولی چکیلدیکن صونرا، روسیائین صنعتی ماللاری آذربایجان شهرلرینه دولماغا باشلادی. گنجه، شکی و شوشائین بازارلاریندا بوزمان روس ماللاری ساتیلیردی. روسیا ایله اقتصادی مناسبت گنیشلندیکجه تجارت آرتیروجانلانیردی.

کیچیک بیر لیمان (بندز) دان عبارت اولان باکی شهری، ۱۸۷۰ دن صونرا، نفت صناعی نین انکشافی ایله، سرعتله بؤیومگه باشلادی، روسیا و اوروپا-نین کاپیتالستلری باکی یه آخین ائدهرک اونون زنگین والدهیمه میش نفت قایتاقلارینی (منبع)، اوجوز فعله قوه سینا استثمارا باشلادیلار. بوعصرین صونلاریندا باکی آرتیق (دیگر) صنایع مرکزینه چئوریلیمیشدی.

۱۹- اونیجی عصرین ۶۰- عساینجی ایللرینده روسیادا معارفچی لیک حرکتی ان بؤیوک و مترقی اجتماعی جریان اولاراق انکشاف ائدیردی بوجریائین نماینده لری خلقی کهنه نظامی بیخماغا و روسیائی هر طرفلی « اوروپالیلاشدیرماق » و کندلیلرین منافعینی مدافعه اتمه یه چاغیریردیلار. مسکو و پترسبورگ دارالفنونلاریندا انقلابچی روس طلبه لری ایله بیر یرده اوخویان آذری طلبه لر قاباخچیل فکر لرله وطنلرینه قایدیدردیلار. حسن بیگ ملکزاده زردابی، نجف بیگ وزیروف، احمد بیگ جوانشیر، عسکر آدی گؤزلوف بئله منور

لردن ایدیلر. بئله لیکله آذربایجاندا روس و اروپا مدنیتی تائیری داها قوتلنیر، دموکراتیک و معارفچی فکرلر یاییلمغا باشلائیردی.

آذربایجان ادبیاتی دا بئله بیر تاریخی و اجتماعی شرایطده سرعتله انکشاف اتدی. باکیخانوفلا باشلایان بئنی معارفچی ره آلیست ادبیات، میرزا فتحعلی آخوندوفون یارادیلجی لیفتدا ادبی سویه سینه یو کسله بیلدی.

آخوندوف روس و اوروپا کلاسیکلرینی اوخویدور، معاصر اوروپا فلسفه سینی ایزله بیر (تعقیب ائدیر) و ۱۸۵۰ ده یاراتدیگی کمدی لر یله آذربایجان ملی دراماتورقیا (نمایشنامه نویسی) سینین بناسینی قویدی. او بیر طرفدن عرب الفباسینین ده کیشدیریلمه سی مسئله سینی ایره لی سورهرک بو خصوصدا طرح لیر و ثریر، شرقده فرهنگی و مدنی انقلاب یاراتماق ایسته بیر، معاصر یازیچیلاردان میرزا ملکم خانین، رضاقلی خانین، شاعر سروشون و سایرینین اثرلری حقیقده ادبی-تنقیدی مقاله لر یازیر و نهایت فاناتیزمی تنقید ائدن «کمال الدوله مکتوبلاری» کیمی چوخ کسگین بیر اثرین مولفی کیمی میدانا چیخیردی. بوایلرین ادبی بئنی لیکلریندن بیریدیه آذربایجان مطبوعاتی نین یارانماسی ایدی.

حسن بیک زردابی ۱۸۷۵ ده ایلک دفعه اولاراق، باکی دا، تورکجه کینجی غزته سینی نشر اتمگه باشلادی. بونشریه سیدعظیم شیروانی، نجف بیگ وزیروف، عسکر آقادی گوزل کیمی مترقی یازیچیلاری اؤز اطرافینا توپلادی و کسگین (قاطع و تیز) مقاله لر یله جهالته، فاناتیزمه قارشو چیخیر، معارفچی-دموکراتیک فکرلری تبلیغ ائدیردی. بو روزنامه آیدا ایکی دفعه منتشر اولوردی متاسفانه اوچ ایلدن صونرا چار اداره سی طرفیندن توصیف ائدیلدی. معارفچی ره آلیست ادبی جریانی یانیندا باشقا ادبی جریانلاردا وارایدی.

شعرده غزلچیلیک داها گنیش یاییلاراق انکشاف اتمکده ایدی.

۷-۱۸۶۰ ایللرینده قاراباغدا «مجلس انس» و «مجلس فراموشان»، شاماخیدا «بیت الصفا» باکیده «مجمع الشعرا» کیمی شعر مجلس لری یارانیر و بومحفل لرده یوزلرجه غزلسرالار توپلانیردی. قاراباغدا عبدالله بیگ عاصی، خورشید بانو فاتوان، شاماخیدا میرزا نصرالله بهار، حاجی سیدعظیم شیروانی، باکیدایوسف خالق، محمد آقاجرمی، گنجده میرزامهدی نقی، شکلی ده/ اسماعیل بیگ ناکام، دربنده ده قمری کیمی گؤرکملی غزل شاعرلری یتیشمیشدیر، بودورده جانلانان غزل شعرینی الهامچی سی سید عظیم شیروانی ایدی. او معارفچی-ساتیریک شعرلریله معارفی تبلیغ ائدیر و خلقی او یان دیرماغا چالیشیردی. بو عصرده عینی زماندا مرثیه شعری و عرفانی شعر هر ایکی آذربایجاندا یازیلیردی. مرثیه شعر حقیقده داها اول معلومات و ثریلمیشدیر. عرفانی شاعرلرین باشیندا نباتی گلیردی. سیدنگاری و شاهنگار خانم رنجور صوفیانه و غنائی شعرلریله

او بیرلردن سچیلر لر.

۱۹ - اینجی عصرین ایکینجی یاریسیندا شفاهی خلق ادبیاتی دا انکشاف ائده رک یایلماقدایدی . بودورین ان گؤرکملی خلق شاعرلری عاشق علی عسکر، شمکیرلی عاشق حسین، شکلی عاشق ملامجه، عاشق محمود ایدی. عاشق عسکر عاشق شعرینین بؤیوک بیر استادی کیمی یوکسلمیشدیر.

بودوره ده انکشاف ائدن شفاهی خلق ادبیاتیندا **قاچاق نبی** حقیقته بیر سیرانغمه لر و خاطره لر یارانمیشدیر. بو خاطره و نغمه لرده تصویر اولونان قاچاق نبی دشمنله مرد و جسارتلی و روشان، قورخماز بیر خلق قهرمانیدیر.

یوقاریدا یازدیقلاریمیزی خلاصه ائدرسک بودوره دراماتورقیا، مطبوعات یارانمیش، ادبی محفللر قورولموش و گؤرکملی و نفوذلو شاعرلر یتیشمیش و ادبیاتدا دموکراتیک فکرلر انکشاف اتمیشدیر.

میرزا فتحعلی آخوندوف (۱۸۷۸-۱۸۱۲). میرزا فتحعلی آخوندزاده ۱۸۱۲ ده نوخا (گنجه محلاتیندان) دا آنادان اولموش، آناسی خامنه ای و آناسی نوخالی دیر. سککیز یاشیندا باهاسیندان آیریلیمیش و آناسی نین عمی سی حاجی علی عسکرین حمایه سینه کئچمیشدی. او حاجی علی عسکر دن الهیات، عربجه و فارسجایی ئویرنمیش و اسلام فرهنگینه دریندن بلد اولموشدی. ۱۸۳۲ ده میرزا شفیع واضح ایله تانیش اولدوقدان صونرا اوندان نستعلیق یازیسینی اویره نیرکن اونون تاثیر آلتیندا روحانی اولماقدان وازگیمیش (صرف نظر ایله میش) و معاصر علمله ماراتق (علاقه) تاهمیشدیر. ۱۸۳۴ ده میرزا فتحعلی تفلیسه کؤچموش و اورادادولت اداره سینده شرق دیللری مترجمی اولموشدور. چالیشدیغی وظیفه ده باجاریق ولیاقت گؤستر دیگیندن تزیوکسلمیش و ۱۸۴۸ ده چار حکومسی طرفیندن ناصر الدین شاهین تخته چیخماسینی تبریک ایچون گونده ریلن نماینده لرله ایرانا گلمیش و بوفرصت ده میرزاتقی خان امیر کبیر ایله گؤرؤشموش و ایرانین وضعی ایله یاقیندان تانیش اولموشدور. ۱۸۴۲ ده آخوندوف آخوند حاجی عسکرین قیزی طوبی خانملا اولنمیش و آخوندزاده آدینی اؤزونه صوی آدی (نام فامیل ولقب) سچمیشدیر. ۵۵-، ۱۸۵ آراسیندا مشهور آلتی کمندی سینی یازمیش و ۱۸۵۷ ده «آلدانمیش کواکب» حکایه سینو و ۱۸۶۰ دادا «کمال الدوله مکتوبلاری» نی یازمیش و اوندان صونرا ینی الفبانی قبول و متداول ائتدیرمک ایچون چالیشمیش و ۱۸۷۸ ده تفلیس ده اوره ک خسته لیگیندن وفات اتمیشدیر. آخوندوف بدیعی یازدیجیلیغا (۱) شعرله باشلامیشدیر. ایلك شعرینی مشهور روس شاعری پوشکینین ئولومونه دایر و فارسجا یازمیشدیر (پوشکینین قتل حقیقته شرق پوئماسی). بو شعر

مارلینسکی طرفیندن روسجا یا ترجمه ائدیله رهك چاپ اولموش و گئج شاعره بؤیوك بیر شهرت قازاندير ميشدی.

بو بوئمادا شاعر طبیعتین گؤزل تصویرینی وئردیکدن صونرا، پوشکینین ئولوم خبریندن دوغان درین کدرینی، روحی الم و هیجانلارینی افاده اتمیش و پوشکینین روس ادبیاتینداکی موقعینی تعیین و ترسیم اتمیشدیر.

بو منظومه دن باشقا آخوندوف تور کچه و فارسجا مختلف شعرلر یازمیش؛ بعضاً واقف سبکینده عاشقانه قوشمالار، بعضاً ده دوستلارینا (قاسم بیگ ذاکر ونوا و باشقالاری) منظوم مکتوبلار و حتی الفبا و غر و نندا (یولوندا) آپاردیغی مبارزه لر حقیقته شعرلر یازمیشدیر. شعرلرینده صبحی تخلصینی سچمیش لکن شعرله کفایتلمیه رهك ادبیاتین باشقا ساحه لرینده، دراماتورقیا (نمایشنامه) و نثره کئچمیشدیر.

کهن عصرین، ۴-اینجی ایللرینده تفلیس ده تآثر حیاتی جانلانما یا باشلامیشدی. او زمان وارلی گرجی خانلاری نین اولرینده بعضاً ده آچیق هوادا موسیقی کنسرتلری و تآثر تاماشالاری تشکیل اولونور و روس و گرجی یازیچی لاری نین اثرلریندن کچیک پارچالار اوینانیردی. ۱۸۵۱ ده تفلیس ده بؤیوك بیر تآثر بناسی تیکیلدی، میرزا فتحعلی بو تآثر تاماشالارینی ایزله دیگجه، شکسپیر، مولیر، گریبوندوف و گوگول کیمی بؤیوك نمایشنامه یازانلارین اثرلرینی اوقسور و تآثرین بؤیوك فرهنگی رولونو دوشونره ك تآثر اثرلری یازماغا هوسله نیردی.

بئله لیکله ۵۵-، ۱۸۵۰ آراسیندا یازدیغی آلتی کمدی نمایشنامه (حکایت هلا ابراهیم خلیل کیمیا گور، حکایت مسیو ژوردان و درویش مستعلی شاه جادوکن مشهور، حکایت خرس قلدرباسان، سرگذشت وزیرخان لنکران، سرگذشت مرد خسیس و یا حاجی قارا و موافقه وکیل لری نین حکایتی) لريله آذربایجان دراماتورقیاسی نین تملینی قویدو.

آخوندوف بوساحه ده «بانی کار» اولماسینی بوشکلده ایضاح ائدیر. چون امیر اعظم کنیاز بورونسوف فرمانروای مملکت قافقازیه ۱۲۶۶ اینجی سنه ده شهر تفلیس ده بیر عمارت عالیه تآثر اسمیله برها ائدیپ، بالاده مذکور اولان منافع کلیه نین وسایلی اکتسابینا مخارج کثیره صرف اتمک ایچون، کلی حمایت و عنایت ظاهر بووردو لهذا من دخی ملت اسلامی بو امر غریبدن مستحضر اتمک ایچون بر سبیل امتحان، بیر حکایت تصنیف ائدیم ایندی جمله سینی بیر مجلدين ایچینده ارباب کمالا معروض ائدیپ باشقا مصنفلر کیمی توقع اتمیرم که نیک و بدیندن اغماهی ائتسینلر؛ بلکه تمنام بودور که

بو علم جدیده مخبر اولوب بقدر قوه خیال امثالینی تصنیف اتمیه اقدام ائده لره که اونلارین اهتمامیندان بوفن عجیب اسلام آراسیندا دخی شهرت تاپا. مندن آنجاق اندازه و نمونه کؤستمک، بانی کار اولماق ایدی^۱.

آخوندوف اوروپالی لار کیمی تأترا، انسان اخلاقینی اصلاح ائدن بیر عبرتخانه و مکتب کیمی باخیردی و کمدی لرینده انسانی تربیه یولی ایله دوزلتمک و اونادوغرو بیر جهت وئرمک مقصدینی ایزله بیردی.

تمثیل لرین مقدمه سینده دراماتور قیادان بحث ائدرکن یازیر کی: «فایده ی نقل مصیبت و بهجت بنی نوع بشرین اخلاق و خواصینی بیان اتمکدیر که مستمع یاخشیلارینا خوشحال و یامانلاریندان متأذی و غافل اولا و هم نفس اناره بوگونه حکایتین استماعینا مشغول اولماقلا لذت کؤروب معاصی و مناهیدن جلب سرور اتمیه میل ایله میه». آخوندوف نمایشنامه یازماق دا نقل بهجت یعنی کمدی یولونو سچمیش و یازدیغی ساتیریک کمدی لرینده اوزمانکی اجتماعی حیاتین منفی لیکلرینی کسگین کولوش و نیشخندله افشاء و تنقید اتمیشدیر.

حکایت ملا ابراهیم کیمیا گر نمایشنامه سینده شرقرده چوخ یایلمیش اولان یالانچی کیمیا گر لیک و موهومات علیهنه چیخمیشدیر. اثرده ترسیم ائدیگی نوخالی تاجر لرین و ملا ابراهیم خلیلین سیماسیندا کهنه جمعیتین طمعکار، عوام و یالانچی تیپلرینی تصویر اتمیش و بومنفی تیپلره قازشی مثبت سیما اولاراق شاعر حاجی نوری نی ایره لی سورموشدور. حاجی نوری ملا ابراهیم خلیلین فیریلداغینا ایناناراق مسین قیزیلا چوریلدیگینی یقین

۱ - آخوندوفون بو نظری تاریخی باخیمدان دوغرو دگیلیدیر . چونکه کمدی نمایشی اوروپادا (فرانسه) ۱۵- اینچی عصرده باشلادیغی حالده مسلمان سلجوق تورکلرینده، ۸۵۰ ایل بوندان قاباخ مرسوم ایدی. بیزانس امپراطوری آکسیوسون قیزی آنا، کومیننی باهاسی نین سلطنت دورینه عائد یازدیغی آکسیاد آدلی تاریخ کتایبندا Alexiade بئله یازیر: ۱۱۱۶ ده بیزانس امپراطوری قلیچ ارسلان اوغلو ملکشاه اوردوسو ایله حربه حاضر لاندیغی زمان نقرس خسته لیغینا توتولور و حربه گنده ییلمیر. تورکلر بو مسئله نی تمارض تلمی ائدیپ حقیقی سببین امپراطورون تورکلره حریدن قورخماسینا باغلامیشلار و حادثه نی بیر کمدی شکلینده نمایش وئرمیشلر. بو نمایش ده امپراطوری بیر ارا به نین اوستونده دکتر و پرستار لاریلنه بیر لیکده صحنه یه چیخارمیشلار.

Ferdinand-Chalandon. Essai Sur Le Regne D'alexis, 1. Comnene, 1900. Paris.

اژدهن تاجرلری ئوز کسگین و معقول سؤزلریله مذمت و ملامت ائدیر و اکسیرین، انسانین ئوز هنرینده و باجاریغندا اولدوغونو ایرهلی سورور؛ لکن اونون سؤزلری تاجرلره خوش گلیر و مجلسدن قووولور. مؤلف حاجی نوری نین سیماسیندا اوزمانکی قاباقجیل آذربایجان منورلرینی تصویر اتمیشدیر.

حکایت مسیو ژوردان حکیم نباتات و درویش مستعلی شاه جادوگر: نمایشنامه سینده قارائلیق شرق عالمی ایله اوروپانین مقایسه سینی وئرمیشدیر. مستعلی شاه سیماسیندا فیریلداقچی جادوگر درویشلری افشاء و تنقید اتمیش، نباتات عالمی مسیو ژوردانین سیماسیندا ایسه اوروپا مدنیتی نین قاباقجیل فکرلرینی و آذربایجانین اوروپالی لاشدیرماق فکرینی ایرهلی سورموشدور.

سرگذشت وزیرخان لنگران کمدیسی ایله آخوندوف فئودال اداره اصولونا قارشی کسگین بیر ساتیرا یاراتمیشدیر. اثرده خانین سارساق حرکتلری، وزیرین ایکی اوزلو یالتاق سیماسی مهارتله افشا اولونموشدور. تیمور آغا ایسه، اداره اصولوندا معین بیر دئییشیکلیک یاراتماق ایسته یین لیبرال دوشونجه لی و عقللی بیر خاندیر بو اثر عینی زماندا بیر معیشت کمدیسی دیر.

خرس قلدریاسان کمدیسی آذربایجان کندلی حیات و گچیمینی (معیشت) عکس ائتدیرن ره آلیست بیر اثر دیر. تورکجه ویرلی خصوصیتلری بیلمه دیکلری ایچون چتین و گولونج بیر وضعیتده دوشمن چار مأمورلاری، ئولکه ده جهالت و قلدرلوغون چوغالماسی و قادین اسارتی تصویر اولونموشدور.

حاجی قارا آخوندوفون ان مشهور و قوتلی کمدیلریندن دیر. اثرین بیرینجی قهرمانی حاجی قاراخسیس بیر تاجر دیر و بوسبدن گولونج بیر وضعه دوشموشدور. اثرین ایکینجی سیماسی حیدر بیگ دیر.

او بودورده کی بیگ و مالکلرین افلاسینی و بونون نتیجه سینده هرایشه باش ووروپ چاریز مه بنده لیک اتمه لرینی گوئترمیشدیر.

مرافعه و کیل لری کمدیسی اوچ ایل صونرا یازیلیمیشدیر. بو اثرده محکمه ایشلرینده کی حق سیزلیقلار، رشوت، وکیل لرین فیریلداقچیلیغی شدتلی صورتده تنقید ائدیلمیشدیر. مولف چار سانسورونون دقتینی جلب اتمه مک ایچون حادثه نی قصداً تبریزه کوچور موشدور.

تبریزده حیله گر لیگیله مشهور اولموش مرافعه و کیلی (وکیل عدلیه) آقا مردان، ئولن قارداشی حاجی غفوردان سکینه خانما یتیشه جک آلتیمیش مین تومن لیک میراثی محکمه یولیه اونون الیندن چیخارماق ایچون حیله ایشله دیر، یالانچی شاهلردوزده لدیر،

حاکم شرعی نوز طرفینه چکمیہ چالیشر لکن محاکمه اثناسیند اونون شاهدلری ایشین حقیقتینی سؤیله بیر لر و بئله لیکله حق و عدالت غالب گلیر.

آخوندونون کمدی لرینده یالنیز منفی تیپلر دگیل، عصرین قاباقجیل، مثبت آدمالاری دا مهم ریرتوتورلار. مؤلف منفی تیپلری داها دریندن افشا اتمک ایچون مثبت سیمالاردان استفاده اتمیشدیر. اثرلرده کی منفی تیپلر اوزمانکی محیطین اجتماعی منفیلیکلرینی تمثیل ائدیر دیلر. مثبت تیپلرین جدی سیمالاری و بعضاً کسگین مبارز چیخیشلاری و عاشقانه ماجرالاری آخوندوف کمدی لرینی بیر حده قدر «جدی دراما» یاخینلاشدیریر.

آخوندوف کمدیلرینی نوز و روسجا یا ترجمه اتمیش و ۱۸۵۸ ده تفلیس ده چاپ ائدیرمیشدی. تورکجه چاپینا بیر چوق زحمتدن صورنا ۱۸۵۹ دا موفق اولایلمیشدی. آلتی نمایشنامه سینی آلدانمیش کواکب آدلی حکایله سیله بیر لیکده کلیات آدیله چاپ اتمیشدیر. کلیات، ۱۸۷۲ ده میرزامحمد قاراجاداغی طرفیندن فارسجا یا ترجمه ائدیله رهک ایراندا چاپ اولونموشدی. ۱۸۸۲ ده سرگذشت وزیرخان لنکران قاراجاداغی نین فارسجا ترجمه سیندن انگلیزجه یه ترجمه ائدیله رهک فارسجا متنی ایله بیر لیکه لندن ده نشر ائدیلمدی. مرافعه و کیللی نین فرانسیزجا ترجمه سی ده اوندان بیر ایسل صورنا نشر ایدیلمدی و بوصورتله بیرنجه ایل ایچری سینده آخوندوفون کمدی لری اوروپا دایلییب، مولف ایچون بؤیوک بیر شهرت قازاندیردی اوروپادا اونا شرقین مولییری و قفقازین گوگولی لقب وئردیلر.

آلدانمیش کواکب حکایه سی بیرنجی شاه عباسین استبدادینا قارشى یازیلیمیش بیرساتیرادیر. شاه عباس اونون اطرافینا توپلانا وزیرلرین، روحانی، منجم باشی و سایرهنین سیمالاریندا ایران استبدادی نین نماینده لری تصویر ایدیلیمیشدیر. شاه ایکی اوزلو، یالتاق وزیرلر و درباری روحانی لرین ایله ایران خلقینی تالان ائدیر، آدم شاقالاییب، بورون، قولاک کسیرگوز چیخاردیر و بوکیمی وحشیانه جزالارا انسانلاری محو ویامعلول ائدیر؛ شخصی حرض و آرزوسونو ارضا اتمک ایچون خلقین قیز و گلینلرینی زور لاهرمخانا سینا کتیردیر؛ اطرافیندا کی لاردا نوز موقعیتلرینی ساخلاماق ایچون شاهایالتاقلانیر و اونون ظالمانه حرکتلرینی آلفیشلا ییرالار.

وزیرجنگ سردار زمانخان نوزونو آستانه ی علیه نین قوجا اپتی ساییر، مالیه وزیری میرزا محسن دولت مأمور لاری نین حقوقونو وئرمه مک یولیه پادشاهلیق خزینه سینی دولدورماغی نوزونه بؤیوک بیر موفقیت بیلیر، ملایاشی آخوندصمده وزیرلرکیمی یالتاق و ایکی اوزلودور. اودا شاهی تعریفله ییر، اونا دعا اوخور، سنی مذهبنه قارشى مبارزه سیندن و خلقه زورلا شیعه مذهبنی قبول ائدیرمه سیندن دانیشیب ئویونور؟ و شاهین

خلاف شرع ایشلرینی توجیه ائدیر. مؤلف بو طفیلی زمره قارشى یوسف سراجى مثبت بیر سیما اولاراق میدانا چیخاریر.

یوسف سراج شاهلیغی ایله کچیر دیکدن صونرا ایشلرینده بؤیوک دییشیکلیکلر یارادیر، اولاً حکومت اداره لرینی تصفیہ ائدیر، یالتاق و احمق وزیرلرین یرینه عقللی و باجاریقلی آدمالار کتیریر، منجم باشلیق وظیفه سینی لغو ائدیر، وحشیانه جزالاری آرادان قالدیریر، محکمه سیز هیچ بیر کیمسه یه جزا وئرلمه مک حقیقنده قانون قویور و عدلیه محکمه لرین تشکیلینه باشلایر و عینی زماندا والی لره خلق ایله یاخشی رفتار اتمک ایچون یول لار کؤسته ریر.

خلق ایچر سیپندن چیخیب حکومت باشینا کچن یوسف سراج مولفین یدی ایل قاباخ یازدیغی کمدی لرده کی حاجی نوری و تیمور آقاسیملاری نین داها انکشاف اتمیش و تام بیتیمیش بیر دوامیدیر. یوسف شاه گنیش سیاسی بیر برنامه ایله حرکت ائدیر. او بؤیوک بیر اصلاحاتچی دولت آدامیدیر.

آلدانمیش کواکب داستانی آذربایجان ادبیاتی تاریخینده ساتیریک حکایه نین ان یوکسک نمونه لریندندیر. بو داستانی یازدیقدان صونرا آخوندوف اؤزونوداها چوخ ینی الفباء، فلسفه و ادبی تنقیده حصر اتمیشدیر. الفبائین ده بیشمه سینه عائد دورد طرح (لایحه) و بیر چوخ مقاله و مکتوبلار یازمیشدیر. ایران، ترکیه و روسیه دولت آدمالارینا یازدیغی مکتوبلاریندا عرب الفبائی نین نواقصیندن، تحصیل و تدریسده چتینلیک تۇرتمه سیندن، خلقتین فرهنگی انکشافینا مانع اولماسیندان شکایت ائدره ک بو الفبائین لاتین الفبا ایله عوض ائدیلمه سینی ایسته میشدی. شاهزاده اعتضاد السلطنه یه کؤنردیگی تاریخی مکتوبوندا (۱۸۷۴) بیله یازیر: بلی من ئوزومده آنلا ییرام اما یازیرام و دیری اولدوقجا یازا جاغام دا، تاکه، الفبائی ده بیشدیرمک فکری بوتون ملتین آراسیندا یایلمیش اولسون نجه کی اون بش ایله یاخیندیر کی بوفکرین توخومونو ایران و ترکیه تورپاغیندا سېمیشم. شبهه یسزکی تخم خلف لریمیزین عصرینده اوزون کؤستره جگدیر. آخوندوف بو ایش ایچون ترکیه یه ده مسافرت اتمیشدیر.

آخوندوفون «کمال الدوله مکتوبلاری» آدیندا کی اثری اونون فلسفی فکرلری و سیاسی فعالیتی نین کؤزل افاده سی دیر (۱۸۶۵). استبداد و مذهبی تعصبات علیه نه یازدیغی بو اثرین عواقبیندن قورونماق ایچون اؤزمؤلفلیگینی گیزلهدیر و ئوزونو اترین مترجمی کؤستر مگه چالیشیردی. بیر مدت صونرا کمال الدوله مکتوبلاری نی ئوزو طرفیندن نه مقصد ایله یازیلدیغینا اشاره ائدیرو اصل هدفی مدنیتیته مانع اولان مذهبی فاناتیزیمی قالدیرماق

و اسلامدا پروتستان تیزم یاراتماق اولدوغونو بیان ائدیر.

کمال الدوله نین بیرینجی مکتوبو ایرانین جمشید و گشتاسب زمانیندا کی دولت قانون نامه سی اولان «پیمان فرهنگ» نین تصویر لیه باشلانیر و بونون آردینجا معاصر ایرانین هر طرفلی تصویر ی وئر یلیر: «یول لارین خراب، قریه لرین ویران، شهر لرین بی رونق، کوچه لرین «بی انجام» اولماسی، حمام لارین ناتمیزیگی، مالیه ایشلرینده کی هرج و مرج، محکمه لرده کی قانسوز لوق و ئوز باشینالیق، مطبوعات، تاریخ، شعر ساحه لرینده کی اساسلی نقصانلار، جهالت و موهومات، منجم لرین، دربار ی روحانی لرین «یالتاق و آلچاق طبیعت لری»، پادشاه لارین ظلم و سایره تصویر اولونور و ایران خلقی انقلابا دعوت ائدیلیر: «ای اهل ایران» اگر سن نشاهی آزادی دن و حقوق انسانیدن خبر دار اولسایدین بئله عبودیت، بئله رذالته متحمل اولمازدین. کسب علمه طالب اولوب فراموشخانه لو آچاردین، مجمعلریا پاردین، وسائل اتفاقی دریافت ائدر دین، سن عاده واستطاعتده دسپوتدان ابراتب آرتیسمان سنه آنجاق یکجهتلیق و یکدل لیک لازیمدیر، اولجه رولوسیا^۲ ائدیب عبودیتدن نجات تاپاردین، اگر بو حالت یعنی اتفاق سنه میسر اولسایدی ئوزونه بیر فکر چکردین و ئوزونو بوچ عقایدین قیدیندن، دسپوتون ظلموندن نجات وئر دین»

آخوندوفون فلسفی گوروشو آتمیست نظریه سینه یاقیندیر؛ اونون نظریجه کائنات بوتؤ و مادی بیر وارلیقدان عبارت دیر کی بوداصایی سیز حساب سیز ذره لردن متشکل دیر. او زمان و مکانین خارجینده وارلیغین غیر ممکن اولدوغونا اینانیر. اونون فلسفی گوروشلرینده بیر طرفدن ۱۸- اینجی عصر فرانسیز متفکر لری نین (ولتر، مونتیسکیو، روسو، میرابو و مخصوصاً ارنست رنان) بیر طرفدن ده شمس تبریزی، ملای رومی، شبستری کیمی وحدت وجوده معتقد فیلسوفلارین تاثیر ی گورونور. او عقلین اصلالتینه و حکومتینه اینانیردی؛ ادبیاتدا ره آلیزمی تبلیغ ائدرکن ادبیاتین اجتماعی، تریه دی رولونو اساسی بیروظیفه کیمی ایره لی سوروردی. او ئوز بدیعی- اجتماعی اثر لریله آذربایجان خلقی نین اجتماعی فکر انکشافیندا مهم بیر رل اوینامیشدیر.

۱۹- اینجی عصر ادبیاتیندا کلاسیک شعر جریان ی: ۱۹- اینجی عصرده آذربایجان ادبیاتیندا کلاسیک شعر جریان ی دا مهم یرتوتاراتق دوام اتمکده ایدی. زنگین ادبی عنعنه لره و یوزلرجه، استعدادلی شاعره صاحب اولان بو شعر جریان ی چوخ گنیش یایلمیشدی. بو جریان غنائی (غزل) و عرفانی و مرثیه شعری کیمی اوچ اساس خطله دوام ائدیردی.

مرثیه شعر و ادبیاتیندان داها قاباخ بحث ائدیگیمیز ایچون تکرار یازماغی زائد

گوروروخ. غنائی شعر و شاعر لریمیزدن، جنوبی آذربایجانا عائد اولانلاری، کچن مقاله لریمیزده شرح و تئردیک؛ شمالی آذربایجان غزلسرالارینی دا بومبعثین صونوندا خلاصه اولاراق ایضاح ائده جگیک. عارف و صوفی شاعر لریمیزدن، نباتی دن ده، جنوبی آذربایجان شاعر لری آراسیندا بحث ائتدیک شمالی آذربایجاندا کی صوفی شاعر لرین ان گور کملی لری سید حمزه نگاری، رنجور خانم، وحیدی، طالبی و عسگری دیر.

میر حمزه افندی سید نگاری قاراباغلی دیر (۱۸۸۵-۱۸۱۵). اثر لری نین چوغونو نباتی تاثیر یله یاز میشدیر. گنج یاشدا ترکیه ده تحصیل آلمیش و بیر مدت آماسیادا قالدیقدا صونرا قازاغادؤتموش و خانلیقلار کندینده بیر صوفی مرشدی کیمی چوخلومریدلر اطرافینا ییغمیشدیر. غزل، قصیده، مخمس و مستزاد بیرده چاپنامه دن مرکب بیر دیوانی واردیر، آیریجا فارسجادا دیوان صاحبی دیر. دیوانی ترکیه و تفلیس ده دفعه لرله نشر اولوتموشدور. قازاخ شاعر لریندن **وحیدی** تخلصلی رحیم دیلبازوف (۱۸۷۳-۱۸۲۶) و **رنجور** تخلصلی شاهنکار خانم (۱۸۹۹-۱۸۵۰) اونون ان یاخین مرید لریندن ایدیلر. ۱۹- اینجی عصرده شمالی آذربایجان شهر لری نین جانلناماسی، مدرسه و مکتب لرده فضولی دیوانی نین اوخونماسی غزل شعری نین یایلماسینا یاردیم (کمک) ائدی. بو عصرین ایکینجی یاری سیندا گنجه، شکی، شوشا، شیروان، قوبا، باکی و تبریز ده یوز لرحه گور کملی غزل شاعر لری ییتیشدی. بوندان باشقا دورون مختلف ادبی جریانینا منصوب اولان شاعر لرده غزل یازیر دیلار. غزل شاعر لری نین ان مهم لریندن ساغری، قاسم ذاکر، مصطفی آقا ناصر، میرزا نبی غائبوف، میرزا نصراله دیده، نصراله بهار، سید عظیم شیروانی، ناکام و داها بیر چوقلا رینی صایا ییلیریک .

ساغری - (۱۸۴۵-۱۷۹۰) قاراباغلی روحانی عائله سینده منسوب دور، آتاسی آخوند صادق و باشقا عالم لردن درس آلمیش و ۴۰ ایل ملاخانادا معلم لیک اتمیشدیر. تورکجه و فارسجا یازیلیمیش ایکی بؤیوک دیوانی واردیر. فضولی تاثیر یله یاز مییش. غزل لری نین دیلی ساده، بدیعی و پارلاق دیر:

ای شانه اوتان طره ی افشانینا دیمه

جانیم چیخار، اول زلف پریشانینا دیمه

اتمه گونومو قاره منیم، زلف، حذر قیل

چین چین دؤکولوب مهر درخشانینا دیمه

ای سرمه حیا ائيله گونوم ايله مه تیره

چشم سیه نرگس فتانینا دیمه

ای زلف حیا قیل، منی سن اتمه پریشان

هر دم دؤکولوب اول مه تابانینا دیمه

ملاقاسم ذاکر کچن عصرین بیرینجی یاریسیندا یاشامیش نخالی (کنجه) دیروغزل و مخمسریله مشهور اولموشدور.

مصطفی آقا ناصر - ذاکر و شیروانلی ملاقادر ناجی ایله معاصر دیر. نظامی دن «خسروشیرین» شعرینی تورکجهیه ترجمه اتمیه باشلامیش لکن وفات ائتدیکیندن ترجمه یاریمچیلیق قالمیشدیر. کچن عصرین اورتالاریندا قازاخدان میرزا نبی **غائبوف**، **اسکندر آقا شاعر**، شاماخیدان میرزا نصراله **دیده** کیمی اصیل کاراکترلی شاعرلر چیخمیشدیر.

میرزانبی **غائبوف** چار مأمور لارینا قارشی شعرلر، اسکندر آقا شاعر، خیام روحوندا شعرلر و منظوم حکایه لریازمیش، میرزا نصراله دیده ده تاجر لرین، آج گوزلو طمعکار و روحانی نملارین و پول پرستلرین علیهنه بیرسیرا، منظوم اثرلر یارادمیشدیر.

دیده منظوم پارچالاریندا، دنیا مالینا اویان تاجرلری تنقید ائده ره ک، اونلاری بوخسوللارا یاردیماچا غیریردی. پولون و دنیانین علیهنه چیخارکن خلقی پرهیزکار اولماغا دعوت ائدیردی:

بیر یوخو صورتیدیر واقعه‌ی کل جهان

بئله افسانه یری جای صفا ایله مهین

اویماین دولت دونیایه خطا معدنی دیر

بو خطا منبعینی باشایلا ایله مهین

۱۹- اینجی عصرین ایکینجی یاریسیندا غزل شعری داها جانلی و سرعتلی انکشاف اتمیشدیر. بو دوره بهار، سیدعظیم شیروانی و ناکام کیمی مقتدر شاعرلر یتیشمیش، ادبی محفللر یارانیب، شاعرلر آراسیندا مشاعره، نظیره چیلیک، منظوم حکایه لر، فلسفی و عاشقانه غزل لر یازلمیشدیر.

بودورده آذربایجان شاعرلری اساس اعتباریله ادبی مجلسلر اترافیندا توپلاشیردیلار.

۷- اینجی ایلدرده قاراباغدا «مجلس انس» و «مجلس فراموشان»، شاماخی دا «بیت الصفا»، باکیده «مجمع الشعرا» کیمی شعر مجلسلری تشکیل ائدیلمیشدی.

مجلس انس خورشید بانو **فاتوانین** ابتکاری و میرزا رحیم **فنانین** اشتراکیله قورولموشدی.

مجلس فراموشانین بانی سی میر محسن **نواب** ایدی. شاماخیدا کی بیت الصفا مجلسینه سیدعظیم شیروانی، باکیدا کی مجمع الشعرا یا محمد آغا **جوهری** باشچیلیق ائدیردی. غزل شعری نین انکشافیندا بو ادبی مجلسلرین بؤیوک رولو اولموشدور. بو مجلسلرده فردوسی نین شاهنامه سی، نظامی نین خمسه سی، حافظین، نوائی نین و فضولی نین دیوانلاری مطالعه

اڻڊيهرهڪ ادبي مباحثه لهر و محاكمه لهر يورودولور، نظيره لهر يازماق ايچون شاعر لهر آراسيندا ياريش (مسابقه) اعلان اولونوردو. بعضآده مجلس لهر آراسيندا ادبي مناسبت و مراجعه لهر اولوردو.

بو دوره ده غزل شعري نين باشچيسي سيدعظيم شيرواني ايدى. اونون شهرتي يالنيو شاماخي دا قالماييب بوتون آذربايجانا ياييلميشدى، بيت الصفا يا سيد عظيم دن باشقا ملا آقا بيخود (۱۸۹۲-۱۸۳۰)، ملا محمود ضولي، غفار راغب (۱۸۹۲-۱۸۱۸)، آقابا با ظهوري (۱۸۹۲-۱۸۴۸)، علي اڪبر غافل (۱۸۹۱-۱۸۱۸) و محمد صفا كيمي شاعر لهره داخل ايديلر.

باكي داكي مجمع الشعرا مجلسي بيت الصفا و خصوصيله سيدعظيم شيرواني تاثيريله قورولدى.

مجمع الشعرا يا محمد آقا جرمي، ميرزا عبد الخالق يوسف، آقا داداش ثوريا و منبري، علي عباس مشتاق، ميرزا آقا دلخون، ابراهيم زلالي، وهاب واهب، هزاره، مهدي، محمد مصور، عبد الخالق جنتي، هادي ثابت، حسين بيگ وحدتي و ابوالحسن واقف كيمي شاعر لهره داخل ايديلر.

باكي شاعر لريندن جرمي و عبد الخالق يوسف درين معنالي غزل ليله ديگر لريندن سچيليرديلر، يوسف ايچون معاصر لريندن عبدالشاهين:
اي اولان مملكت نظم ده سلطان يوسف

وي غلام حبشين نثر ده لقمان، يوسف

مطلعيه باشلانان مدحيه سينده اونو شعر عالمي نين سلطاني آدلانديرير.

ميرزا عبد الخالق يوسف دن بير قطعه و بير تك بيت نمونه ايچون درج اڻديريك :
بزم ايچره شمع روي جانانه بير طرفه من بير طرفه ياننام پروانه بير طرفه
بير ياندا حسن ليلي بير ياندا آه مجنون زنجير بير طرفه ديوانه بير طرفه
مسجده خلق ياتميش واعظ نصيحت ائيلر افسرده بير طرفه افسانه بير طرفه

يوسف جهاندا گت اوخو عشقين رساله سين حل اولدوكل مسئله لهر بور ساله ده

محمد جرمي نيه سيدعظيم شيرواني شعرين پيغمبري درجه سينه قالدديرير.

اگر محمد ائده ادعا نبوت شعر اونون نبوتينه اولي منيم قائل،

بودورده قارباغ مجلس لري دهاها بؤيوك نفوذا صاحب ايديلر. بورادا هم شاعر چوخ ايدى، هم ده ياراديجيلىق ايشي دهاها منتظم و متشكل قورولموشدو.

مجلس فراموشان دا شعر دن باشقا نقاشي، موسيقي و علمي ياراديجيلىقلار لاشغول

اولانلار واردى.

مجلسه باشچیلیق ائدن میرمحسن نواب کۆزل رسملر چکدیگی کیمی موسیقی علمینده خبردار ایدی. موسیقیه دائر «وضوح الارقام» ادلی اثریندن باشقا، هیئت، تاریخ، ادبیات حقیقده علمی اثرلری و درس کتابلاری واردیر. مجلس فراموشان خارجی اولکه لرله ده مناسبت ساخالایردی، باکی دان اکینجی، کریمه دن تورجمان، استانبولدان صباح و هندوستاندان حبیل المیتین روزنامه لرینی آلیردی آئینان غزته و مجله لر اوخونور، ادبی، علمی، سیاسی مسئله لر اطرافیندا قیزقین مباحثه لر آپاریلیردی؛

مجلس انسه ناتوان خانم و فناء، مخفی، یوزباشیوف حسن، پیران، آگاه و داها بیر چوق شاعر داخل ایدیله.

بودور شاعرلریندن بعضی لری فضولی یولونو ایزله مکه له برابر نوائی یارادیجیلیغینا داها آرتیق میل گؤستریردیله. عاصی، حسن، عبدالشاهین، یوسف و دلخون نوائی شعرینه پرستش ائدنلردن ایدیله. البته خیام، حافظ، نظامی و خاقانی شعرینه ده غلامند اولانلار واردی. شکی شاعرلری نین ان مقتدری اولان ناکام نظامی تاثیریه یازیردی.

میرزانصراله بهار و سیدعظیم شیروانی حافظ شعرینه داها آرتیق میل گؤستریردیله.

میرزانصراله بهار (۱۸۸۳-۱۸۳۴) شاماخیدا تاجر عائله سینده دوغولموش و داها اول یازدیغیمیز کیمی گنج یاشدا ایرانا کؤچموش و ناصرالدین شاهین سرایندا ملک الشعرا عنوانینی آلمیشدی.

عاصی - عبداله عاصی (۱۸۷۴-۱۸۴۰) مشهور قاسم بیگ ذاکرین نوه سیدیر. گنج یاشدا ایچگیه (مشروبا) آلوده اولان شاعر کئچیردیگی مایوس حیات ایله علاقه دار اولاراق نوزونه (عاصی) تخلصونو قبول اتمیش و نوائی و حافظ تاثیری آلتیندا یازدیغی غزل لر یله بؤیوک شهرت قازانمیشدیر. شاماخی شاعرلری اونو سرآمد دوران، قبله عرفان آدلاندیریردیله. سیدعظیم شیروانی اونون حقیقده بوسؤزلری یازمیشدیر:

نه عاصی ، اول کی ، در عزتینده سیدزار

غلامی اولماق ایله صاحب اعتبار اولاجاق

نه عاصی ، اول کی ، خیالی ، ره محبتدن

کؤنول سراچه سینه شاه تاجدار اولاجاق

صفا ایله گله جک نظم و نثری شیروانه

کوروب او نظم لری ضوئی شرمسار اولاجاق

عاصی نین «گؤزلر» ردیفلی غزلی حقیقتا یوکسک شعر نمونه سیدیر:

اندر سحر ایله دائم بو خطا کانی قاراگؤزلر

کؤنول شهرینه یغما ترک ترکانی قاراگؤزلر

گنه سلطان هندوتك، سپاه خطه حكم اتميش
كى توتسون دور لعينده بدخشانى قاراگوزلر
غزال چينه بنزدديم بو جادونو خطا اتمديم

كه اوندا كج نگاهين شيوهسى هانى قاراگوزلر

فاكام - (۱۹۰۵-۱۸۲۹) اسماعيل بيگ ناکام نوخادا صدرالدين بيگ عائله سيندندير.
تورکجه دن باشقا فارسجا و عربجه ديللرينى مڪمل اؤيرنميش و شرق مدنيتينى ياخشى بيان
بيرشاعردير. **ديوان بديع و خيالات پريشان، گنجينه ادب، ليلي و مجنون،**
فرهاد و شيرين، دؤرد افندى و لطيفه نامه آدلى يددى اثر تاليف اتميشدير.

ديوان بديع و خيالات پريشان غزل، ترجيع بند و تركيب بندلردن عبارتدير. گنجينه
ادب، ليلي و مجنون و فرهاد و شيرين اثرلرى نظامى نين تاثيريله يازيلميشدير.
اوتوز بير منظوم «مقال» دان عبارت اولان گنجينه ادب اثرينى نظامى يه نظيره
اولراق سؤزون (سخن) مدح و تعريفيله باشلاميشدير. لطيفه نامه ساده نثرله يازيلميش
شيرين لطيفه و مضحکه لردن عبارتدير.

حاجى سيدعظيم شيروانى - سيدعظيم شيروانى ۱۸۳۵ده شاماخيدا روحانى

عائله سينده آنادان اولموشدور. آتاسى سيدمحمدشاماخى نين تائينميش آداملاريندان ايدي.
سيدعظيم يدى ياشيندا يکن آتاسى وفات ائدى، سيد آناسيله بيرليکده داغسنا کؤچوب
ياقسانى کندينده آتا باباسى ملاحسين ين يانينا گئتديلر. ملاحسين نوه سيني روحانى ليگه حاضر
لاماق ايچون اونا فارسجا، عربجه و الهيات ثويرتميه چاليشدى. بوندان صورناسيدعظيم
تحصيليني دريتلشديرمک مقصديله نجف، کربلا، شام، مصر و بيت المقدسه گتدى و شاماخيا
دؤندوکدن صورنا اصول جديداييله مکتب آچاراق خصوصى درس وئر مکله مشغول اولدى.
سيدعظيم شيروانى تدریس ايشى ايله ياناشى شاماخيدا **بيت الصفا** ادبى محفلىنى تشکيل
انديب بيخود، راغب، غافل، ضوئى، ظهورى و صفاکیمی شاعرلرى بوراياتوپلاميش و
اونلارا رهبرليک اتميشدير. سيدعظيمين باشقا محفل لرين شاعرلرى خصوصيله ياکى شاعر
لرى ايچريسينده چوق نفوذ و حرمتى واردى. اوتوزترباکی يه گليز و بورادا تشکيل ائديلن
شعر و ادب مجلسلرينده اشتراك ائدردى. سيدعظيم مولوى، سعدى، فضولى و
جامى دن ترجمه لر ائدير بعضاده اونلارا نظيره لر يازيردى. اؤزون سؤيله ديگي غزلرده
حافظ و فضولى يولونو ايزله ميشدير؛ او فضولى دن صورنا آذربايجانين ان گورکملی
غزل شاعرى دير.

شاعرين شوخ و نيك بين دنيا گؤروشونو افاده ائدن غزلريله برابر زمان و حيات دان
شکایت ائدن غزللري ده واردير. بئله غزللرينده هجران غمی نى، فلك ستمى نى، طعنه

رقیبی و درد دل بیماری افاده اندیر:

من بیلمه رم که هانسی غمی ایله ییم بیان

یوخدور شماره سی الم بی شماریمین .

هجران غمی، فلک ستمی، طعنهی رقیب

کسمیش قرارینی بو دل بی قراریمین .

غزلرینده فضولسی کیمی سوگی دن و گوزلردن گلن جور و جفانی و بلائی نوزو

ایچون بؤیوک بیر سعادت بیلمیشدیر.

جسم دن جان آماغا گر اولسا فرمانین سنین

جانا منت دیر اولام ای دوست قربانین سنین .

گر تو کر سن ای خلیلیم قانیمی غم اتمه ره

غم بودور کیم، گر باتا آل قانا دامانین سنین .

فضولی تاثیرله یازدیغی بیر نئچه کدرلی فلسفی غزللری مستثنا سیدین غزلرینده

عمومیتله نیکین، کاماچاتمیش نشئه لی بیر روحون افاده سی گورونور. اونون غزللری نین

چوخو اونون شخصی حیاتی ایله علاقه داردیر. بو غزللرده بعضاً یاخین دوست و

یولداشلارینا نوز صمیمیت و محبتینی، بزم مجلسلرینده راست گلدیگی گوزللی، شرای

و ذوق و صفائی ترنم اتمیشدیر:

دونن گجه منه هم یزم بیر سمبر ایدی

مه جمالی ایله گوزلریم منور ایدی .

باشیمدا نشئه ی می ، خاطریمده ذوق و صفا

بیر الده طره ی دلبر بیر الده ساغر ایدی .

گنجه او حور جمالی ایله روز تک روشن

یریم بهشت برین باده م آب کوثر ایدی .

شاعربعضی غزللرینی کلاسیک شعر اسلوبوندا فرقلی اولاراق، ساده و آچیق دیلده

خلق شعرینه یاقین بیر طرزده یازمیشدیر.

دولانیم باشینا ای نازلجعا یاریم بری باخ

عشوه لی غمزله لی چم خملی نگاریم بری باخ .

عشوه آغاز قیلیب صبری می تاراج اتمه

کتدی دلدن داعی آرام و قراریم بری باخ .

سیدبعضی غزللرینده حافظ کیمی مجاز، تشبیه و استعاره لرایشتمیشدیر و بویوزدن

(سبب دن) بعضی کیمسه لر اونو آتئیت سانماق ایسته میشلردیر:

زاهد چاغیرما کعبه‌یه میخانه‌دن منی
 یوز کعبه‌دن صفالیدی. میخانه‌نین بیری
 مین حج‌دن شرافتی افزون اولور اگر
 شمعه دولانبون یانا پروانین بیری
 یا جنتی وئرله بیسه یا جهنمی
 سید مقامیزدی بو ویرانه‌نین بیری
 بورادا طواف کعبه‌ایله پروانه‌نین شمع اطرافینا دولانماسینی مقایسه‌اند رکن معشوق
 و معبود یولوندا فنا اولماغی مقصد بیلدیگینی افاده اتمک ایسته‌یر.
 سید عظیمین غزللری همیشه خلق طرفیندن سویله سویله اوخونموش واونلارا بیر
 چوق نظیره‌لر یازیلیمیشدیر.
 غزلدن باشقا کلاسیک شعرین قصیده، مخمس، رباعی کیمی بوتون ادبی نوعلرینده
 بدیعی اثرلر یاراتمیشدیر. شیروان گوزلرینه یازدیغی مخمس مجاز، تشبیه و استعاره‌لر
 و شاعرانه تصویرلرله دولودور.
 شهر شیروانین عجب دلبر دلجولاری وار
 گلدن غنچه دهن ساده و مهرولاری وار .
 بو خطا ملکو دور هر یاندا چوخ آهولری وار
 یوز لب شهد و شکر زلف سمن بولاری وار.
 یوز قد سرو و سهی گوزلری جادولاری وار.
 موسیقی حقیقده یازدیغی مخمس‌ده مغنی دمینی دم عیسایه برابر صاییر و خلقی
 موسیقندن حظ آلماقا و استفاده اتمه‌یه چاغیریر:
 توت برابر دم عیسایه مغنی دمینی
 قیلیب احیا اؤزونو سیر ایله روح عالمینی
 زیر غم اولما اشیث نغمه‌ی زیر ویمینی
 چکمه عاقل سن اگر دهر مخالف غمینی
 شوره گل نغمه ایله چک غم دنیا‌یه حصار
 سید عظیمین پارلاق قصیده‌لریندن بیری ده عبدالله عاصی‌یه یازدیغی «اولاجاق» ردیفلی
 قصیده‌سیدیر. بو قصیده‌ده بیت‌الصفا شاعرلریندن قیساویغنجام بیر تعریف وئر میش وقاراباغ
 شاعرلریندن عاصی‌یه صمیمی مناسبتینی بیلدیرمیشدیر.
 سید عظیمین بدیعی اثرلری آراسیندا منظوم مکتوبلاری دا بؤیوک بیر یرتوتور.
 دوستلارینا کؤنرددیگی مکتوبلارین چوغونو شعرله یازیردی. بو مکتوبلاردا قاباقجیل

فكر لری تلقین ائدير ، اونلاری شعر یازماغا تشویق ائدیردی؛ بعضاًده شعر لیرینده کی نقصانلارینی دوز لدهرك اونلاری گوزل و درین معنالی یازماغا چاغیریردی. قاهره، عاصییه و نوره یازدیغی منظوم مکتوبلاری بو قبیله دئیر.

گلستان و بوستان سعدی دن ترجمه ائدیگی و یا سعدی سبکینده یازدیغی منظوم حکایه لری معاصر لیرینده چوق تاثیر بوراخمیشدیر. بو حکایه لرده ریاکار و یالناق عابدر، آخماق تاجر و قاضی لر، اخلاقی دوشگون روحانی نملار و ظالم حاکم لر تصویر اولونموشدور.

سیدعظیم شیروانی اجتماعی و مدنی حادثه لر دن متأثر اولان بیر شاعر ایدی. ۱۸۷۵ ده باکی دا نشره باشلایان اکینجی روزنامه سی اونون معاصر مسئله لره یاخینلاشما سینا و ساتیریا کچمه سینا سرعتلندیرمگه یاردیم اتمیشدیر. شاماخی دولت مکتبینه معلم لیک ائهن شاعر تدریس و تعلیمین ینی اصول لاریله تانیش اولدوقدان صورنا، نوزو خصوصی بیر مکتب آچدی. بو زمان سعدی و کیریلوفدان ترجمه ائدیگی کیمی نوزوده بیر سیرا نصیحت آمیز شعر لر یازیردی و بو شعر لریله خلقی علمه و فرهنگه دوغرو چاغیریردی. وطن گنجلرینی معاصر اوروپا علملرینی ئویرنمه، معیشت ایچون صنعت و زراعت کسب اتمیه چاغیریردی:

دئمه بو کافر او مسلمان دیر هر کیمین علمی وار او انسان دیر!

حسن بیگ زردابی یه گؤندر دیگی «قافقاز مسلمانلارینا خطاب» شعرینده بیله خطاب

ائدیردی:

باب علم اولماییب بیزه مسدود	کسب ائدن یوخدور آنی لیک نه سود
بوندان اقدم اگر چه کسب علوم	مشکل ایدی ولیک، ای مخدوم
ایندی ایشلر چیخبدی آسانه	رسم دنیا دوشوبدی سامانه
تاپیب اوضاع ماسوی تغییر	گویه چیخماغا خلق ائدیپ تدیر
پاراخودا اولدی کشتی یلکان؟	نوزگه سامانه دوشدی خلق جهان
لیک بیز بیلمیریک گؤز آچماقی	کهنه ایشلرده قالمیشیق باقی
بابا میزدان نه گؤرموشوک اول	داخی اوندان سوايه اولماز عمل

ساتیریک شعر لری نین بیر قسمنده اجتماعی قورولوشون تنقید ائدیپ چارامورلاری نین رشوتخور لوغو و نوز باشینا لیغینی افشاء ائدیر:

نه پرستاو^۲ نه کمکچی نه کوارتال^۴ نه قازاق

هامیسی قورد کیمی سویماق لیغا خلقی کی قوچاق

۱- مورتورلی کمی. ۲- یلکنلی کمی. ۳- رئیس. ۴- محله مختاری- کدخدای.

مصلحت چين ائله ييبلر نئچه اشخاصى قاچاق

نئچه كس واركى ناساقدان اولونوبدو دوستاق

كىمى ئولدوردو گۆرهك هانسى سينيپ قان ايلهدى

سیدعظیم تعلیم و تربیه مسئله لرینه حصر اولونموش منظوم حکایه لرینده ساتیریک اصولوندان استفاده اتمیشدیر. شاعر بعضی تمثیل لری نین مضمونونو سعدی دن و باشقا فارس و روس یازیچیلاریندان اقتباس اتمیش و ساتیریک تمثیل لرینده پداقوژی فکرلرینی بیان اتمیشدیر. روس دیلینی اؤیره نندن صونرا روس ادبیاتینا ماراقلانمیش و پوشکین دن بیر نئچه منظومه فارس دیلینه ترجمه اتمیشدیر.

سیدعظیم شیروانی ادبیات تاریخیمیزده آخوندزاده دن صونرا استعدادلی لیریک، گۆرکملی بیر معارفچی ساتیریک شاعری کیمی یوکسکلمیشدیر. اونون قدرتلی و زنگین یارادیجیلیغی م. ع. صابرکیمی داهی بیر شاعرین یتیشمه سینده بؤیوک رول اوینامیشدیر، سیدعظیم شیروانی ۱۸۸۸ ده شاماخی دا وفات اتمیش و شاه خندان (شاخاندان) قیرستانیندا دفن ائدیلمیشدیر.

خورشید بانو ناتوان (۱۸۹۷-۱۸۳۷) بو عصر ادبیاتسی نین اوچ گروپ

اطرافیندا تمرکز ائتدیگینی قید اتمک لازیمدیر. بونلاردان بیرى محلی کلاسیزمی دوام ائتدیره ن قاسم بیگ ذاکر ایله محمدیگ عاشق اطرافیندا فرار توتور. ایکینجی گروپا میرزا فتحعلی آخوندزاده نین غربی فکرلری و نثر جیلیگی له توسعه امکانی تاپان جریان طرفدارلاری داخل ایدی. اوچونجو گروپ مجلس انس شاعرلریندن تشکل ائدیپ غزلجیلیگی ولیریمیزی اینجلمگه (ظریف لشدیرمک) چالیشانلاردیر، بوصون گروبو ن نماینده سی ناتوان خانم دیر. سیدعظیم شیروانی و مسلکداشلاری ایسه بو جریانلار آراسیندا قالماقلا برابر خصوصی بیر عصیانچیلیق ایله کهنه زنجیرلری قیرماق فکرینده ایدی. ناتوانین نفوذی دیگر ایکی جریان طرفدارلاریندان قات-قات فوتلی ایدی.

ناتوان خانم قارا باغین صون خانى مهدیقلى خانین قیزی و ابراهیم خلیل خانین نوه سی دیر. بونا گۆره ده هر یرده **خان قیزی** لقبیله تانیلمیشدیر. آناسی بدرجهان بگمده گنجه خانى جوادخانین نوه سیدیر. ناتوان ۱۲۵۳ = ۱۸۳۷ ده شوشا شهرینده دوغولموشدور. دوغولدوغو زمان قارا باغین صون درجه فلاکتلی زمانی اولموشدور چونکه ابراهیم خلیل خان بوتون عائله و خدمه سیله مایورلیسانوویچ طرفیندن ئولدورو لندن صونرا قارا باغدا آردی-آراسی کسيلمه یین قیرقین، مهاجرت واقع اولموشدور. اوزمانلار حیاتدا پریشانلیق اولدوغو کیمی ادبیاتدا دا بیر سؤنوکلوق ظاهر اولموشدی. بو اوضاع حساس شاعره نین روحوندا درین تاثیر قویوب اونون درد آشنا و حزنی بیر غزل سرا اولماغینا

ياردېم ائىدى. شەخسى ھاياتىندا گۇردو گونا كاملېق و اوغلونون ئولومو بو ھاھالەت روھىيەنى داھا شەتلىنىدىرى.

ئاتوان سرائىا منسوب اولان عالمردن درس آلەمىشىدىر. زىرك و عقللى بىر قادىن اولوپ تور كچە، فارسجا و عربچەنى ئوگرنىش و عمرونون چوغونى مطالعه ايله كچىرەمىشىدىر.

ئاتوان خانم داغستان نەجاسىندان خاساى خانى يە اولنىش و اوندان بىر اوغلو (مەھدىقلى وفا) و بىر دە قىزى (خان بېكە) اولموش، لکن بو اولنمە قافاز عموم واليسى مارشال وورونسوفون اصرار يە و سىياسى سېلىردن اۆتورو اولموشدور. ئاتوان خانم بىر مدت صونرا خاساى خاندان بوشانىش و ۱۸۶۹ دە شوشادا آقا سىدىجىنى ايله اولنىشىدىر. ايكىنچى ارىندن دە بش اوشاغى اولموشدور.

۱۸۷۲ دە مېرزا رحىم فنانىن اشتراكىكە مجلس انس آدلى ادبىي محفلينى قورموش و داھا صونرا مېر محسن نواين تور دوغو مجلس فرامۇشانين تشكىلنە ياردېم اتمىشىدىر. مجلس انسه منادى ياردېم گوستىر و مجلس عضولرىنى شعر يازماغا تشويق ائىدىرى.

ئاتوان خانم يوخسوللار كەك ائىن، خەلقين قاينى سىنا قالان، الى آچىق و خىرخواه بىر قادىن ايدى. قاراباغين آبادلىغىنا چالېشاراق يوللارى و كۆرپولرى تعمير ائىدىرى و ۱۸۷۲ دە آلتى كيلومتريق بىر مسافەدن شوشا قلەسىنە صوكمرى چكىدىرى. بو صوكمرى حال حاضر دا خان قىزى بو اغىلا مشهور دور.

۱۸۸۵ دە ۱۷ ياشىندا اوغلو مېر عباسين سل مرزىدن ئولمەسى شاعره يە آخىر تائىر ائدى. بىر اوغلونون ئولومو و دېگر اوغلونون (مەھدىقلى خان) اوزاقلار دا ياشاماسى، بو آرادا مالكانەلرى نەن دە اليندن چىخماسى ناتوانى ھاياتدان ناراضى و نامىدى ائىدى. بو ھاھالەت ناتوانين شعرلرىنە ايز بوراخدىغى كېمى غزللرىنە دە نەكش اولموشدور. اونون اىچون گۇز ياشلارى، حسرت، دعا، وصال آرزوسو، هجران غمى، امىدسىزلىق و شكائىت ناتوانين شعرلرىنى روھونو تشكىل ائىدىر. بو خصوصىتلر ايله ناتوان آذربايجان ادبىياتى تارىخىنە حسى رومانىك شعرين گۇركملى نەپندەسى كىمى تانىر.

ئاتوان خانم دېگر شەھەرلە كى ادبىي محفللرىلە دە شعر و مشاعرە مناسبتلىرى قورموش و معاصر شاعرلىرى اونون شعرلرىنە نظىرە لسر يازمىشلار. بىر چوق شاعرلر يازدىقلارى شعرلرى تائىد اىچون اونا گۇندە رىردىلر. اوزمانين ان بۇيوك غزل شاعرى سىدە عظىم شىروانى و دېگر گۇركملى شاعرلر (فنا، ناکام، نواب، صادق پىران، وفا، بىغود، خىالى و عاصى و ساىرە) اونون شعرلرىنە نظىرە لسر يازمىشلار. شاعره اوشاقلارىلە دە

شعر ایله یازیشاردی، ایندی نمونه ایچون بیر نچه غزل و غزلرینه یازیلان نظیره لردن درج ائدیریک:

تولوروم ردیفلی غزلی اوغلو مهدیقلیخان وفادن آیری دوشدو کونده یازمیشدیر:

واریمدی سینده درد و غم نهان، تولوروم
فدا اولوم سنه گل ایله امتحان تولوروم

فراقدان گنجده لر یاتمارام صاباحه کیمی
نخیال زلفونه باغلی گئیدی جان تولوروم

باهار حسنون آرا گورنجه خزانم من
باهار لاله سی تک باغیریم اولدوقان تولوروم

ورق ورق دل و جان هجرین ایچره اولاندی
مثال چئنجه ای صد پاره اولدوجان تولوروم

او خاک پاکینی من آشیانه اتمیشدیم
وطندن آیری دوشوب ایندی لامکان تولوروم

فدا او قامتینه کیم قضانه خوش چکمیش
قدر بوکوب بلیمی ایله یوب کمان تولوروم.

فراقدان توکوب آتاب و طاقیم بالله
وصاله یتمه زالیسم زارونا توان تولوروم

غزلری نین چوغوندا فضولی کیمی «دهردون» ون وفاسیزلیغیندان شکایت ائدیر:
زمانه صالیدی عجب محنت و ملاله منی

او ماهروده ن ایراق وئردی غم زواله منی
توکندی تاب و توان ای خدای لم یزلی

یا تز بو جانیمی آل یا یتیر وصاله منی
نه یاخشی گونلر ایدی کیم سینله مونس ایدیم

زمانه ایندی ائدیپ سینه داغلی لاله منی
وصاله یتمه یین زار و ناتوان قالدیم

ائدیپ فلک نیه حسرت او مه جماله منی.
«اولایدی» ردیفلی غزلینده حیاتین معنی سیزلیغینی دوشونهرهک، آلهها، نه ایچون

بو عالمی و منی یارادیپ دا «هجر آتشینه اولاندیدردی» دییه شکایت ائدیر.

۱ - پارچا پارچا اولموش ات کبابی (اوربژینال نسخه ده کتجه یازیلیمیش لکن چئنجه دوغرو دور)

۲ - تمام اولوب

نه بن اولایدیم الهی نه ده بو عالم اولایدی
 نه ده بو عالم آرا دل مقید غم اولایدی
 نه هجر آتشینه اودلاشوب یانیدی دلیم کیم
 نه عشقین ایچره کؤنول بویله شادوخرم اولایدی
 نه سرو قددین اولایدی نه حسرتیله کؤزیم کور
 نه روزگار فراتینده قامتیم خم اولایدی
 نه بحر اولایدی نه عمان نه بیله کؤزیاشی جاری
 نه گل یوزونده الهی بو نوع شبنم اولایدی
 نه گل اولایدی نه گلزار کلشنین داحی سیری
 نه خار محنتی بلبل سنینله محکم اولایدی
 نه جاه اولایدی نه زندان نه کاروان گذری
 نه یوسفی بو بلاده کورن بیر آدم اولایدی
 نه بزم اولایدی نه بازار یوسف احوالی
 نه رهگذرده زلیخا غمیله همدم اولایدی
 نه آه اولایدی نه افسوس نه پاره پاره کؤنول
 نه ناتوانین الهی حواسی در هم اولایدی
 شعرلرینده عروض وزنی نین ان اویناق و آهنگدار بحرلریندن استفاده ائتدیگی کیمی،
 ان پارلاق و سچیلیمیش قافیهلر ایشلمیشدیر. بیر ایکسی شعرى مستثنا ائدیلسه بوتون
 شعرلری ردیف ایله یازیلیمیشدیر. شعرلرینده تکوین (نه من اولایدیم غزلی کیمی) قوشا
 قافیهلر (بیان بو دردیمی یوخدور، بو حالتده بو حالتده قویوبدور انتظاریندا نئچین کلمز
 نئچین کلمز) اوستالیقلا ایشله دیلمیشدیر.
 بیان بو دردیمی یوخدور بو حالتده بو حالتده
 دوتوبدور کؤنلومی محنت بو فرقتده بو فرقتده
 نیچون احوالیمی ییلممز او ماه مهربان یارب
 نهدن هیچ دادیمه یتمز بو مدتده بو مدتده
 گیدوبدو طاقیم دیزدن توکنیش نورهم کؤزدن
 نیچون الفت کسوب بیزدن بو غربتده بو غربتده
 خیالیم یار ایله گتمیش دلیم هجر ایله اودلانمیش
 جسد هم ناتوان قالمیش بو ذلتده بو ذلتده

ناتوانین غزلرینده فضولی ده اولدوغو کیمی فکر وحدتی ویتلری آراسیندا منطقی و فکری رابطه محافظه ائدیلمیشدیر.

قویودور انتظارینده نیچون کلمهز نیچون کلمهز
همیشه آه زارینده نیچون کلمهز نیچون کلمهز

اوزولدوم کاروانیمدان ال اوزدوم خانمانیمدان
فلک اینجیر فغانیمدان نیچون کلمهز نیچون کلمهز

گئدوبدیر قافله سالار اولوبدیر گؤزلریم خونبار
نه بیر یار و نه بیر غمخوار نیچون کلمهز نیچون کلمهز

کؤنوله آه زاریم وار نه صبر و نه قراریم وار
دئمهز بیر دلفکاریم وار نیچون کلمهز نیچون کلمهز

او زلف نرگس مسته کؤنول چوقدانندی پایسته
بنی هجران ائدوب خسته نیچون کلمهز نیچون کلمهز

سرکویون گزر کؤنلوم گل رویون سهور کؤنلوم
وصالین چوخ دیلهر کؤنلوم نیچون کلمهز نیچون کلمهز

آلوبدور جانیمی هجران اولوبدور گؤزلریم گریان
او مهوش نازنین جانان نیچون کلمهز نیچون کلمهز

بنه هجران مشقتدیر فراقین درد محنتدیر
نگاریم خیلی مدتدیر نیچون کلمهز نیچون کلمهز

عزیزیم گؤزباشیم قاندیر ایشیم فریاد و افغاندیر
او یاریم هاردا مهماندیر نیچون کلمهز نیچون کلمهز

یاناجانیم فراغیندان دوتار کؤنلوم سراغیندان
که چیقسن یار اطا قیندان نیچون کلمهز نیچون کلمهز

ایمده اختیاریم یوق گئدیپ صبر و قراریم یوق
یانیمدا کلهذاریم یوق نیچون کلمهز نیچون کلمهز

سبا اول مهلقا دلبر آلوبدیر جانیمی یکسر
کؤنول آنجاق اوننی ایستهز نیچون کلمهز نیچون کلمهز

یتوبدیر عرش اوزه دادیم دوتوب دنیانی فریادیم
بنیم اول سرو آزادیم نیچون کلمهز نیچون کلمهز

قالوبدیر ناتوان نالان گنجه گوندوز اولار گریان
اونون یوق دردینه درمان نیچون کلمهز نیچون کلمهز

ئاتوانىن قوشا قاقىدلى بوغزلىنى اوخوياندا فضولىنى خاطرلاماق ممكن دگىل.
اوغلو ميرعباسين اؤلومو ئاتوان خانىمى بوسبوتون پريشان اتميش، مدتلىر آغلاماقدان
باشقا ايشى اولماميشدير. اوغلونون قراقتدا بيرچوق غملى غزلىريازميشدير اونون
بومصبيته بوتون شاعرلىر اشتراك اتميشلر و غزلىرينه نظيره لريازميشلاردير.

هجرىن ائديدى كۆنلومى بر باد آغلارام

چوقلار دوتار بو حاليمه ايراد آغلارام.

كۆنلوم، ائوى خرابتر اولدى قراقتن

وصلين بو ملكى اتمدى آباد آغلارام

دام فراقده كه چوق الحاح و لابه لري

ائتدسيم نه سود اتمدى آزاد آغلارام

چكديكجه جور هجرىنى كۆنلوم فرح تايار

شادم بو امره بس نيه ناشاد آغلارام

كويينده محرم ائتىدى رقىبى صفا ايله

قهر ايله اتمدى بنى هم ياد آغلارام

هجرىنده خوشدور آغلاماق آه و فغان ايله

سس وئرمسه بو ناله فرىاد آغلارام

چون نائىوان زار ضعيفم قراقتن

بو گونده ياراتمسه امداد آغلارام

ميرزا رحيم فنا و باشقالارى دا هم نظيره هم ده ئاتوانين دردينه شريك اولاراق

شعر يازميشلار:

هجرىن ايدوبدى كۆنلوم اوين غارت آغلارام

بو آغلاماق اولوبدى بته عادت آغلارام

صحبت مجالى اولمادى بيردم سئيله حيف

هر دم ائدوب خيالىن ايله صحبت آغلارام

رويون فراتى ديسر سبب گريه ي فنا

ديدارينا قويوبدى فلك حسرت آغلارام

بورادا ئاتوانين غزلىرينه يازيلان نظيره لردن نمونه ايجون بيرره مطلع درج اتمكله

اكتفا ائديريك:

دوشدوكجه يادىمى اوسهى قامت آغلارام

اي مه قيامته كيمي هر ساعت آغلارام

(سيدعظيم (سيد)

نولوردی بزمده یارب منیمده یاریم اولایدی
آلوب بیاله اله می کساریم اولایدی.
سیدعظیم (سید)

دلبره درد دلیمدن بیله عنوان ائتدیم
که غم هجرده دل ملکینی ویران ائتدیم
ناتوان

شب هجران او قدر ناله و افغان ائتدیم
تا که چشم فلکی حالیمه گریان ائتدیم
سیدعظیم (سید)

صون اولراق ناتوانین فارسجا غزلریندن بیر نجه بیت درج ائدیریک:
گذشت موسم گل رفت نوبهار افسوس
بماند بلبل بیچاره خوار و زار افسوس.
شکفته بود گلی در ریاض عز و شرف
ربود ناگه گلچین روزگار افسوس.
گلی که رشک گل گلستان رضوان بود
بزیر خاک گرفته کنون قرار افسوس.

ناتوان خانم عصری نین ان نفوذلی شاعری اولماقلا یاناشی موسیقی عاشقی و
انده گریلی تقاشی اولموشدیر. ناتوان ۱۸۹۷ده شوشادا وفات اتمیش و اونون اولوموندن
صونرا قاراباغ شعراسی باشسوز و آواره قالدیغی کیمی قاراباغین معارفی ده اونونلا سونوب
کتیمشدیر.

۱۹- اینجی عصرین ایکینجی یاریسیندا مطبوعات: اکینجی گازتی-
۱۸۳۲ده تفلیسده قاتارسکیه و دوموستی آدیله ایلك دفعه تورکجه بیر ورقه نشر
اولونماغا باشلادی. بو روزنامه یالنیز حکومتین وئرگی (مالیات) وسایر حقیقده قانون و
امرلری یرلی خلقه چاتدیرماق مقصدیله چاپ اولوردی و بیر نجه صابیی چیغدیقدان
صونرا داباغلانمیشدی.

۱۸۷۵ده حسن بیگ ملکزاده زردابی نین (۱۹۰۷-۱۸۳۷) تشبویهله (اقدام) اکینجی
آدلی گازتین بیرینجی صابیی سی نشر الوندو و بونونلادا آذربایجان مطبوعاتی نین اساسی
قویولدو (۲۲ سپتامبر ۱۸۷۵) حسن بیگ ۱۸۳۷ده زرداب کندینده آنادان اولموش و اورتا
تحصیلی تفلیسده آلدیقدان صونرا مسکودا دارالفنونون طبیعیات فاکولته سینده اوخوموش
و ۱۸۵۵ ده مآدون (لیسانس) اولموشدور.

حسن بیگ باکی‌دا اکینجی روزنامه‌سینده و داها صونرالار حیات و ارشاد روزنامه‌لرینده معارفچی مقاله‌لر یازمیش و حفظ‌الصحة و سایرهمه عائد علمی کتابلار چیقارمیشدیر.

اکینجی روزنامه‌سی آیدا ایکی دفعه نشر اولونوردو. ۱۸۷۷ نین صون آیلارنیا قدر جمعاً ۵۶ صایی نشر اولموشدیر.

بوروزنامه داخلیه، اکین و زراعت‌خبرلری، مکتوبات، علمی خبرلر و تازا خبرلر باشلیقلاری آلتیندا بش اساس قسمنده آیریلدی. علمی وزراعت‌خبرلری‌گازتین اساس حصه‌سی ایدی و بورادا کند اقتصادی ایشلرینی بنی اصولدا قورمساق ایچون علمی مقاله‌لر یازیلیر و یول‌گوسته‌ریلدی، بو مقاله‌لرین چوخو زردابی طرفیندن یازیلیدی. اکینجی شهر دست‌صنایعی تنقید ائدیر و آذربایجان شهرلرینده کارخانالار قورولماسینا چالیشیدی.

روزنامه‌نین مکتوبات قسمنده مختلف‌یرلردن گن مکتوبلار درج اولونوردی. بو قسمنده نجف‌بیگ وزیرلی، عسگر بیگ آدی‌گوزهل و گنج‌دن محمدصادق گنجوی (احسن القواعد)‌ین در بنددن حیدری‌نین و شاماخیدان سیدعظیم‌شیروانی‌نین مقاله‌لری درج اولونوردو. اکینجی‌نین اساس مفکوره‌سی (ایدئولوژی) ثنودال و سنتی آذربایجانی‌نین انکشاف (تکامل) یولونا چکمک ایدی بونا گوره ده علمی مقاله‌لر ایله یاناشی جهالت، موهومات و فاناتیزمه قارشی چیخاراق کهنه قاعده‌لرین بنی قاعده‌لر له عوض ایدیلمه‌سینی تبلیغ ائدیردی. اکینجی یازیچیلاری خلق کوتله‌لرینی «تقاضای زمانه‌یه موافق» تربیه اتمیه سعی ائدیردیلر. نجف‌بیگ وزیرلی‌ده زردابی کیمی کهنه شعرین علیهنه چیخاراق، شعرلری معاصر حیاتدان یازماغا، خلقی جهالت و غفلت یوخوسونندان آییلمتاغا و معاصر روحدا تربیه اتمیه چاغیریدی.

اکینجی روزنامه‌سی دموکراتیک، آزادلیق فکرلری تبلیغ ائدیردی. شرقین گری لیکنی (دالی قالماسینی) بو ئولکه‌لرده آزادلیغین اولماسیندا و کهنه قاعده‌لرین هله‌ده حکم سورمه‌سینده گؤروردی. اکینجی‌گازتی آذربایجان اجتماعی فکر انکشافیندا بؤیوک رول اوینامیشدیر. شدتلی سانسور، یرسیز هجوملار، مشتری‌لرین ناراضیلیغی، مادی‌ضرر و سایر روزنامه‌نشرینی چتینله‌شدیردی. بوتون بو مشکلاتا باخمی‌اراق حسن‌بیگ زردابی‌گازتین نشرینه دوام اتدی لکن ۱۸۷۷ ده حکومت امریله روزنامه باغلانیب حسن‌بیگ‌ده مرکزدن اوزاقلاشدیریلدی.

نمایشنامه و تئاتر (دراماتورقیا)‌ین انکشافی.

آذربایجاندا غربی شکلده تاترین و نمایشنامه یازماغین بناسی م.ف. آخوندزاده‌نین آنتی‌کمدیاسیله قویولدی. لکن بوی‌یس‌لریرلی آرتیستلرین یتیمه‌دیگی ایچون آذربایجان

دان قاباخ روسیه و اوروپادا اویناندی. مثلا «حکایت مسیو ژوردان و درویش مستعلیشاه جادوکن مشهور» کمدیاسی نین روسجاسی ۱۸۵۱ ده پترزبورگدا اویناندی. ۱۸۵۲ ده حکایت «خرس قولدورباسان» کمدیاسی داتقلیس تآتریندا روس دیلینده اویناندی. بو خصوصدا اوزمانکی تقلیس مطبوعاتیندا بئله یازیلیمیشدی:

« جمعه آخشامی یانووارین ۳۱ نده ادبیات و تآتر عالمینده بوزمانادهك، مثلئ گورولمه میس بیر احوالات اولاجاقدیر. اوگون بیرینجی دفعه اولاراق صحنه ده ترك عادتلرینی، ترك پالتارینی، ترك چادرالارینی و ترك حیاتیینی گوره جه یك. ان مهم بودور كه ایلک دفعه آفیشا (اعلان) لاردا قدرتلی بیر ترك یازیجیسی م. ف. آخوندزاده نین آدی گوروله جگدیر.»^۱

بو دورده حسن بیگ زردابی و نجف بیگ وزیروف ملی تآترین یارادیلما سیله جدی شکلده مشغول اولوب، بالاخره ۱۸۷۳ ده باکی دا اورتا مکتب شاگردلری نین کمکیله م. ف. آخوندوفون «سرگذشت وزیرخان لنگران» کمدیاسینی ایلک دفعه اولاراق ترك دیلینده اویناماغا موفق اولدولار. آذربایجان تآتری نین اصل تاریخی ده بوزماندان باشلار. م. ف. آخوندزاده نین پی یسلری آذربایجان صحنه لرینده اویناندیقجا تاماشاچیلار درین تاثیر ائدیر. ادبیات مراقیلارینی (علاقمند) تآتر اثرلری یازماغا تشویق ائدیردی. نجف بیگ وزیروف (۱۸۵۴-۱۹۲۶)، عسکر آقآدی گوزلوف، رشید بیگ افندیوف، عبدالرحیم حق وردی یوف کیمی کنج (جوان) یازیچیلار آخوندزاده نین یارادیجیلیغیندان الهام آلاراق نمایشنامه یازماغا هوسله نیردیلر.

باکی نین سرعتلی اقتصادی و مدنی انکشافی ده بو هنرین جانلانماسینا یاردیم ائتدی. ۹۰- اینجی ایللرده حسن بیگ زردابی باشدا اولماق اوزره باکی دا «دراما جمعیتی» قورولدی. بو دورده بیر طرفدن روس و اوروپا کلاسیکلری نین اثرلری (شکسپیرین) اوتلوسی، شیللرین قاچاقلاری، گوگولون رویزورو و سایره آذری تورکجه سینه ترجمه ائدیلمیر، بیر طرفدن ده نجف بیگ وزیروف، ع. حق وئردیوف، سلیمان آخوندوف کیمی اونلار جا نمایشنامه یازان یتیمیر و آذری تآتری قوتلنیردی و معیشت درامسالاری، کمدیالار و تاریخی تراژدیالار یارانیردی.

نجف بیگ وزیروفون «مصیبت فخرالدین»، «یاغیشدان چیخدیق یاغمورادوشدوك»، «پهلوان زمانه» و ع. حق وردیوفون « داغیلان تفاق» کیمی پییس لری بو دورده یارادیلمیشدیر.

آذربایجان نمایشنامه یازانلاری آخوندزاده نین ادبی عنعنه لرینی دوام ائتدیر

دیگلی کیمی شکسپیر، مولی‌یر، گوگول و استرووسکی کیمی دنیا و روس دراماتورقیا استادلاریندان دا ئوپره نیردیلر. آذری نمایشنامه یازانلارین یارادیجیلیغیندا **دموگرافیک** و **معارفچی فکرلر** اساس منبعی تشکیل ائدیردی. کهنه جمعیتین منفی طرفلرینی آچینا وورماق، اجتماعی خسته لیکلری تنقید یوليله ساغالتماق نمایشنامه لرین اساس مفکوره وی استقامتی نی تشکیل ائدیردی. نمایشنامه لرده **بیگ** و مالکلرین حیاتی تصویر ائدیلیردی. بو یازچییلار، کهنه جمعیت ده کی نادانلیغین، اوغرو لوغون، قولدور لوغون و سایر عیب لرین اساس سببینی، معارف سیزلیکده گوردوکلری اوچون خلقی معارف یولونا چکمه چالیشیردیلار.

منابع و مراجع:

- ۱- آذری ادبیاتیندا تجدید دوری (۱۹ و ۲۰- اینجی عصر) اسلام آنسیکلوهیدسی پرفسور فواد کؤپرولو، جلد ۲- استانبول.
- ۲- آذربایجان ادبیاتی. احمد جعفر اوغلو. تورک دنیاسی ال کتابی ۱۹۷۷- آنکارا.
- ۳- آذربایجان ادبیاتی. فریدون بیگ کؤچرلی. بیرینجی جلد. علم نشریاتی ۱۹۷۸- باکو.
- ۴- آذربایجان ادبیاتی تاریخی. ایکینجی جلد. ف. قاسم زاده، محمد عارف وحسین خیدروف. علملر آکادمیاسی. آذربایجان قولو نشریاتی. باکی ۱۹۳۶.
- ۵- اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده. فریدون آدمیت. تهران.
- ۶- ناتوان خورشید بانو. رهداقتوری. حنفی زیناللی. آذر شهر. باکو ۱۹۲۸.
- ۷- سخنوان آذربایجان. عزیز دولت آبادی.

نوروز بايرامی و باهار ایچون یازیلان غزلردن :

توپلایان : منظوری خامنه‌ای

فضولی:

بهار ایامی

عیش ایچون بیر طرفه منزلدور بهار ایامی باغ
آنده دوتسین غنچه‌وش هر کیم که عیش ایسته‌ر ایباغ (۱)
غنچه‌لر آچیلدی سیر باغ ائدین ای اهل دل
کیم گؤروب گوللر، کؤنوللر آچیلان چاغدور بو باغ
سندن ای بلبل فزونده ورمنده محنت فصل گل
سن سن و مین تازه گول، حالا من و مین تازه داغ
باغه سرویم گلدیگین بیلمیش سحردهن شاخ گل
روشن اتمیش رهگذاری اوزره هر یئر مین چراغ
چکسه‌لر زنجیر ایله گلخزاره گئتمه‌م کیم منه
سنبل زلفین فرا قیندهن مشوشدور دماغ
موسم گولسدور ولی گئتمه‌م، چمن شیرینه کیم
روضه کویین منه اول شیردهن وئرمیش فراغ
محرم اولماز رندلر بزمنه مئی نوش ائتمه‌ین
ای «فضولی» چک آباغ اول بزمنه یا چک ایباغ

شاه اسماعیل ختائی:

بهار تصویری

گول بیتدی و لاله‌زار گلدی	قیش گئتدی، یئنه بهار گلدی
عشق اودی یئنه بوجانه دوشدی	توشلار هامیسی فغانه دوشدی
جمله دیله گلدی لب خموشان	یئر گشیدی قبا‌ی خضر پوشان
سرواوسته اوخودی فاخته غوغو	سروین یئنه دوتدی دامنین صو
گولماخدان انار آچدی دندان	غنچه دهنی چمنده خندان
در یاده در اولدی ابرنیشان	بلبل اوخودی صفات هجران

دورنا اوچوبان^۱ هوايه دوشدى
 آتماغا آغاچي ديينده سايه
 ياشين يتره تۆكدي ابر نيسان
 مئي بسله دي ژاله هر ورته
 شاخ اوسته قاباقلار آسلي^۲، حالي
 قوش بچه لري اونى يووادان
 بوياندى زمين هزار رنگه
 نيلوفر آچيلدى صويا گيردى
 چنار اليني چو رقصه آچدى
 چايلاردا بولاندى، ييخدى آرخين
 گيلاس آغاچي ديينده ماهيم
 يوز دورلي^۵ قبا گئيپ چمن لر
 شاخ اوسته شكوفه شجر لر

لاچين^۲ آلوبان اودايه^۲ دوشدى
 طمن آندهر ايدى بولوتلا آيه
 بلبل لر اوخودى صد هزاران
 دراجى كباب اوخور طبقه
 غو گردنيدن وئرير مثالي
 مكتب اونى تك گلير هوادان
 اوراق شجر ده تنگه تنگه
 پيراهنيسى باشنا سردى
 گول خيرادا زرین شابا ساچدى
 باغلار آغاچي گوگردى شاخين
 چون ماه ايدى در میان انجم
 آغ دونيسى گئيدى ياسمن لر
 موسا ائليندن وئرير خبر لر

جعفر خندان:

نوروز بايرامى

خوش گلدی بهار ، اولدی کۆنول خرم و خندان
 گول فصلينه حصر ائيله دی ئوز شعريني «خندان»

به به نه گۆزه لدور وطنين آب و هواسى.
 هر يانندان اوچاليمش گۆيه آزادليق هواسى.

بام باشقا لطافت گۆرونور گولده ، چيچه كده
 آزاد نفس آلميش ائله بيل گولده ، چيچه كده

توى پالتارى گئيمش بو ايل ائل لرده ، بهاردا
 شاعر نتيجه سوسون بو ملاحظتى بهاردا.

ياز ، ياز دئيه امر ائتمه ده شاعرلره شن ياز
 شاعر ، وطن اولادى كي شن دور ، اونى شن ياز

۱- اوچاراق. ۲- عقاب. ۳- آلاچيق - اطاق ۴ - آسيلي ۵ - جور

ياز نغمه لرین نولکه ده دیلدن-دیله دوشسون

هر بیر سۆزی نین تأئیری دیلدن-دیله دوشسون

نوروز بیزیم کوز بایرامیمیز دور گولون ائل لر

عطریندن آلون هر چیچه گین ، هر گولون ائل لر

م. بی ربا:

وطن گولدی

کنه نوروز عیان اولدی قرنفیل ، یاسمن گولدی
گونش ده گدی کچه هر لاله قیزاردی، نسترن گولدی

بهارین خوش نسیمیندن بو گون روحلاندى سنبل لر
دؤنوب بیر جنته یوردوم ، آچیلدی جور به جور گل لر
بوتون گلشنلره ای دل نگهبان اولدی بلبل لر
یاشیل چؤل لر صفا لندی، چیچهك گولدی، چمن گولدی

داغا ، صحرايه باخدی قجا اورکدن ذوق آلیب وارلیق
محیطین صاف فضا سینده نه غم وار نه کدر آرتیق
بو شن دوری نصیب ائتدی بیزه دنیا ده آزادلیق
ائلیم ظلم و اسارتدن خلاص اولدی وطن گولدی

کماله چاتدیغیم گوندن نه لر کوردوم طبیعتده
اونون اسراری غرق ائتدی منی دریای حیرتده
باشیم داشدان-داشا دگدی دوشوندوم که حقیقتده
همیشه دامن حقى دوتوب ، حق یول گلدن گولدی

دانش، گول قلبدن سنده عزیز بایرامدر ای ملت
او کسر لر که اولوب دائم شهید راه حریت
جهانداروحی شادا اولدی، مزار ایچره یاتیب راحت
بیزه باخدی ، فرحلندی ، او آلقانلی بکن گولدی

آتالار سۆزى

بولانماسا، دوۋرولماز.
ھازدا بىرلىك، اوردا دىرلىك.
تەك ئالدىن سىس چىخماز!
ھەر ايشىۋى باب ائەلە، كۆرەن دىنسىن ھابىئەلە.
چوخ دولانان، چوخ بىلەر.
قورزون توبەسى، ئولوم دور.
كۆر دوئەوغون بوراخماز.
قرەگونون عمرى آز اولار.
ائەل كۆجۈ، شەل كۆجۈ.
آج آدامىن ايمانى اولماز.
آجا مەيت حلال دور.
ايشلەمىن، دىشلەمز.
حق سۆز آجى اولار.
ھەر زادىن تازاسى، دوستون كەنەسى.
عالم اولماق آساندى، آدام اولماق چىتىن.
اصلان آغزىندان شكار آلىنماز.
توپراقدان سىس چىخماز.
توخى تىرپتە، آجى دىندىر مە.
وارلىغا نە دارلىق.
مردار اسكى اود توتماز.
ياغماسادا گورولتوسو وار.
قرەدن آرتىق نە رنگ وار.
آروادى آرساخلار، بوستانى ور.
سىپچان اولمايش قاوورقا يىير.
ايتى ايبەسىنە تانىتىدەر ما.

قره بخت داغاچیخاندا داغلاری دومان بورور.
 ات ییهن قوش، دیمدیگیندن بللی اولار.
 بیر یئولمهسه، بیر دیریلمز.
 آیدان ایلدن بیر ناماز، اونودا شیطان قویماز.
 ئولی عزرائیلین اوزونه گولر.
 دوستا آلقیش، دوشمنه قارقیش.
 چیخان قان داماردا قالماز.
 دامی ییخدیم کوره مگیندن اوتور.
 یئکنگوز ایشقیسیز اولار.
 آدام ئولر، آدی قالار.
 توت الیمن، توتوم الیندن.
 یانماسا یانماز، یا اتکله یا یئلله.
 ئولدی وار دوندی یوخ.
 قورخو باشابلا دی.
 قلم یازانی قیلینج پوزا بیلمز.
 قورددان قورخان قویون ساخلاماز.
 تویوق یاتار یوخودا داری گۆره.
 جالانان یاغ مچیده نذیردی.
 چولاغ آت سیده نذیردی.
 جواهر جیندا ایچینده اولار.
 دلی دن عقللی سی اولماز.
 قیصاص قیامته قالماز.
 میریغا دئیرلر: چراغی پوله!
 قارین دویوران آشی گوز تانیر.
 ایگید ئولر آدی قالار، مهنشین نیی قالار؟
 آدام آداما گلر، داغ داغا گلمز.
 گزه یین ایاغا داش ده گر.
 محبتدن مرض حاصل اولار.
 زر قدرینی زر گر بیلر.
 سوکوزه سی سویولوندا سینار.

عاشیق ناغیل لاری

عاشیق عباس توفارقان روایتینده

توفارقانلی عاشیق عباس ناغیلی نین اوجونجی پارچاسی

عباس مهیار

آما عباس هامیدان قاباخ ئوزون شاه قصرینه یئتیریب و عرضه داشی نین اوستونده
اوتور موشدی.

شاه آداملاری عباسی کوروب و صوروشورلار: «سن کیم سن و بورایا نه اوجون
کلمی سن؟» عباس دینمیر. صونرا بیرسی دئییر: «اولمایا سن توفارقانلی عاشیق عباس
سان کی، شاها عرضه وئرمگه گلیب سن» عباس دردلی اور کدن آه چکیب و دئییب:
خبر آلسالار عباسی
آلدیلار یارین الیندن
دئنه گتدی توفارقانا
گتدی قارقانا، قارقانا

بیردی گنجه سی گوندوزی
گتدی او صاحب زامانا

عباسین غمی سی قیزی
گوزله دی شهر تربیزی

موشگولده تویماز عباسی
گتدی شاه خوراسانا

عباسین واردی آغاسی
الینده عرضه ناماسی

۱- نفرین اولموش شکلده.

شاھ آداملاری عاباسی تانی بییلار و اونى شاھ قوللوغونا گتیریلر. گول گز عاباسین
کلمه گیتدن خبردار اولوب، ئوزون شاھ بالاخانالارینین بیرى سیننه یتریب، اوزون عاباسا
نیشان وئریب، صورزا شاهینان عاباس دانیشیغینا باخماغا باشلایب.

شاھ صوروشوب: «آی توفارقانلی» عاباس، سئوگون چوخ گؤزلىدى کی، سنى
توفارقانندان بورایا گتیریب؟»

عاباس گؤزون دولاندریب، شاهین باشى اوسته، بالاخانادا، گول گزین گول جمالین
گؤروب و بئله دئییب:

هئچ کتابدان درس آلمادیم اوخودوم مچتاج دگیل هئچ اوستایه قاشلارون
باخمازیدیم گوناھکارلار اوزونه سالدی منی مین بیلایه قاشلارون
شاھ عاباس اوزون آلله وئردی خان وزیره توتوب صوروشدی: «آلله وئردی خان،
بو اوغلان نه دئییر؟»

وزیر دئدی «قوربان دئمک نه لازیم، عاشیق سنون قاشلاریوی تعریف ائیله ییر.»
شاھ عاباس ال بوغلارینا چکیب دئییر: «هه! عاشیق دالی سین یتمیر گؤهرک.»
وزیر، عاشیق عاباسا دیش قیسیب گؤز باسیب: «اٹوین بیخیلسین عاشیق! ئولوم آیه
سی وار، سؤزون بیر تهر دانیش شاه راضی دوشسون.» عاباس دئییب:

من یارین قولویام بوینومدا طوقی یار منی یاندیردی جمالون شوقی
کعبه نین ئورتوگی بهشتین طوقی (طاقی) سالیبدور اوستومه سایه قاشلارون

امن ئولمز یارین شیرین دیلیندن قوجان ئولمز یارین ایشکه بئلیندن
ینگى چیخیب اوستادینین الیندن بنزهر اوچ گئجه لیک آیه قاشلارون

اووچی اولان دورار داغ دامانیندا دردلی اولان دورار دردلی یانیندا
نه دوروبسان سیراقینین دالیندا وئریبدور عرومی ضایه قاشلارون

بیر حالون یاخیشدور، بیر حالون یامان بیر حالون صالوبدور، کؤنلومه گومان
بیر حالون بولوتدی داغلاردا دومان منی چکیب تاماشایه قاشلارون

بیر حالون بزیرگان، بیر حالون خوجا حسنون ذکاتین وئر منیم تک آجا
من عاباسام شاهها انتم ایلتیجا گتدی منی ایلتیجا به قاشلارون

شاه عباس دوشونسورکی، عاشیق عباس اونی تعریف ائیله میر. اوجنادان قیشقیریب دئیر:

«آی جلادا» عاشیق عباس نولومی گوزونون قاباغیندا گوروب آمائوزون سیندیر- ماییب و دئیر: «قوربان عاشیقی الی باغلی ئولدور لرلر آما دیلی باغلی ئولدور ملر. سوز لریمه قولاغ آس ئولدور مک اوزاخ یترده کی دگیل» و دئدی:

گون کیمی نج وئریب قصر دن باخان
جمالون شعله سی آیه دوشوبدی
باهار اولجاخ آچار غنچه سی، گولی
قیزیل گول گور میشم یایه دوشوبدی

ئوز الوندن دولدور وئر ایچیم باده
حییف دی لبلرون وئرمه، سن باده
سور دورانون بئله فانی دونیاده
ایله اودی بو قورخایه دوشوبدی

ماللار ماللاسی عالیملر خاصی
بو دور سنه مؤمنلرین دو عاسی
جوت ممون آئیندان بیر کان آراسی
ائله بوللم قارقوزایه (شمال) دوشوبدی

عباس دی بیر دوردوم دوردوم قوولومدا
جلادلار دور ائیدر ساق صولومدا

چوخ جفالار چکدیم یارین یولوندا

دی یه سن امه گیم ضایه دوشوبدی

آلاه وئردی خان اوزون شاه عباسا توتوب و دئیب: «قیبله عالم! عاشیق ئولدور- مه گین دوشه ردوشمه زی اولی. یاخچی سی بودور کی عاشیق عباسی درین درین دوسداغا سال تا اورادا چوروسون گئدسین، سنون ده الون ناحاق قانا باتماسین.»

شاه وزیرین سوزوندن خوش گلیپ. بیر بوغون اوینادیب، جلادلار عاچاسی چکه چکه سیاهچال لار را آپاریلار.

سیاهچال بیر درین قرانلوق یترایدی کی، هر کس اوچ گون اورادا قالسیدی چورویوب آرادان گئده ردی. عاشیق عباس قیرخ گئجه گونوز اوردا قالیب، اوف دئمه ییب، گول گز عشقیندن گون به گون جالی ساز اولوب. آما بیر گون گول گز شاه درخانسامی نین کنیز لری ایله. سیاهچال قویسونون باشینا گلیپ. عباسدان سس صوراخ بیلمه ییب. بیر چیلک داشی سیاهچال آتیب تایلین کی، عباس ئولوب یادیریدی. قدیم زاماندا دئیبیلر: «دوس داشی یامان اولی، باش یارماسادا اورک یارار.»

دش عباسین باشین یاریب. ایستی قیرمیزی تزه قان قار انلوق قویودا عباسین آئینا آخیب.

عاباسين اوره گى يار اليندن درده گليب و بئله دئييب:

كئنه گلدى باهار فصلى
قوى ياريم اغوار ائيله سين
نه گؤر گؤرسون بئله يارى
نه كؤنول غوبار ائيله سين

حاشا سئو ديجگيم حاشا
يازىلانلار گلدى باشا
بئر يانندان ئوزون باس داشا
بئر يانندان ائل جار ائيله سين
گول گز عاباسين سسين ائشيديب. اوره گى ايشيقلانيب، آمايلىب كى، آتديغى داش
عاباسين باشين ياريم. ال اياغا دوشوب و دئييب: «آى عم اوغلو، قوى گئديم سئون
اوچون طبيب گتيريم.» عاباس گول گز سؤزونون جوايىندا بئله دئييب.

قوى عاباس زينداندا قالسين
آغاسيندان درسين آلسين
نه گول گز باشيني يارسين
نه طبيب تيمار ائيله سين

شاه آداملارى گول گزى عاباسدان آزالى ييبيلار و آپاريبيلار.

بئر گون عثمانلى دولتيندن شاه درخاناسينا بئر گؤز كملى ائلچى گليز. مجلس قورولور.
بو بساط دؤشنير. دئملى اوتورانلارين گئجه سى چوخ خوش گئچير. عثمانلى ائلچى
سينين كئفى گول ائيله ييرو اوزشاه عاباسا توتوب و دئيير: «اولار كى، بئر ائل عاشيغى بورا
يا گتيره سن، بئر آز عاشيق ناغيل لاريندان سازينين ديلي چه بيزه سؤيله يه؟»
شاه عاباس فيكره گئدير. ائله بئر آدام، گئجه نين اوزامانى ياديندا دوشمور. اوزون
آلاه وئردى خان وزيره توتور. وزير دئيير: «قوربان امر ائيله توفارقسانلى عاباس
مجلسه گلسين.»

شاه عاباس دئيير: «ياخچى دئدون وزير. تنز عاباسى بورا يا گتير.»

وزيرين ايشارمسينه گؤره، شاه آداملارى عاباسين صوراغينا گئدييلار. گؤروبلىر عاباس
ساغ سلامت، ديري باش، عشقى ساز گول گز اوچون شعراوخوبور.

من گليزديم توفارقانين ائليندن
يولوم دوشدى اوباسينا پريمين
سالام وئرديم، عليك آلدى سالاميم
قوناق اولدوم باباسينا پريمين

پريم تكليف ائتدى چاشتا دوشماغا
سوايسته ديم شراب وئردى ايچماغا
كؤنلوم قوشى پرواز لانيب اوشماغا
اوچدى، قوندى جيغاسينا پريمين

دال گردنه تۇكولوبدور هؤرمه لر
ميناكمر اينجه بئلى بورمه لر

اطلس قوڧتا (پالتار) اوسته قىزىل دويمه لر

دوزولوبدو يساخاسينا پريمين

عاباسى يديم گلديم بيردا قالماغا
ساراليبان هئىوا كيمي صولماغا
جفا چكيپ بئله گوزهل آلماغا
عجب دوشدوم سؤداسينا پريمين
عاباسى سياهچالدا ن چيخارديبلار. گئجه گوزى خاماما آهاريبيلار. نيمز پالتار گئيديريبيلر
و شاه مجلسينه گتيريبيلر.

شاه عاباسين گوزى عاشيق عاباسين پولادبدنينه دوشوب. عاباسى آللى، قيرميزىلى
و دورى صفت گؤروب و دئيبير: «آى توفارقانلى عاباس، اوچ گون او سياهچالدا قالان
اربيهر، چورويه ر سن نئجه قيرخ گون اورادا قالدون هئچ رنگونده پوزولمادى؟»
عاباس شاه عاباسا طعنه ويرا ويرا بئله دئدى:

نازلى يارين اوزون گؤره ن چورومه ز
نه باكى وار قالاغملر ايچينده
آغام شاهين ئوزون گؤره ن اريمه ز
يوز ايل قالا شه و غملر ايچينده

گوزهل اولان هئچ واخ اوزون بورومه ز
وقالى يار، يارين قويوب يتر يمه ز
نازلى يارى، يار انله ين چؤروه ز
يوز ايل قالا شه و نملر ايچينده

گل گل سنه دئيبير اى شاه خوبان
گئجه گوندوز ائيله رم آه و فغان
يار عشقيلن بئله قالميشام جوان
سيزلا شمارام زئر زميله ر ايچينده

شاه عاباس دئيبير: «آى عاباس توفارقانلى، گئنه ده كى، يار يار دئدودن هشقوندن
دانيشدون.»

مجلسده اگله شنلرين بيريسى دئدى: «قوربان عاشيقلار ئوز آغالارينا يارديبرلر شاه
عاباسين بوسوز قولاغينا گئتمير. گئنه ده جلا د چاغيرماق فيكرينه دوشور. عاشيق عاباس
بونى شاهين قاش قاباغينين تۇكولمه سينده سئچير. ئوز ئوزونه دئيبير: «نه عيبى وارسوزومون
قالانين شاه دئيبير واونى دانلى ايمانلى بير آدم سايمم بلكه ده مسلمانچيلىخ بوينونادوشسه
و گول گزى منه قئيتهره.» اونا گؤره دئدى:

عاباس دى يهر سنده صاحب دين سن
سليمان مولكونه صاحب حكيم سن
هانسى مزليش اولسا صندل نشين سن
ملاكه سن معظم لير ايچينده

پیچ پیچ دوشدی. باشلار قولاخلاردیینه اگیلدی. شاه مجلیسینده اوتورانلار، ائلچیلر دوشوندولرکی، عاباسین آداخلیسین شاه عاباسین امریله شاه درخاناسینا گتیریلر. عثمانلی ائلچسی دئدی: «آی شاه عاباس، مسلمان شاهی گر کمز. ائله بیر ایش گوره کی، آپری شاهلاریندا ایرزین آپیرین آپارا.»

شاه عاباسین بوینونا چکیرکی، عاباسین آداخلی سین زورونان اورایا گتیریب اماونا ال وئرمه ییب. شاه عاباسین اوزون عاباسا توتور و دئییر: «آی عاباس نئجه اولدی سن بوسودایه دوشدون؟» عاشیق عاباس دئییر :

دامادر پیغمبر زینب منبر
محشرده شیعی یه امداد ائذندی
کرمین کانی دور صاحب قنبر
امامت وجهینده ارشاد ائذندی

ذی طه قیاسی ذی یسن کمر
انا و منایه هوالتاج سر
اوگونکی جبر اییل قالمیشدی بی پر
اوناتعلیم وئریب ایفادا ئذندی

ماه هدایتدی نور منور
بارماخلا، شق ائتدی سمداه قمر
آدم صفتینده خاتمه سرور
قرآن مجیدی ایراد ائذندی

حق تالا یارادیب بیرئله سرور
امیرالمؤمنین امام اکبر
قبر ائوینده گلیر نکیر و منکر
اوندادا عاباسی بیر یاد ائذندی
شاه عاباس دئدی: «آی عاباس توفارقانلی، اگر سن حق عاشیقسیان بر گشاقویوسونون
آغزیندا اولان داش بورادادی، اونون اوچون بیر شعر قوش واوخو وایسته کی، اوداش
یئریندن اویناسین.»

عاشیق عاباس یا حق دئییب، دردلی اورکدن بیر آه چکیب و شعر اوخوماغا
باشلاییب:

ختم رسل ارنلرین سروری
جمعی گؤز لر گؤرسون یاری سنون تک
آدمدن ایره لی خاتمدن بری
کیمین واردی اومیدواری سنون تک

قلبیم قلبونیه اولدی آشنا
محبتون بو قلبیمه داشینا

كىم وىراردى ذوالفقارى سنون تك

ازل ازل عمرو، انتر باشينا

اون دۇرد اوخى بىر چىلايه مېندىرن

نظر ساليب قره داشى دىندىرن

كىمىن واردى غمگسارى سنون تك

شكسته عاباسىن كۇنلون گولدورن

بئله روايت ائله يىيلركى داش ئوز ئوزونه بىرتكان وئردى، پىرىندن اوينادى، هوايه قالغدى، ايكى تىكه اولدى، بىرتىكەسى ائله كىتدى كى گۇزه گۇرسمەدى، ايكىنجى تىكەسى اىصنهانين جولفا محلەسىنه دوشدى ويتميش اسلامدان برى اولانلارين ائوين باشلاردا يايغدى.

شاه عاباس كىننه بهانه داليجا دولانيردى. اونا گۇره دئدى: «ها! عاباس ايندى اكر بىرايشده گۇرسۇن گۇل كز سنوندى و هئچ كسىن سنه سۇزى يوخدور. اودا بودوركى، بىر شعرى دى يەسن كه هاوالار دول، ياغيشلار ياغا.»

يورولماز عاشيق عاباس كىننه ده ذولى اور كدن شعراوخوماغا باشلايىب:

بىر بىرىنه اوخ آتيلار قىژهاقیز

ايكى سلطان چىخىب نرگس تىختينه

آب نىسان اوندان ياغىر قىژهاقیز

سك آغزىن آچىب دريا اوستونه

مىشوقلار سوسويوب عاشيق قانىنا

ئۇكر اولان قوللوق ائىلەر خانينا

شەپىرى نىن سسى گلير قىژهاقیز

جبرائيل وحى كىتدى رسول يانىنا

البته يىتەرەم من سورادىما

بو يوران نامەسى گلدى يادىما

گۇزوم ياشى ستله دۇنور قىژهاقیز

عاباس دى ير آغام دوشدى يادىما

دئيرلر ياغيش ياغماغا باشلايىر. ائله بىر يساغيش كى، ايسفهانى ستل گۇتوروز. ائلچىلرین بىرى دئىير: «بو حق عاشىغى دور. داها اونى چوخ اينجىتمە، گول كزى وئراينە و حرم تىلن يولاسال.»

شاه عاباس دئىير: «عاشيق عاباس يان دئىير. عاشيق يوزدانىشسا بىردە دوز اولماز.» صونرا شاه عاباس دستور وئرىر قىرخ نفر عجم اوباش يىقىب شاه مجلسينه كتيرسينلر. قاباغدان اونلارا دئىيرلركى، شاه مجلسينه نه اوچون اونلارى آهارىرلار. عجم اوباشلار وقتى شاه مجلسينه وارد اولورلار وشهادت وئرىركى، توفارقانلى عاباس يالان دئىير.

عاشيق عاباسىن غرىبلىك دردى اورە كى نىن باشىن دلير و دئىير:

غریبینده یثری یوردی دار اولی
تولک طرلان غریبلیکده ساراولی

ای آغالار هنج کسی غریب اولماسین
یاپالاخلار نوز یثرینده لاجیندی

صونرا عاشیق عاباس سؤزونون دالیسین بئله توتوب و دئییر:

گل گل قره باغیریم کؤزه توتال لار
وارلی نین سؤزونو دوزه توتال لار

ای آغالار بو دونیانین کونجینده
یوخسول اگر ایلمان دیلی اوخوسا

بارماخلاریم کلیم گبه توخویما
آداملی نین سؤزون سؤزه توتال لار

عالم اولان حق کلامین اوخویما
غریب آدام قوران دیلی اوخویما

خنجر آلیم باغیریم باشین طی لی نیم
آخیردا بیر آرشین بئزه توتال لار

ای آغالار بودونیا دا نئیلی نیم
بودونیا دا یوزمین قازانچ ایلی نیم

عاباسین اوره گین یالان سؤز، یالان شهادت وئرمک چوخ برک یانیدیرب، سؤزون

بیر آیری جور باشلا ییب و بئله دئییب:

سؤزون یثره دوشدر هنج مقدار اولماز
انسان نوز ایشینده جافا کار اولماز

ئوزوندن کیچی گی ایشه بو یورما
هر نه کی، ایش گؤرسون ئوز اولونله گؤر

دوشن یثرده صوروش عرض حالینی
قونشو یوخ ایسته یه ن ئوزو وار اولماز

ئوزوندن بؤیوگون ساخلا یولونی
امانت امانت قونشو مالینی

گوندوزلریم، آی قرانلوق گنجهدور
اصلی یوخدور بوداغیندا بار اولماز

صوروشون قول عاباس حالون نئجه دور
سرو آغاجی هر آغاجدان او جادور

بوسؤزلر و شعرلر ایصفهان او باشلارینین ائله حالین دؤنده ریب کی، هامیسی ایغا دوروب، شاه باغیشلایان پالتالاری اگیلریندن چیخاریدیب، شاه وئرن پول لاری مجلسین آراسینا سییب و دئییلر: «آی اگله شنلر، بیزه شاه آداملاری سؤزی بیر آیری جور حالی ائله میشدیلر. بیز عاشیق عاباسین باشینا گلن قضو و قدردن خیریمیز یوخودو. اونا گؤره دئدیگ لریمیزدن چوخ عذر ایستی یندن صونرا، دئییریک که شهادت وئرمه گیمیز یالانیدی.» صونرا هامیسی مجلسدن دوروب و یولادوشورلر .

شاہ عاباس کی، حاضر ہرگیلدی گول گز پرینی الیندن وئره، دئدی: «آی عاباس
توفارقانلی، بوراجاق نهدئدون هامیسی دوز، آما ایندی سندن ایستہ بیرم کی، بؤیوک عالیم
میرحسینی ۲ آدلی ماللایلہده، دین باہتینده آغیز گپی ائیله یسن. »

عاباسین بوینی قیلدان نازیک ایدی گئنهده شاہ دیین سؤزه دوردی.

شاہ امریلہ میرحسینی مجلسده حاضر اولدی. اوزون عاباسا توتدی و دئدی: «آی
عاباس توفارقانلی گؤزوی آج آدام تانی، من ہندہ منده آداملاردان دگیلم. اگر منیم
سؤزلریمہ دوز جواب وئرمہ سؤن باشون بدنوندن قاباخ مجلسدن ائشی گہ چیخا جاخ.»

عباس دئدی: «میرحسینی ائشیدمی سن آدام ئولدرورلر، آما جنگ میدانیندا مجلسده
سؤزدانیشارلار. گؤزون یوم سؤزون دە. اوشاق قورخودما غاکی، گلہ می سن. »

میرحسینی عاباسین طہنہ لی سؤزونون قاباغیندا دئدی:

بیغیلیب. بیر یرہ عاریف اولانلار رسول نہ گونونده تاج سر اولدی
نہ یئدی، نہ ایشدی، نہ دن اوپوشدی نہ اوستونده دوردی دین ایلقار اولدی

عاباس دئدی قولاغ آس میرحسینی:

گل گل سنہ دئییم ای میرحسینی یک شنبہده رسول تاج سر اولدی
نوریندی، نور ایچدی، نوردان اوپوشدی اسلام اوستہ دوردی دین ایلقار اولدی

میرحسینی دئدی:

او کیم دور گتیردی اولگو جو، داشی کیمسہ نین سؤزیلہ قیرخیلدی باشی
نئچہ تار یخیدہ یوخلاندى یاشی نئچہ ایل دونیادا عمری وار اولدی

عاباس دئدی میرحسینی اونون جوابی دا راحتدی:

جیر اییل گتیردی اولگو جو، داشی سلمانین ایلسن قیرخیلدی باشی
قیرخ ایل لیکده اونون یوخلاندى یاشی آتمیش ایل دونیادا عمری وار اولدی

میرحسینی دئدی:

میرحسینی دی یہ گونلر نئچہ دی نئچہ لعل دی، نئچہ گوهر نئچہ دی
رسولون باشیندا موسر نئچہ دی ہارایا یوخلاندى مختصر اولدی

عاباس دئدی:

عاباس دی یہر دونیا داگون ایکی دور ایکی لعل دور، ایکی گوہر ایکی دور
باشیندا توک: مین اوچ یوز آتمیش ایکی دور قدرت لیلادہ مختصر اولدی

عاباس شعرین کی، باشا ویردی دئدی: «میرحسینی من دمیرچی زیندانی دگیلم کی،
بتلہ گوپزه یہ سن ہرنہ صور وشدون دئدیم، دایان بیریندہ من صوروشوم.» وصوروشدی:

خاتم الانبیا عین ذاتیندان بی تیرن گول لرین روناتی ندور

ھاراداسالیندی مسجداقصی ایچی داشدی اونون قیراغی ندور
میرحسینی دئدی: «سن ھرنسه ایستی بی سن صورتوش، منده اونلارین ھامیسی نین
کتابی وار، گئدیپ گئیریپ بیریرده جواب وئره جیم.»

عاباس شعرینین دالیسین توتدی:

گۆیون قندیل لری آسیلیپ داردان نئجه سی ھیوادان ، نئجه سی ناردان
یترین گۆیون واردی قاپیسی ھاژدان کیم آچار، کیم ئورتر، اویناقی ندور

قندیل لر آسیلیپ عرشین اوزوندن نئجه کیمسهنه، اونون سۆزوندن
نئجه زادوار حقیقتین ئوزوندن رسول خدانین بوداقی ندور

عاباس دی یدر من قوربانام قامته نئجه زادلار سن گئوردون صفتنه
او کیمیدی آپاردیلار ظلولتمه اونلارنه یانددیدی چیراغی ندور
میرحسینی ایاغادوردی. عاباس توفارقانلی صورتوشدی: ھا را گئدیسن؟» میرحسینی
دئدی: «گئدیرم ھمان کتابی سنون اوچون گئیرم و سۆزلرون ھامینسینون جوانین
وئرم.» میرحسینی بونو دئییب مجلسدن چیخیپ، ائله گئدیپ کی، قارقالادا خیرین گئیره
ییلمی ییب.

مجلسین ھریانیندان **یاشا عاباس توفارقانلی یاشا** سسی او جالیب.

عاباسین شعر دریاسی جوشه گلیب و آیری بیر شعر اوخویوب:

آللاھدان امر اولدی گلدیم دونیایه گۆزوم آچدیم ماییل اولدوم اوبورجا
کامیلیدیم حق کلامین اوخودوم ایف قددیم دال یازیلیب اوبورجا

ھئچ بیللمدیم جبر اییلدی خواجهادی کوندوزوم گوندوزدی گئجم گئجه دی
اوبیر بوشدی ھامی بوشدان اوجادی عرش اوزوندن بیر یول سالیب اوبورجا

عاباس دی یدر آختاردینیم تاپمیشام فیخلار مجلسیندن بیر پای قاپمیشام
سینیخ کۆنول ییخمانیشام یاپمیشام ھر کۆنولدن بیر یول گئدر اوبورجا
صونرا عاشیق عاباس سۆزون دگی شیب بئله دئییب:

نئجه پادشاهدی کوثر آغاسی الینده توتوبدی لیر جام اول عزیز
اسکندر آختاردی تاپدی ایچمهدی خصیر ایچدی اولدی جوان، اول عزیز

نه عجب خلق انديب كرمين كاني
اونلار بويوروبلار: «ايمان» اول عزيز

اونه دي دولانان اولدي دونتاني
بش پيغمبر سؤدي دين اسلامي

هارادا گيييندي شاهليق لباسي
ئيتيش سين داديمه گومان، اول عزيز
عاباس شعر اوخوماقدان يورولموردى، شعريلن ئزندان اولان اوژه كين، وشاديردى.

دولدون صاحابى قنبر آغاسى
موشكولده قويمايب هئچ واخ عاباسى
گننه بير آيرى شعر اوخوماغا باشلايب:

چكيليدي نوري آيه ششاشش
ايدا اوندان قيلار سايه ششاشش

اول ابتدائين نوردان يارانميش
آب و آتش، خاك و باددان يارانميش

پيمبر يثرينده وصى من ولسي
شاهليق گلدي سن مولايه ششاشش

ازل گوندن سنه دنميشم على
چكدون ذوالفقارى بؤلدون انترى

اوليالر، انبيالر مرسللى
احسنت گليب بو ئنايه ششاشش
(داليسى وار)

عاباسين شستينده چم خدور هنرى
يدالله اليلن ييخدون خيبرى

اتك يازيسى

(۱) ايكنينچى روايت بو جور دور:

بیرخالون بزیرگان، بیرخالون خوجا
۲- میرحسینی: حاج محمد حسین، محمد اصولی نین اوغلی، گرك اولاکى، حسینی
شیرازی آدینا معروف دور.

حسینی یا میرحسینی ۱۱۸۴ اونجی ایله دوغولوب و ۱۲۴۹ نجی ایله وفات الله
یبیدور. اونون اصلی قزوینلی دی، اما دوغولماغی کربلادا اتفاق دوشوب. اشترنامه کتابی
اونون یازدیغی دور. بونولازیمدی بیلمک کی، میرحسینی نین یاشادیغی زامان، شاه عاباس
زامانی ایله دوز گلمیر.

اردبیل دەنوروز بایرامی نین استقبالی (۱)

اردبیل دە بایرام قاقاق یا بایرام استقبالی اسفند آیی نین اولیندن باشلانیرا بایرام قاباغیندان منظور بایرام حاضرلیق آهارماق، اونا گره کن شی لری آلماق، ائوتوزو تۆکمک، پالتار تیکمک و بونون کیمی ایشلردیر.

بو بحثدن قاقاق قیش بۆلگوسیندن دانیشماق گر کدیر: قیش ایکی چلله یه بۆلونور اولی بۆیوک چلله دیرکی دی آیی نین اولیندن باشلانیر وقیرخ گون دیر، بهمن آیی نین اونوندا قورتاریر؛ صونرا کیچیک چلله ایگیرمی گون دیرکی بهمنین اون بیریندن باشلانیر و آخیرینده قورتاریر؛ اسفندین بیرینجی دۆرد گونی چلله بیچیه کورداوغلی احمد و قاری کولگی دئییرلر. بو آدلار فولکلوریک بیر افسانه دن آلینمیشدیر. او افسانه بودیر:

کیچیک چلله چیخانندان صونرا صویوق سیئیر و هوا خوشالیر، افسانه دی بیر گنج اولان کورداوغلی شکار فکریله شهردن چیخیر، اما بویانندان بیر قاری آروادکی یالینز بیردوهسی وار ایدی حضرت سلیمانین یانینا گئدیپ شکایت ائدیرکی چلله لرده هامونون دوهسی قیزدی^۲ اما منیم دوهم ایندییه قدر قیزما ییبدیر. حضرت سلیمان قارینی راضی سالماق ایچون اتهدان استغاثه ائدیر بیر نئچه گون کولک اولسون بلکه قارینین دوهسی ده قیزسین. حضرت سلیمانین بو ایستگی قبول اولوب نئچه گون کولک اولور و قارینین دوهسی قیزیر، اما او طرفدن کورداوغلی احمد غافل گیر اولوب کولک دن هئچ یثری گۆزه بیلمیر ناچار کورکین اوستونه چکیب، تفتنگین عمودی حالدا الینده ساخلا ییب یاتیر، اوستونو آغیر قاردوتور. بو کولک دۆرد گون طول چکیر، دۆرد گوندن صونرا هوا آچیلیر، کورداوغلی نین خانوادهسی نیکاران قالیب اونو آختارماغا باشلا ییرلار بیر یثرده قاردان بیر تفتنگک اوجو چیخدیغینی گۆروب باخدیقد ا کورداوغلی احمدین تفتنگینی تانیرلار و قاری یانا وئریب

۱ - بو باره ده داها آرتیق بیلگی ایچون آقایی دکتر. س. جاویدین یازدیغی

(نمونه های فولکلور آذربایجان) کتابینا مراجعه ائدین.

كورد اوغلى احمدى قاردان چىخار دىب اوزلرله برابر ائوه كئيريرلر. بوندان صونرا بو دوردگونون آدى كورد اوغلى احمد وقارى لگى قالير.

اوج چرشنبه (چهارشنبه)

بوندان صونرا چرشنبه لر حسابى دير: ايلين اوج آخر چرشنبه سينين مخصوص آدى واردير: ايلين ان آخرينجى چرشنبه سينين آدى (گل چرشنبه) دير اوندان قابا كى چرشنبه (كول چرشنبه) و كول چرشنبه دن قابا كى چرشنبه (قودوق قيرخدى) آدلانير قودوق قيرخدى چرشنبه ده هوالار خوشالديغينا كؤره قيشدا دوغولميش قودوق و قولان لارين توكونو قيرخيلار. كول چرشنبه ده ائوتوز و تۇكوب و كندلرده تنديرلرين كولونو چىخار دىب ائوشيكه توكورلر. اما كول چرشنبه نين تشرىفاتى چوخدير، دنديكيميز كيمي كول چرشنبه ايلين ان آخر چرشنبه سيدير، بوگونون آدى فارسيدا دئييلديكى (چهارشنبه سورى) ايله بير معنا وئيرير، چون (سورى) ده فارسيدا كول معنا سينه دير.

دولكه-توتك

بايرام قاباغى گونلرده اردبيل شهرى رنگ و ارنك دولكه-توتك لر دولور، بو دولكه-توتك لر اردبيلين ياريم آغاج ليغيندا اولان داشكسن آدى كندده قايريلير، بو كند اهلى نين ايشى كوزه گر ليك دير. اما بايراما قابا كى كچيك بارداق قايريلار و اونا دولكه دئرلر و آت، مارال، كئچى مجسمه لرى دوزلدوب اونا مخصوص ديل قوپورلار كى پيلك ايله چالينير و بونلارا توتك دئييرلر و بو دولكه-توتك لرى گؤزل آل-ياشيل بوياقلارلا بوياييلار كى شهره شن و نشاط انگيز منظره وئيرير. اهالى بونوشو گونلى بيلير اونا كؤره بوتون شهر و كند اهلى بو دولكه-توتك لردن آليب ائولرينه آهاريلار البته بوشيلرا و شاق اويونچاغى دير، بونلاردان علاوه هره بير تازا كوزه آليب ائوه آهارير كى بودا آخر چرشنبه نين حتمى تشرىفاتيندن دير.

گؤگ (گوى) پايلماق

بايرام قاباغى نين تشرىفاتيندن بير يده گؤگ پايلماق دير، حمام ايشچى لرى مخصوص بير طرز ايله بؤيوك تخته لرين اوستونده بوغدا گؤگ ديرلر و بايراما بير هفته قالاندا او گؤگ لرى معين اندازه دن ده دوغراييب بوتون او حمامين مشترى لرينين ائوينه آهاريب پايلاييلار، بونون مقابلينده ائوين كيشى لرى حماما گئندنه ايشچى لرينه بايراملىق وئيريرلر.

اولدوزو فشنگ

چرشنبه نين تشرىفاتى بوردا قورتارمير، بوگونلرده شهره مس-كوى سالان فشنگ (موشك) بمب، هفتقه و مهتابى دير. فشنگ باروتدان دوزه لير، تهراندا اونا موشك

دئىيرلر قىتلىھ سىنە اودو يريب ياندىريرلار، اودباروت مخزنينە چاتاندا فشنىك قورتۇ كىدىكى حالدا گۇگە گىندىروا ونون گۇگە چوخ گىتدىگىنە گۇرە اونا اولدوزو فشنىك دئىيرلر. بمب زرنىخ و كرنات دان دوزە لىر و آراسىنا رىزە داش دولىدو رىرلار و كاغىزە بو كوپ محكم باغلايرلار، اونو يترە ووراندا پارتلايش عملە گىلىپ مەھىپ سس چىخاردىر. ھفت رە قەلولە اولمىش كاغىز دىركى، آراسىنا باروت تۇ كوپ قىتلىھ قوپورلار و ىدى قاتلايب باغلايرلار اونادا اود ووراندا ىدى دفعە بىر-بىرىننن دالىسىجا پىزرتلايبىر. مەتەبى بىر نازك مفتول دىركى مەخصوص موادىلە چولغالايرلار اونا كىرەت ووراندا اولدوزش كىلىندە قورتۇ كوپ گۇزل منظرە تشكىل وئىر.

خلىقن دامدا اود ياندىرماق بارە سىندە عقىدەسى

بو دامدا اود ياندىرماغىن دا خلق آراسىندا بىر فلسفەسى وار: خلىقن اعتقادىنە گۇرە كر بلا فاجە سىندن صونرا شىعەلر امىر مختار ثقفى نىن رەھبەرلىگى آراسىندا كوفەدە گىزلى بىر تشكىلات قوروب و يزىد دستگامى عليھىنە قىام نقشەسى چكىمىش دىلر قرار بو اىدى كى ھر وقت گۇردىلر دامدا اود ياندى بىسىنلر كى قىام باشلانىپ و بوتون شىعەلر اۇز داملارىندا اود ياندىرىپ، سلاح گۇتوروب ابن زىاد و كر بلادە شركت ائىدن قاتل لره يوريش آپارىپ شھىدلر نىن انتقامىن آلسىنلار و امىر مختار قىامى بو ترتيب اىلە باشلانىپ و تصادفاً بو قىام اىلىن صون چر شنبە سىنە تصادف ائىدېدىر. اىندى دامدا اود ياندىرماق شىعەلر ن كوفەدە ابن زىادو يزىد عليھىنە قىامى نىن خاطرە سىن تزلە مك دىر.

چر شنبە نىن قار آلتىندا قالماغى

بونودا دئىك لازم دىركى خلىقن عقىدە سىنە گۇرە چر شنبە گر ك قار آلتىندا قالسىن يعنى چر شنبەدە قارىاغماق حتمى دىر. بو عقىدە بوردان ناشى دىركى اردىبل صويوق يتر اولدىغى ايجون چوخ وقت چر شنبەدە قارىاغىر و بوقار ياغماقدان دا كىمەسە اېنجىمىر بلکہ اوشاقلار داھا شاد اولوب بو شعرى اوخويورلار:

اولدوز و فشنىك توپ تاراققا

چر شنبە قالدى قار آلتدا

اردىبل دە دىيەرلر اوشاقلار نىن بايرامى چر شنبەدە دىر، چونكە اوشاقلار نىن شادلىغى چر شنبەدە بايرامدان آرتىق دىر. بۇ يوك لر ظاھردە بئلە دئىيرلر حال بو كى بۇ يوك لر نىن شادلىغى چر شنبەدە اوشاقلار نىن آز دگىلدىر، مكر ائولرە شادلىق وئرن اوشاقلار دگىل لر، پس ائودە كى اوشاقلار شاد اولوتجا بۇ يوك لر دە شاد اولاجاقلار.

قورشاق آتماق

بونودا يازىم كى چر شنبەدە اوشاقلار بۇ يوك لر دن چر شنبە لىك آلىرلار، بو چر شنبە

ليك بايرامليقدان باشقاديركى بايرامدا بۇيوكلر كىچىكلره وئىرلر. و هاييله قورشاق آتماق^۴و يا بۇيوكشاعريمىز شهرىار دئمشكن شال ساللاماقدا آيرىدير، قورشاق آتماق آذربايجانين باشقا يئرئنده كى كيمىن اردبىلده ده دبدير. چرشنبه گنجهسى اوشاقلار فاميل يا ياخين قونشواثوينه گنديب شال يئرئندهستمال آتيرلار و اوزلرى گيزله نيرلر، ائوييهسى بير مقدار چرشنبه قازيشغى^۵ اونون دستمالينا باغلايىب قاپئدان ائشيكه قويورلار، دستمال صاحىبى اونو كۇتوروب گندير.

قولاق آسماق

يادىما گلير چرشنبه آخشامى آتام ائو اهلينه تاهشيراردى كه صحبتلروزه مواظب اولوب ياخشى سۇزلر دانىشين ممكندير قولاق آسان اولسون. آخى اردبىلده معمولدير فيزلار-قادينلار گيزلين گليب قاپو داليندا يا حياطدا دوروب آتيرلار و ائشيتديكلرى سۇزو نيتلريله تطبيق ائلهيىب فال يورولار^۶.

چرشنبه گونى (نو) اوستونده

چرشنبه گونى صبح چاغى خانوادهلر اوشاق-بۇيوك تازا پالتارلارنى كئيب(نو)^۷ اوستونه گنديرلر، نوودان منظور دگيرمان نووىدير پس نوواوسته گئتمك يعنى دگيرمان آرخى نين قيراغينا گئتمكدير.

شهرين هر سمتى نين اهلى ئوزينه ياخين دگيرمالين اوستونه گنديب اورادا جمع اولورلار، بير-بيرلرينه چرشنجون مبارك دئير، بمب تاراققا سسى هاموياشادلق وئير . بو مراسم ايكى-اوچ ساعت ادامه تاپير صورنا هر كس چرشنبه دن قاباق آلدىغى اجده^۸ كوژاهنى صوايله دولدوروب ائوه قايدير. بونونلا. گول چرشنبه نين تشرىفاتى بيتير.

بايرام تشرىفاتى

گول چرشنبه دن صورنا هامو بايرامى گۇزله يير. چرشنبه كى جوش و خروش ايله ياتاشيدير، بايرام ترسينه اولاراق تمكين و متانتله قارشىلانير، بايرامدا^۹ يرانين هر يئرئنده اولدىغى كيمىن ايل تحويل اولاندا ائواھلى يدى سين سفره سينين باشيندا اولماليدير. اردبىلده يدى سين ايچون بوشى لردن استفاده ائذيرلر: سرکه، ساريمساق، سبزی، سوماق، سکه، ساعت، سو. سرکه جوشى و تحرك، ساريمساق سلامتليك، سبزی اميد، سوماق نعمت، سکه دولت، ساعت طول عمر، سو آيديتلىقدير، بونلاردان باشقا بير كاسه سودا تحويل بالىغى دئيبلىن كىچىك بالىق قويارلاروباللىق باشى (ماهى دودى نين باشى) وتويوق دۇشى ده سفره ده اولماليدير. ايل تحويل اولانا ياخين هامو تازا پالتارين گئيب سفره باشيندا اوتوريرلار. ائوين بۇيوگى يا ائو اهليندن ييرى قرآن اوخور باشقالار شنليك و سئويتجله اونودينله ييرلر. اردبىلده عقیده بوناديركى ايل تحويل اولاندا سفره باشينداكى

تحويل باليقلازىنىڭ يېرى آتيلار. اونا كۆرە ايل تحويل اولماق همان اوشاقلار قىشقىرلار: ايل تحويل اولدى باليق، آتلاندى (آتيلدى)، ايل تحويل اولاندىن صونرا ائو اهلى يېرىر-لر يله كۆرۈشۈب اۋپوشورلر و بۇيوكلر كىچىكلرە بايراملىق وئەر.

بايرام كۆرۈشى

اردىبلە بايرام كۆرۈشۈنۈندە مخصوص ترتىبى واردىر: بايرامىن اول كۈنى علمانىن كۆرۈشۈنە و قارا بايراملىلار يىن دگمگىنە كىتەرلر ۱- ايكىنچى كۈندىن محله لر يىن كۆرۈشۈ باشلار. اردىبلين آلتى محله سى واردىر: ۱- عالى قاپو. ۲- كازران. ۳- چشمه باشى. ۴- پىر عبدالملك. ۵- اوچدوكان. ۶- تازە ميدان بو محله لر دىن چشمه باشىنا قىبلاندا دئىيرلر و بو محله اهلى قىبلان. ۱۰- اولدىقلار يىن افتىخار ائدىرلر. بو آلتى محله نىن نىچە كوچە خولاسى (شعبەسى) واردىر. بايرامىن ايكىنچى كۈنۈندىن باغلاناراق كۈندە يىر محله پىزىرا ائودە اوتورور و باشقا محله لر اورداكى فامىل، دوست و لازم اولان آدمالار يىن كۆرۈشۈنە كىتەرلر. بايرامىن يىدى سىندە بوتون كۆرۈشلر قور تولار. بىلە جە هامونىن تكىلىنى آيدىن دىركى هاچان كىمىن كۆرۈشۈنە كىتە جك و هاچان اۋزى پىزىرالىق ائدە جك دىر.

۴ فصل

بىر مىزىن صونوندا بونودا دئىلىك كى، اردىبل اهلى نىن عقىدە سىنە كۆرە بايرامىن ايلك كۈنى سلطان دىر، ايكىنچى كۈنى يازدان دىر، اوچونجوسى يىدان، دۇردىنچى سى بايزدان و بىنچى كۈن قىشدان دىر و هر كۈن هر فصل يىن آدىنادىر او كۈن نىچە كىچىسە (اىستى، صويوق، كۈن، ياغىشلىق) او فصلدە او ايلدە او جور كىچى جك دىر و بونونلا او ايل يىن نىچە كىچىمگىن پىش يىن لىك ائدىرلر.

صون

- ۱- اردىبلدىن مقصود اردىبل شەرى و اونون محاللار يى: ارشق، مشكىن، مغان، او جارى، يورتچى، پولادلوونىر كىندلر يى دىر.
- ۲- قىزماق: مست اولماق، دلى اولماق، قودورماق معناسىن دىر.
- ۳- كولش: قورى بوتە و علف.
- ۴- قورشاق: بىلە باغلانان شال.
- ۵- چىر شىبە قارىشىغى بونلاردان عبارت دىر: نىخود، كىشمىش، ايدە، قورقا (قورولموش بوغدا)، قاخ (برگە)، انجىر و او جملەدىن بو يانمىش يومورتا.

- ۶- فال یورماق یا یوخویورماق یعنی فال و یوخو تعبیر و تفسیر ائتمک.
- ۷- نوو عبارتدیر بیر آغاجدان کی، اونون ایچینی یونوب بوشالدیملار و دگیرمان آرخی نین آخریندا قویورلار کی آرخین سوپویغیشیب . نوو دان سرازیر اولورودگیرمانین پیره سین ایشله دیر.
- ۸- اجر تازا و ایشلنمه میش.
- ۹- قره بایراملی او آداملار دیلار کی، او ایلده او خانواده دن بیری فوت ائله میش اولسون.
- ۱۰- قنبلان: بو کلمه نین معناسی مقاله نی یازانا معلوم دکلیدیر اوخوجولاردان خواهش اولونور بو کلمه نین معناسین و وجه تسمیه سین بیلیرمه مجله میزه یازسین و اونون آدینا چاپ ائدک.

از استاد شهریار:

کاوه نوروز

تنور لاله افروزد نهیب باد نوروزی
بیا کز شعله آهی تنور سینه افروزی
برآمد چیره بر ضحاک بهمن کاوه نوروز
بدوش از سرو و شمشادش درفش فتح و فیروزی
درخت گل بگلشن دختری گلدوز را ماند
چمن خود از گل و بوته نگارین کار گلدوزی
بهارى بیوفا داری بخود چندین مناز ای گل
که تا یکهفته تاراج است تاج میر نوروزی
ندانم راز شور و مستی این آبشاران چیست
که چون حافظ نوائی جاودان دارد بهرموزی
ندانم آتش حافظ بر این اوراق دیوان چیست
که تا در من گرفته ناله‌ای دارد شبانروزی
کلاس ساز و آوازیست باغ از نغمه مرغان
ضبا را لحن استادی و بلبل را نوآموزی
زرک سازی پروانه جمال جان نثاریهاست
که چون مطرب سراندازد پایان زراوندوزی
چشیدی طعم زندان در دل فانوس خود ای شمع
شب زندانیان طی کن یهدمسازی و دلسوزی
مخواه از تنگچشمی تیره روز روشن مردم
بین کز چاه کن تنگ است چشم روزن و روزی
دلی کو شهریارا مهر با آفاق میورزد
همه نوروز فرخ خواهد از ایام و فیروزی

پروفیسور غ. بیگدلی:

بزرگان آذربایجان

شمس تبریزی نین حیات و یارادیحیلیقی

شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی هجری قمری ۶۰۰ نجی عصرده تبریزده آنادان اولموش اونون دوغولدو تو ایل دقیق صورتده علم عالمینه بللی دگیل دیر. اوشاقلیق و ایلك گنج لیک ایل لرینی دوغما شهرینده کئچیرمیش مقدماتی تحصیلنی ده اورادا آلمیشدیر. دئیلن لره کؤره اونون دیل اوگر نمه قابلیتی یوکسک اولموش گنج یاشلاریندان بئله فارس و عرب دیل لرینی ده اؤز آنا دیلی کیمی دان شیرمیش.

یوکسک ذکا و بیوک استعداد صاحیبی اولان ینی یتمه لیک دؤرون دن بئله بیر متفکر کیمی دوشونوب مختلف مذهب و طریقتلر و رنگارنگ اینام و اعتقادلار حقیقنده دوشونوب بونجا تفرقه و پراکنده لیک لرین اورتایا چیخماسی حقیقنده دوشونوب اولارین تۇرنمه و نشو و نما ائتمه سبب لرینی آرایب آختارمیش و بو کیمی پارچالانمالاری، نئچه تیره لیک لری غیر ضروری و ضررلی حساب ائتمیشدیر.

بعضی تذکره چیلرین یازدیقینا کؤره گویا شمس تبریزی منشأ اعتباری ایله اسماعیله فرقه سینین بیوک لریندن اولان خاوند علاء الدین نین نسلیندن اولموش دورکه، اونوندا کؤکو گندیب بزرگ امید کیایا یتیشیرمیش، آنجاق بو مدعا یه هئچ بیر علمی ثبوت و استناد گاه یوخدور. آرتیق علم عالمینه بلی دیرکه، شمس تبریزی آتابابا تبریزی اولوب، اونون اولوبابا لرینین هئچ بیر یسی ده اسماعیلیه فرقه سینه منسوب اولمایب، ماراغدا کؤسترمه میشلر.

شمسین طریقت سلسله سینه گلدی کده «مناقب افلاکی» اونون منسوب اولدو تو طریقتین اونا قدر گلیب چیخدیقی سلسله نی بئله تقدیم ائدیر و یازیر: «امیر المؤمنین علی

حسن بصرینی تلقین آمیض، اوحیب عجمینی، اوداودطائینی، او معروف کرخینی، اوسری سقطینی، اوجنیدی، اوشبلی نی، او محمد زجاجی، او ابوبکر نساجی، او احمد غزالینی، او احمد بلخینی، اوشمس الائمه سرخسینی، او بهاء ولد لقبی ثیله مشهور اولان بهاء الدین محمدی، اوسیدبرهان الدین محقق ترمذینی، او مولانا جلال الدین محمدی، اوشمس الدین تبریزی، اودا سلطان ولدی»...

آنجاق بورادا ترتیب کرونولوژی آخردا بیر قدر پوزولوب و معین سهوه یول وئرلمیشدیر چونکه علم عالمینه تامایله آیدین دیرکه، مولانا جلال الدین رومی شمس الدین تبریزی یوخ، شمس الدین تبریزی جلال الدینی رومینی تلقین ائدیپ، اونون مرادی، مرشدی و جلال الدینین اوزسوزوئیه دئسهک «تانیسی» اولموشدور. اونا معنوی ادراک، طریقت و محبت درسی وئریمشدر. بئله که جلال الدین همیشه اوزونو، مرادی و مرشدی اولان شمسین رهینی و منتداری بیله رک ۸۴۰۰۰ مصراعدان عبارت اولان ایری حجملی کلیاتینا «کلیات شمس تبریزی» آدی وئریمش، مثلی، نظیری اولمایان مشهور «مثنوی» سینده ده اونون الهامی و معنوی تاثیریندن کمالا یتیشیمشدر. بئله که دفعه لوله اوزو بو حقه ملاحظه سؤلیمیش، اوزونو شمس الدینین مریدی و شاگردی حساب اتمیشدی.

اگر نه عشق شمس الدین بدی هر روز شب ما را
 فراغتها کجا بودی ز دام و از سبب ما را
 تب شهوت بز آوردی دمار از ما ز تاب خود
 اگر از تابش عشقش نبودی تاب و تب ما را
 نوازشهای عشق او، لطافتهای مهر او
 رهانید و فراغت داد از رنج و نصیب ما را
 زهی آن کیمیای حق که هست از مهر جان او
 که عین ذوق و راحت شد همه رنج و لعب ما را
 در آن مجلس که گردان کرد از لطف او صراحیها
 گر آنقدر و سبکدل شد دل و جان از طرب ما را
 بسوی خطمی تبریز چشمه آب حیوانست
 کشاند دل بدان جانب چو خضری پی طلب ما را^۲

تذکره لرین یازدیقینا اساساً شمسین عرصه یه چاتدیقی دؤرده ایلک طریقت معلمی مشهور صوفی شیخ ابوبکر بن اسماعیل سله باف تبریزی اولموشدور بئله که بو حقه

۱- «مقالات شمس تبریزی». تهران. خرداد ۱۳۴۹. ش. ۵. صفحه ۱۱.

۲- شمس تبریزی. «کلیات دیوان». چاپ سوم. تهران ۱۳۴۵ شمسی. صفحه ۷۶.

صونرالار «مناقب افلاكي» ده سلطان ولده استناد آيازليپر: - مولانا شمس الدين تبريزي آتاما سؤيله يردى: «من نه بيليرم سه هاميسنى تبريزلى شيخ ابوبكر دن اويرنميشم». عموميتله بو احوالات شمس تبريزي مقالاتيندا دفعه لرله تصديق اولونموشدور. شمسين اوزوده دفعه لرله شيخ ابوبكر سله بافين^۲ طلبه سى اولدوغونو سؤيلميشدى. بوفكرى «روضات الجنان» كتابينين مؤلفى هجرى قمرى X عصرين عارفى حافظ حسين كسربلانى تبريزي ده تصديق ائده رگ يازير: «شمس تبريزي بير مدت شيخ ابوبكر سله بافين طلبه سى اولدو، ائله كه اونون كمال و معرفت رتبه سيني گونو-گوندن يوكسلان گورن ابوبكر، انصاف اوزوندن اونا سؤيله دي: - آرتيق سنه تعليم وئرمك منيم عهدم دن خارج دير، باشقا بير معلمين يانينا گتمه گينى مصلحت گورورم.»

بو رخصتى آلديقدان صونرا شمس سياحته چيخير، گنديب سجاس ولايتينه چاتير اوراد شيخ ركن الدين محمد سجاسى ايله گوروشوب بير مدت صونرا شيخ شهاب الدين محمود تبريزي نين يانينا گنديب كسب كمال و معرفت ائدير. بير مدت صونرا سياحتيني دوام ائتديره رك نهايت گنديب توركستان ولايتينه چيخير اورادا شيخ الشيوخ شيخ شهاب الدين حضورونا يتيشيب اونون مريدلرى سيرا سينا داخل اولور. معين بير مدت كسب كمال ائدير، بئله كه «جواهرالاسباب» اثرينين مولفى حسين بن كاشفى خوارزمى/۸۳۹-وفات/هجرى قمرى بو حقه يازير: «تاج المعشوقين شيخ شمس الدين تبريزي تجارت آدى ايله شهرلرى گزيردى. هر ديارين اورك صاحبلى ايله گوروشوب صحبت ائديردى. توركستانا گليب اورادا بابا كمال خجندى نين چله خانه سينده اوتوردو^۴». آنجاق نهايت اورادا دا اقامت اتمه ييب، سير و سياحتينه دوام ائتديرميش، بو اوغورلو سفرلر ده دورمادان دا يانمادان حيات تجربه لرى الده ائديب، علم و معرفت توپلايب، گت گنه زمانه سينين بيوك نير عارفينه چؤرليپر. اونون شهرتى هر يانا ياييلىر، عرقا اونودورون قطب لريندن بيرى صانيب، درين اعتقاد بسله ييرلر. اونا «كامل» تبريزي لقبى وئيريلر. بوتون عمرو بويو سفرده، هر كت ده، سيرده و سياحت ده اولدوغونا گؤره اونا «اوجان قوش» دا دييرلر. طريقتلر باشچيلارى اونو «سيف الله» آدلانديرىب، كسرلى بير قلينجا بنزه دييرلر. بير قدر صونرا جلال الدين رومى ايسه اونودورون فقيه لرى نين ان بيو گوييلىب «... كامل تبريزي قونيه شهرينين ابدالى دير. اونون رتبه سى حتى دفعه لرله له فقيه احمد دن ده اوستوندوره^۵» ديه اونا «نور مطلق» آدلانديرميشدير.

۳- سله باف - سبد هورن.

۴- مقالات شمس تبريزي. صفحه ۹.

۵- مناقب افلاكي. آنكارا، ۱۹۶۱. صفحه ۶۳۵.

شمس تبریزی که نور مطلق است

آفتاب است و ز انوار حق است

شمس تبریزی ائله جهده تفسیر، حدیث، فقه، کلام و فلسفه علملرینی دریندن اویرنمیشدیر. او، شافعی فقه (دینی حقوق) نین ۵ مشهور کتابیندن بیر اولان «التنبیه» اثرینی بیر درس لیک کیمی اوخوموش دور. بئله که، صورالار «مقالات» دا سؤیلویور: «نهایت فقیه اولدوم التنبیهی و باشقا فقه کتابلارینی اوخودوم. آنجاق ایندی اونلاردان هئچ بیر مطلب خاطریمده قالمامیشدی».

بوتون بونلارگوستریر که، شمس تبریزی دورونون بیوک عارفی، مثلی، نظیری اولمایان بیر عالمی اولموش دور. ائله اونون بیوک لوگو، خارق العاده شخصیتی اولادیر که، او مولانا جلال الدین رومی کیمی بیوک بیر متفکری ائله مجذوب و مفتون اتمیشدیر که، او بیردن فتوی و تدریس مستدی ترک ائدیب عشق و عرفان میدانینا آتلمیشدیر. قورو بیر زاهد، عادی بیر مفتی نی، رند و پاکباز بیر عاشقه، بیر حقیقی وحدت وجود طرفدارینا چوئرمیش، اونو آللهیی محبت مضمونلو درین معنالی قصیده و غزل لر، رباعی و ترجیع لر و ترکیب بندلر و «مثنوی» کیمی دنیا شهرتی قازانان اثرلر یاراتماقا سوق ائتدیرمیشدیر.

شمس تبریزی جلال الدین رومی ایله گوروشمک مقدی ایله قونیه یه سفر ائدیر. گدیپ شکرچی لرکاروانسراسیندا منزل صالیر. جلال الدین رومی نین تدریس ائتدیگی مدرسه یه گئدیر. اونونلا گوروشور.

شمس تبریزی ایله جلال الدین رومی نین ایلك گوروشلری ۶۴۲ هجری قمری اینین جمادی الآخر اینین ۲۶ سی شنبه گونو اولموش دور^۸. بو زمان جلال الدین رومی نین ۳۹ یاشی واریمیش. بواکی بیوک متفکرین ایلك گوروشلری باره ده ماراقلی جدی ملاحظه لر و مختلف غیر جدی فکر یوردونلر اولموش دور که، بونلارین آراسیندا جلال الدین رومی نین اوغلو سلطان بیر ولزین یوردونوگو ملاحظه البتہمین و اساسلی دیر.

سلطان ولد اوزونون «ولد نامه» آدلی اثرینده بوتون غیر جدی و اویدورما ملاحظه لری رد ائدیپ بو گوروشو ایکی عادی انسانین گوروشو کیمی تصویر و تصدیق ائدیر. منتها شمس تبریزی مرشد، پیر، درین بیللیک و مسلک صاحبی مشهور بیر عارف اولدوغوتا گوره جلال الدین مولوی طرفیندن بیوک جلال و حرمتله قارشى لانمیش،

۶- التنبیه شافعی مذهبین فروعاینی بیان ائدن بیر کتاب دیر. مؤلفی شیخ ابواسحاق ابراهیم بن علی فقیه شیرازی (۴۷۶-هجری قمری وفات).

۷- مقالات شمس تبریزی: صفحه ۲۴۳.

۸- مناقب افلاکی... صفحه ۶۱۸.

اونا عادى بير قوناق، معمولى بير عالم كىمى دگيل فوق العاده بير شخصيت، بۇ يوك مرشد
مكمل بير عارف كىمى يانا شلميشدير.

بيله كه سلطان ولد بو كۆر وشو بيله تصوير ايدير:

گشت سرها بر او چو روز پديد	بعد بس انتظار رويش ديد
هم شنيد آنچه كس ز كس نشنيد...	ديد آن را كه هيچ نتوان ديد
گشت پيشش يكى بلندي و پست	شد براو عاشق و برقت از دست
گفت بشنو شها از اين درويش	دعوتش كرد سوي خانه ي خويش
ليك هستم به صديق عاشق تو	خانه ام گر چه نيست لايق تو
بيگمان جمله آن خواجه بود	بنده را هر چه هست و هر چه بود
به وقاقت همى روى تو درست	پس از اين روى خانه خانه ي تست
شاد او خندان به سوي خانه شدند	بعد از آن هر دو خوش روانه شدند

بو كۆر وشده جلال الدين رومى بو آلهلى عارفين قارشى سيندا ديز چؤ كور. اونا او زونه
مراد و مرشد سچير، گتت گنده اونون معنوى ارشادينا محتاج اولدوغونو دوپور.
بئله كه، ائله او كوندهن مدرسه نى، وعظى، منبرى، فتوانى، طلايى و محرابى ترك ائديب،
حقيقى بير مريد كىمى بوتون وارليقنى اونون اختيارينا وئيرير. شمسين كؤستريشى ايله
صوفيانه خلوتده اگله شير. چله يه گرير ينى طلبه ليك عالمينه قايديب تعليم و تربيه آلماقا
باشلايير. سلطان وله بو ينى مرحله نى بئله قلمه آلميش دير:

درس خواندى به خدمتش شب و روز	شيخ استاد گشت نو آموز
مقتدا بود و مقتدى شد باز ^{۱۰}	منتهى بود، مبتدى شد باز

بو تجريد و خلوت زمانى مراد (شمس) ئوز مريد (جلال الدين) نيه غريبه معنوى
تأثير بوراخير، طاعت موعظه و منبردن آيريلمايان جلال الدين حيات و تفكر طرزىنى
كؤكوندن دگيشديرير. تامميله ينى بير جلال الدين، الهى محبت و وحدت وجود طرفدارى
جلال الدين يارانير كه، نتيجه اعتبارى ايله بو تحول و ده گيشمه نين محصولو ۸۴۰۰۰
مصراعدان عبارت «كليات شمس تبريزى» آدى داشيان ديوانى و ۵۱۲۵۰ مصراعدان
عبارت جهاننشمول شهرت قازانان «مثنوى» سى اولور. دوز ۱۶ آى تمام شمس تبريزى
جلال الدين له بير اگه قونيه ده اولوب، بو مدتت چوخ حصه سىنى خلوتده، تجريدده و
حله ده گتچيرير لر. جلال الدين بير نوع اؤز آداملاريندان تك لنميش اولور. بو دوركه،

۹- ولدنامه. مثنوى ولدى، انشاء بهاء الدين بن مولانا جلال الدين محمد بن حسين

بلخى. تهران ۱۳۱۵ شمسى هجرى صفحه ۴۲.

۱۰- ولدنامه... صفحه ۵۳.

متفكرين:

مرید و طلبه لری، اورتا آسیادان آتاسی ایله بیرگه اورایا گلن مهاجرلر شمسه حسد آپاریب صون درجه حدت له نیرلر. اونلاری بیر بیرلریندن آیرماقاجان آتیرلار. نهایت ایش اویره گلیب چیغیر که شمسه تحقیرلر ائدیپ، بو عالیجناب تبریز «پیرینی» ژولیده آدلاندیریب، اونون جلال الدینه مرشد و مراد اولماغا لایق اولمادیقینی سؤیلویورلر اونو ساحر آدلاندیریلار. بو دورکه، صوفیلر، مریدلر و هوادارلار آراسیندا ایکی تیره لیک دوشور-شمسی ایستین لر و ایستیمه یین لر.

بو احوالاتی مشاهده ائدن شمس / ۱۲۴۶-۱۲۴۵/ ۶۴۳ هجری قمری ایلینده گیزلیجه اولاراق قوتیه نی ترک ائدیر، دمشقه گئدیپ چیغیر اورادان آشاقیدا بیر پارچاسینی وئر دیکمیز ایری حیملی مکتوبو جلال الدینه گونده ریر.

«مولانا یابلی اولسون که، بو ضعیف خیر دعایه مشغول دور. هئچ بیر مخلوقا یا ناشیب قوشمور چونکه هره سینین احوالاتی اونلارین عمل لریندن آیدین دیر. بو حقه دوستلار حضورونوزا سؤیلویه، جک لر. آنتجاق عزیز و اورک صاحبی اولان بیر درویش وار که، اگر مولانا اونون حقیقت احوالینا آگاه اولارسا امینم که، اونا نظر سالاجاق، اونا حرمت بسلیه جک، او، اون ایل دیر که، بودعا گوايله تانیش و دوست دور دمشقه قایتیدیقیمیزدان صونرادا او، اؤز دوستلوغونو ثبوت ائتدی...»

مرادینین اوزاتلاشماسیندان صون درجه معنوی عذاب چکن جلال الدین آلدیغی مکتوبلارا جواب اولاراق، اونا اؤز کدر والم لرینی بیلدیریر و اونو گری قایتماق ادعوت ائدیر. بو مکتوبلاردان بیت لر:

ایها النور فی الفوآد تعال
غایة الوجد و المراد تعال^{۱۲}...

دیگر مکتوبوندان:

ای ظریف جهان سلام علیک
ان دائی وصحتی بیدیک^{۱۳}...

دیگر بیر مکتوبوندان:

زندگانی صدر عالی باد
ایزدش پاسبان وکالی باد^{۱۴}.
لیکن مکتوبلارین تأثیر سیز اولدوغونو گوره ن جلال الدین نهایت اوغلو سلطان ولدی

۱۱- مقالات... صفحه ۱۹۹.

۱۲- «کلیات دیوان شمس تبریزی» صفحه ۵۲۹.

۱۳- «کلیات دیوان شمس تبریزی» صفحه ۵۱۵.

۱۴- «کلیات دیوان شمس تبریزی» صفحه ۳۹۳.

اؤز مرادینین آردینجا دمشقه گونده ریز. شمس دوز ۱۵- آی دمشقه قالدیقدان صونرا ۶۴۴- هجری قمری ایلین (۱۲۴۷-۱۲۴۶ میلادی) ینی دن قونیه یه قایدیر. علیهدارلاری اؤز جسارتلریندن عذر خواهلیقلار ائدیر. صانکسه بوتون ایشلر ایسته نیلن کیمی اولور. هرشی اؤز قایداسینا دوشور. آنجاق یننده وضعیتده گیشیر. آز بیر زمان کئچمه دهن کئچمیش اختلافلاری ینی دن باشلانیر. مخالفته لری جلال الدین دلی شمس ایسه جادوگر آدلاندیریب، هنگامه قوپاریب. اونلار ینی دن هر جور تهمت و افترا آتشی یاغدی ریرلار. لیکن ایستر شمس، ایستر سه ده جلال الدین بو کیمی تهمت و افترا لاری ایعتناء اولاراق، مرید اؤز مرادینا اورکدن باغلی دیر و گئجه گوندوز فکری و ذکری بودور :

بیر من و مراد من ، درد من و دوی من

فاش بگویم این سخن شمس من و خدای من^{۱۵}

دییه- اوز پیرینه اولان یوکسک محبتنی ترنم ائدیر.

بوتون بونلارا باخمی اراق جلال الدینین آتاسی ایله شرقدن گلن مریدلر، ائله جه مولانانین قهوم قارداشلاری برک ناراضی دیرلار. شمسی آچیقدا آچیقاً تحقیر ائدیر. اونو محو ائتمک له هده له بیرلر. بو احوالاتی دویوب مشاهده ائدن شمس سلطان ولدله مصالحت له شیب، آرتیق کیمسه نین خبری اولمادان همیشه لیک قونیه شهرینی ترک ائدیر. بویاره بوندان باشقا نه دئیلمیش دیرسه افسانه، غیر جدی و غیر علمی اوی دورمالار، یادا که شخصی غرضله یورودولموش خفیف ملاحظه لردیر. سلطان ولد احوالاتین نتیجه اولدوغونو «ولندنامه» ده آشایدکی مصر اعلاردا قلمه آلمیش دیر:

که شدند آن گروه ، پر از کین

باز شد دل زبون آن گلشان

باز در قلع شاه کوشیدند

چون شدند از شقا همه دمساز...

که نداند کسی کجایم من^{۱۶}...

باز چون شمس دین بدانست این

آن محبت برقت از دلشان

نفسهای خبیث جوشیدند

گفت شه با ولد که دیدی باز

خواهم این بار آنچه ان رفتن

دوغوروداندا شمس بو دفعه ائله قویوب گئدیر که، آرتیق کیمسه اونون هارادا

الدوغورودان هئچ بیر خبر توتایلمیر.

۱۲۴۸-۱۲۴۷/۴۵- هجری قمری ئیلینده باش وئرن بو حادثه جلال الدینه آغیر

تأثیر بوراخیر. پیری نین، معنوی رهبری نین ایذینه دوشوب هریردن سوراغینی توتور.

دوز ایکی ایل تمام بیر سیرا عرب و عجم ئولکه و شهرلرینی گزیب دولاشیر. ایکی دفعه

دمشقه گئدیر، جدی آختاریشلار آپاریر. دوزیدی ایل دوام ائدهن بو آختاریشلار آنجاق

هئچ بیر نتیجه وئریمیر. نهایت شمسین ابدی فراقی جلال الدینی صارضیدیر. بودور جلال الدین اوزالم و کدرلرینی آنجاق شعر و سماع واسطه سیله دفع ائتمگه چالیشیر شعر و رقص و سماع جلال الدینین سویملی و آردیجیل عبادتینه چوریلیر. نهایت شمسین اولوم خبرینی آلیب، اونا بیز چوخ مرثیه مضمونلو آتشین و حوزین شعرلر حصر ائدیر. بودورانلاردان بیر نمونه:

قدر غم گر چشم سر بگریستی	روز و شبها تا سحر بگریستی
آسمان گر واقفستی زین فراق	انجم و شمس و قمر بگریستی
گر گلستان واقفستی زین فراق	هر گل و هر شاخ تر بگریستی
روزن ار واقف شدی از دود مرگ	روزن و دیوار و در بگریستی
این اجل گبر است و ناله نشنود	ورنه با خون جگر بگریستی
هین خمش ۱۷ کن نیست يك صاحب نظر	ور بدی صاحب نظر نگریستی
شمس تبریزی برفت و کو کسی	تا بدان فخر بشر بگریستی ۱۸

ائله بو ایدیتیه قوشان فراقین محصولو اولاراق شرق و عرفان عالمین شاه اثر لریندن صایلان «مثنوی» و «کلیات شمس تبریزی» یارانیر.

شمس تبریزی نین بؤیوک لوگونو درك اتمک اوچون بیرجه بو فاقت کفایت دیرکه، جلال الدین رومی کیمی بیوک بیر انسان ۳۹ یاشلاریندا اونونلا گؤرشدوگو گوندن عمرنون صونونا قدر یعنی دوز ۳۰ ایل تمام اورکدهن اونا باغلانمیش، اونون شخصیتندن تأثیرلنمیش، الهام آلمیش حضوراً و غیاباً اونون آدی ایله یاشامیش دیر.

بیوک انسان، مشهور فیلسوف مترقی احوال-روحیه لی پانته ئیست متفکر صوفی اولان شمس تبریزی، دورونون معلوم علم لرینی بیلن میلادی اونچونجو عصرین ان گؤرکملی عالم لریندهن بیریدیر. آنجاق تأسفکه، بونجا بیلیک و تجربه صاحبی اولان شمس، ئوزوندن یازیلی صورتده ادبی بیر میراث قویمامیش دیر. اونون «مقالات شمس تبریزی» آدلانان ادبی میراثی، بو بیوک انساندان قالان یگانه یادگار دیرکه، مریدلری طرفیندن سؤیله دیگی نطق لراساسیندا، سؤال لارا وئر دیگی جوابلار و ایضاحلار اساسیندا ترتیب ائدیلمیش دیر. شمس ئوزونیه یازمادیقی حقیقده بیله دئمیش دیر: «من هئچوقت

۱۶- «ولدنامه». صفحه ۱۶.

۱۷- خمش یا خموش یا خاموش سوزلری جلال الدین رومی نین ئخصلا اولموشدور.

۱۸- «کلیات شمس تبریزی». صحیفه ۹۲۱.

یازماقا عادت ائتمه دیم، چون یازا بیلیمیرم، خاطریمده قالمیر. من هر لحظه حالدان حالده ک شیرم، یازی ایسه بهانه دیر ۲۰».

قید ائتدیک که، «مقالات شمس تبریزی» آدلانان اثر، اونا وئرلین سؤال لارین شفاهی جوابی و بیر سیرا مذاکره لر و صحبت لر مجموعه سی دیر و بونلاری مریدلری توپلامیش دی و اولسون که، بو مریدلر چوخدا سوادلی اولمامیش لار. بیرده کی صحبت نهانی شمس مریدلرله آیدین دانیسی سین دیه بیر او قدرده فکرنین و افاده سینین گوزل بیان ائدیلمه سین، املاء و انشاء قاپدا-تانونلارینا فکیر و ثرمه میش مطلبی ایدین بیان اتمیک مقصدی ایله ساده شرح و بیان ائتمیش دیر. بونا باخمی اراق ینده گورونور شمسین نطق-بیانی، افاده سی دولقون، درین مضمونلو سلیس و تاثیر ائدیجی دیر، اوره که یاتان دیر.

اثرین مندرجه سی دینی، اخلاقی و عرفانی مسئله لری احاطه ائدیر، اصل انسانین یوکسک لیگی و شخصیتی، ماهیتی و حقوق برابر لیگی، معنویاتی و گوزل لیگی ایضاح اولونور. یاخشی لیتلار امیل، پیس لیک لردن احتراز و امتناع اساس وظیفه کیمی قویولور. اثر اونا قدر میدانا چیخان تصوف اثرلری نین ان گوزلرینده ن بیریدیر.

تصوفون اساس مدعالاریندان اولان: انسان پرورلیک، انسان حقوق برابر لیگی، تواضع کارلیق، قناعت، عزت نفس و آلهی محبت شمس تبریزی اثری نین اساس و مغزینی تشکیل ائدیر، اصل موضوع دور. بو اثرده «وحدت وجود» مسئله سی، توحید و آلهیات موضوعو آهارچیجی دیر. اثرده عرفا ایله فیلسوفلارین علمی ملاحظه، گوروش و عقیده لرینده کی اختلافلاردان دانیس لیر. مبدأ و معاد مسئله لری تحلیل اولونور. ادراک آلهی نوروون جلوه گاهی کیمی ترنم ائدی لیر.

اثرده کی ایشله نیلن عرب افاده و جمله لری چوخ سلیس، علمی و دولقون دور. اکثرأ حدیث لردن گوتورولموش بوشاهد و مثال لار مترقی بیر صوتی نین علمی سوز کچین دن گنجیب، اونلارین مضمون، مندرجه و مفهوم «وحدت وجود» باخمیندان تحلیل و تفسیر ائدیلمیش دیر.

اثرین عمومی موضوعو و مندرجه سی ایله جلال الدین رومی نین «مثنوی» سی آراسیندا بیوک بیر اویقونلوق و یاخین لیق واردیر.

عمومیتله شمس تبریزی نین فرمالاشیب یتیشمه سینده، اونون «مقالات» اثری نین

۱۹- «مقالات شمس تبریزی» مجمه سی ۱۳۴۹ شمسی شدری ایلینده عماد تخلصو داشایان آقای احمد خوشنویس طرفیندن ایلك دفعه اولاراق تهران دانشر ائدیلمیش دیر. ایری حجم لی اثر دیر.

۲۰- یوخاندا آدی چکیلن اثرده.

یارانما سینه آشاغیداکى منبع لر اساس رول اوینامیش لار. سوز سوزگه، شمس تبریزی آدلارینی چکدیگمیزائیر و منبع لردن تنقیدی صورتده استفاده ائدیب، بیثری گلنده اونلاردان شاهد لرده گتیرمیش دیر. بیز اساساً «مقالات» دا آدلاری چکیلن شخص لار و اثرلرین آدلارینی قلمه آلدیق.

شخصلر و اثرلر بونلاردیر:

- ۱- قرآن کریم. شمس قرآنین آیدلریندهن چوخلو شاهدلر گتیرمیش. همده حدیث لردن استفاده ائتمیش دیر.
- ۲- سیوطی نین «جامع صغیر» نینده کی حدیث لره دهاچوخ استاد ائتمیش دیر.
- ۳- حسین بن منصور حلاج بیضاوی (وفات، ۳۹۰ میلادی) میرائی.
- ۴- معنوف عامری نین «دیوانی».
- ۵- سهروردی نین «عوارف المعارف» اثری.
- ۶- آنالار سوزلری.
- ۷- علی بن ابی طالب «درر الکلام».
- ۸- ابن فهد حلی «تعصین».
- ۹- شیخ ابوالنجیب عبدالقادر سهروردی (وفات ۵۶۳ هجری قمری) اثرلری.
- ۱۰- اخوان الصفا «رسائل».
- ۱۱- تنقید فلسفه الفلاطون.
- ۱۲- سراج الدین محمود بن ابی بکر اورموی قاضی القضاة «مطالع الانوار».
- ۱۳- بایزید بسطامی (آثار).
- ۱۴- شعیب.
- ۱۵- ایوب.
- ۱۶- یزگمهر.
- ۱۷- سعید بن مسیب قرشی.
- ۱۸- عبدالملک بن مروان.
- ۱۹- ابن یواب.
- ۲۰- التنبیه فی فروع الشافعیه، للشیخ ابی اسحاق ابراهیم بن علی.
- ۲۱- لوط.
- فرزند هاران بن تاراخ، ابراهیم خلیل اللهین قارداشی.
- ۲۲- ابوالعلاء معری.
- ۲۳- شهید بن حسین بلخی.
- ۲۴- بقراط.
- ۲۵- خضر.
- ۲۶- الیس.
- ۲۷- جالینوس.
- ۲۸- محی الدین عربی طائی اندلسی.
- ۲۹- ابو منصور حفده.
- ۳۰- زین صدقه.
- ۳۱- اویس بن عامر قرنی.
- ۳۲- سلیمان.
- ۳۳- شیخ اوحد الدین کرمانی.
- ۳۴- شهاب الدین ابوالفتح یحیی بن حبشی بن امیرک «شهاب الدین سهروردی».
- صاحب «حکمت الاشراف».
- ۳۵- ابن جوزی.
- ۳۶- صلاح الدین.
- ۳۷- ابن خلکان.
- ۳۸- ادویس.

دكتور حميد نطقى

ائليمين قوجاغيندا:

آرتيق نه دئيم؟
اولكهم دهيم!
اؤز يوردومدا،
آنامين ديزينده،
ددهميين اوجاغيندا،
ائليمين قوجاغيندا،
خاطره لر غريبتيندن ائويمه گلديم.
دولانديم يوردومون داغيندا.
صالحيم-صالحيم گونش ايجديم، قيب-قىزىل اوزوملو باغيندا.
سريتله ديم بولاغيندا...
هر سؤز بير دفتر اولدى،
دفتر لر سؤزله دولدى.
قابالاردان عكس ائدن كور اوغلونون گور سسى،
معنى وئردى سؤز لريمه.
اوغور وئردى سفريمه،
بيرلرين، ولى لر ين نفسى.
ايندى... ايتيرديگيم اليمده،
حسرتيم ديليمده.

يوردومدا من ايكي چايابور جلو يام

۱	۴
گول چيچكلى يام ياشيل	شهر دنديم بو يثرين
ساوالانين آياغى	بیر جنت هاواسى وار
چايلى، چمنلى بىر كند	كوز ليكده وفادا
كوزه لدير چؤل، باغى	كندين ئوز صفاسى وار
۲	۵
گولونون ئنچه كينده	منيم بور جلو اولدوغوم
بولبولون كوز ياشى وار	بو يثرده اينكى چاي وار
هر چيچه كين دىنله سن	بىرى باليخ دولوسو
عشق سوزون بيجيلدار	بىرىنده باليخ آغلار
۳	۶
بو بهشته بنزه ره	گنجه، گوندوز باخير سان
باياريم نير ادئيب	بو چايلار آخير گئدير
سااين نين چيخ باشينا	قايغى چكىر يوردوما
شهر كورسه نير دئيب	ائليمه باخير گئدير

۱- نير شهرى اردبيل شهرى نين ۵۰ كيلومتر ليگينده بىر كىچىك شهر دير.

۲- ساين نير شهرى نين بىر كيلومتر ليگينده بىر آلچاق داغ دير و بوروخ-بوروخ

يولى اولدوغونا ساين گديكى معروف دور. بو چايلارين بىرى نين آدى آغلانغان بىرى نين آدى باليغى چايى دير.

۷

سویوکنده پایلايیر
دایانماییر، تئز کچیر
کۆشه نین هریتگیسی
دویونجا اوندان ایچیر

۸

منت اولماسین ديهه
بیرجه آن دا دایانمیر
کیمدی بیلن قدرینی
پایلمه ینی سانمیر

۹

بیز اونلارا بو رچلویوق
آت-بابادان بئله
دیر بلیک وئریب هر آن
اوچاپلار بیزیم الله

۱۰

منیم ائلمنده چوخدور،
چوخلو قدر بیلن وار
بیلر آغلاشان چایی
ائلین غمیدن آغلار

۱۱

بالیقلم ائل غمیدن
دئمده کی سایماز کچیر
بالیقاری آغلاشار
کۆزونون یاشین ایچیر

۱۲

آما بو چاپلار مدام
غم آلیب سئوینچ وئرەر
شاققیلدا ییب، داشاندا
چؤل، چمن کۆشن کولر

۱۳

چای قیراغیندا آخشام
کۆزهل اوکند قیزلاوی
اوزی کولر صاف صادیق
صانکی گولدور ئوزلری

۱۴

کول-چیچکلی بارچادان
اگینلرینده کۆینک
نازلی، آغیر یئریشلی
چیگینده، دولموش سحنک

۱۵

سوزولموش شهر سویو
وارلی ائوین آلییدی
بوخسول ائوینده آنجاق
قدیم سایاق قالیدی

۱۶

چای قیراغی چوخ وعده
کۆزهل بئک-بئکنیر
دقت اندیپ کۆررمن
ایکی جوره چیچکنیر

۱۷

کۆررسنکی، بیر چیچک
اگیلیب چیچک دریر
دولدوروب آغ اللرین
کۆی چمن اوسته سریر

۱۸

ایاقلار بیللور کیمی
سواپچینه کند قیزی
اتک دولومو درمیش
بیلاق اوتو، بارهیزی

۱۹

دردیگی بیتگی لری
دسته له بیر، تاپاقلار
بیر دسته لی عطیرلی گول
قوخلار، اینده ساخلار

۲۰

بیزیم ائلده اکینجی
هر یشری شوملار، اکر
سواردیقجا، هر کوزو
سانکی برکت تۇکر

۲۱

منیم یورجلو اولدوغوم
بو یشرده ایکی چای وار

بیری بالیق دولوسو
بیرینده بالیق آغلار

۲۲

بیزارلارا بوجلو یوق
آتا-بابادان بیله
دیرلیک وئریب هر آن
اوچایلار بیزیم ائله

۲۳

با بالاریمدان منده،
بیر سۆز قالیبدير بیر سن:
تورباغی حرمتلی بیل!
اودلا-سویو مقدس!..

تهران ۱۳۵۸

وطن

سایه نده بوی آتیب گنجلیکیم منیم
 سنده کی طبیعت ، آل یاراشیغا
 اوزروسی گوموش قارلی داغلارین
 روحلاری اوخشایان خوش زمزهسی
 کۆز ایشلهین الوان ، درین درهسی
 کۆرپه قوزولارین هی مله شمه سی
 عاشیقم سنده کی کۆزلیکمه من
 صانکی یشره ائتمیش کۆیلردن جنت
 سودامیشم دائم دؤشدریندن من
 اودورکی باغلیام ازلدن سانا
 ظلملر آلتیندا یاشادولموسان
 جوانلار ، قوجالار او اوددان یاندى
 سن دؤزدون عسرتنه هر فلاکت
 صاریلدى سئل کیمی سلاحه دولدی
 یوخ اولدی استبداد چکیلدى ظلمت
 کۆیردی، یوی آتدی چیچکلر، اوتلار
 کئجه تسلیم اولدی، دؤندی گوندوزه
 سنین قدرتیندن ، عظمتیندن
 غصه دن هجراندا ان اوله سان آزاد
 اوخوناق شجاع بول داستانلارین
 خلقلرین بیر داها چکمه ز اضطراب

ای منیم مهربان عزیز وطنیم
 حیرانام گونشلی آیلی ایشیغا
 عطرلی چیچکلی ، گوللی باغلارین
 کۆپوکلی چایلارین گورآخان سسی
 یاشیل چمنلرین کۆی منظره سی
 جیران دوزلرینده آت کیشنه سی
 منه الهام وئرن ای عزیز وطن
 سنه زینت وئرمیش اولو طبیعت
 اولادینام سنین بسله می سن سن
 ناموسوم عزتیم سن سن ای آنا
 سن منیم اؤزدوغما یوردوم اولموسان
 بیلیرم سینهنده اودلار قالاندى
 یانمادی شاهلارین قلبی مللته
 لاکن غیور خلقتین چاره جو اولدی
 خلقتین قیام ائتدی ، ائیلهدی همت
 داغیلدی کۆکلردن قارابولودلار
 کونش صاچلارینی پایدی باخ دوزه
 کۆنول الهام آلیر بو کون ای وطن
 باخدیقجا هر طرف کۆرونور دلشاد
 سنین رشید جوان قهرمانلارین
 یاراندى تاریخده بۆیوک انقلاب

كونده ريلن شعرلر

ديلىنى ساخلاماغا قدرتى وار
ديلىن عالمده بۇيوك حرمتى وار
بالدى توركى منده چوخ لذتى وار
ھارا ككتسن بو ديلين صحبتى وار

ھەر كيمين غيرت مسلىتى وار
وارلىقى ثابت ائدن ديلدير-دېل
وورماسن طعنه منيم ائوزدېليمه
بوديل عالمده ييگيتلر دىلى دېر

فكھى اورەك باياتيلارى

باغا كىردىم بار ايچون
باققالادا ياغ ايچون
شيرين عمرى چوروتدوم
يارىم كيلو ياغ ايچون

چمندە ياتان اوغلان
كۆينكى كتان اوغلان
تېرىزىن برقى كىشىدى
خبر سىز ياتان اوغلان

بو بازار، راستا بازار
ايچينده داشقا كزر
آلىش-وئرىشه كىدن
عاقبت باغرىن اوزر

من عاشقم سۆز ديهنه
سۆزوني دوز ديهنه
مين لعنت بئزه-اييك
اييكه-بئز ديهنه

داغ كوني گوندىن اوخالار
بولود لاردان باج آلاز
باخيللىق ائلىن شخص
گنج قالماز تئز توجالار

ايكيد اودلاردان كىچر
آغى قارادان سىچر
سۆزىنى يالان ديهن
آددىم باشى آند ايچر

مصطفی پایان وفات اتندی



مصطفی پایان ۱۲۸۴ ده زنجانین سیدآوا محالی نین قیزیلجا کندینده آنادان اولوب ۷ یاشیندا ایکن دایی سیله بیرلیکده باکی یا گتمیشدیر. باکی دا دایی سی نین چؤر کچی دکانیندا چالیشیرکن اوخوماغا باشلامیش واستعداد و ذوقی مناسبتیله خواننده لیگه و موسیقی اؤگر نه گه قرار وئر میش و آز مدت ظرفینده باکی نین بنام اوخویانلاری آراسینا گیر میش و ۱۳۳۴ ده باکی رادیو سوندا مختلف آذری ماهنی لاری و مقاملارینی اوخوماغا باشلامیشدیر.

مصطفی پایان اسلام عبداله یف، شوشالی سید و شوشالی خان و قاریاغدی اوغلو جبار کیمی گؤرکملی خواننده لرین صون چاغلاریله معاصر اولموش دیر. او اوزونه مخصوص بیر سبکده اوخور و اوخودوغو هر ماهنی و شعر ی بوتون دینلینلری صون کلمه سینه قدر آنلاردی. پایان ایرانا دؤندوقدان صونرا بیر مدت انزلی ده و صونرا زنجاندا قالیر و آذری موسیقی و ماهنیلاری نی اوخوماقلا ترویج ائدیر صونرا ۱۳۱۹ دا تهرانا گلیر وینی آچلمیش اولان ایران رادیو سوندا آذربایجان خواننده سی عنوانیله اوخوماغا باشلایر. پایان ۴ ایله یاقین بیر مدت آذری تصنیف و ماهنی لارینی مجانی دئیله جک شکلده اوخور و بوتون خلقلرین مخصوصاً آذر تور کلری نین سوسدور ولدوغو (خاموش) و ازیلدیگی بیر دوراندا گؤزل و گورسسیله آذری لرین اوره کدن گلن نغمه و ماهنی لارینی ترنم ائتمیش و بوشکلده آذری سؤز و هاوالاری نین یاشاماسینا و خلقین قلبینده کؤک صالماسینا و یادلاریندا قالماسینا یاردیم ائدیر.

پایان معیشتینی تأمین اتمک ایچون استانبول خیابانیندا بیر رستوران آچمیش و اورادادا همشهری لریندن بیر قونا قجیل آذری کیمی پذیرالیق ائتمیشدیر. مصطفی پایان اسفند آیینین دوردونده اوره ک سکتک سندن وفات ائتمیش و بوتون آذری موسیقی علاقمندلرینی مکدر و عزادار ائتمیشدیر. بویوک تانری دان اونا رحمت و مرحمت دیلهریز نور ایچینده یاتسین انشاءاله. اوندان دؤرد اوغول و ایکی قیز قالمیشدیر اونلارا و بوتون عائله سینه یاش صاغلیغی، صبر و موقیت دیلهریز.

وارلیق

جمع آوری و ترتیب از: ج. ہیئت و س. ہیئت

معنی	لغت	معنی	لغت
بی نظیر	آششیز	در راه او	اوغروندا
هجوم	آخین	آنچه در ماتم خوانده میشود	آغی
علوی بالا- بؤیوک	اولو	اول	ایلک
دور مانده	اوجقاریا اوجگار	کهنه	آرخائیک
کف زدن- آفرین- استقبال	آلقیش	بهشت- پرواز	اوجماق
تسلی دادن	اووتماق	ترش	اکشی
تزئین- آرایش	اورنامنت	پاک- صاف	آری
فرصت طلب - گذرا	اؤته ری	مهم	اؤنملی
برتر- عالی	اوستون	عاشیق	اوزان
تفوق	اوستونلوك	حکایت کوتاه	اوچرک
جستجو کردن (آختارماق)	آراماق	آنچنین (ترکی قدیم)	آنچیلین
نمونه	اؤرنک	تکامل	انکشاف
ایلخی (ارکک آت)	آیغیر	روی- در حال	اوزره
اسب نر ایلخی	آیدین	فراموش کردن	اونوتماق
آشکار	اوفانیب	حیلہ- سرخ	آل
کوچک شدن- پژمرده شدن	اوززینده	امید داشتن	اومماق
در رویش	ایره نیچ	پیاله-ها	ایاغ
متعفن- منفور	اؤیمک	خصوصیت	اؤزللیک
مدح و ثنا- تعریف	ایز	تسلی پیدا کردن	آوونماق
اثر- ردپا	ایلدیرم چاخماق	مست شدن	اسرومک
نور و عدو برق	اؤگوت	اینطور	اوش
نصیحت	اگلنجه	جزیره	آدا
اسباب تفریح- تفریح	اورتاق	بنای تاریخی	آبدہ
شریک	اینجه لتمک	قدیم- کهنه	اسکی
نازک و ظریف کردن	ایفا	نظیر	اٹش
اجرا			

معنی	لغت	معنی	لغت
تولید مثل-تولید	توره مك	منكر خدا	آته ئيست
تمام شد. بيتدی	تو كندی	تعقيب	ايز له مك
جمع- ييغينچاق	توپلانتی	ديگر	باشقا
مزرعه	تارلا	آغاز	باشلانچيچ
نيزه	جدا	سينه	باغرى و باغير
صدای سوختن گوشت	جيزرانتی	انتظار (گوز له مك)	پكله مك
طناب تايبده-ايب	چاتى	يیغيشماق- جمع شدن	بيريك مك
سرباز-عسگر	چئرى	لطيفه-بدیيه	يومور
الله	چلب	انتشار دادن-وئل کردن	بور اخماق
مرشد-پير	چلبی	آهنگساز	بسته كار
عصر	چاغ	افسار-اسارت	بو يوندروق
مأمور دولت	چينوونيك	استپ-دشت	بوزقير
اطراف	چئوره	كل-تمام	بو تون
چارچوب	چر چيوه	نقطه نظر و پرستاری	باخيم
ديوانه-دلی	چيلقین	نظر-نگاه	باخيش
ثروت مند-غنی	زنگین	در طول	بو يونجا
نوع	ژانر	بدینجهت	بو يوزدن
سرگردان-حیران	چاشمیش	تکه پاره کردن	بيدارلاماق
رام	حمیل	فریاد کردن	باغير ماق
آرزو-خواستہ	ديلهك	هنرى	بدیع
نوعی شعر ریلعی- نام قبيله	ورساغی	پدرشاهی-ستنی	پاتین یاقو کال
جویبار-دره	دره	بو تده	پیتنا
جور-نوع	دورولو	صورتی رنگ	پنبه
فکر	دوشونجه	فوق العاده-ظہیر	پوشگون و وحك
احساس	دویقو	ایجاد	تورتمه
فراورقتن-خیر همدان	دالماق	جهنم	تاختو چاپر
موج	دالقیطه	تمام شدن،	تو دنمك
دریا	دنیو	بئز نك-سوونلوسوشیدی مو	تو لك
وضع-وضعیت	دوروم	اساس-پایه	تمل (تاهیل)

معنی بنا	لغت	معنی بنا	لغت
زینهار بنا	صاقین	رکود	دور قونلوق
عامه	صلوبیق	احساس کردن	دویماق
اپیده می - همه گیری	صالقین	شاخ و برگ	دال - بوداق
زینهار	صلبخین	نماینده	دئوتات
کر	صاغیر	نمایشنامه نویس	در اما تور قیا
احترام	صایقی	انقلاب	رئو لوسیا
ردیف - نوبت - موقع	صیرا	تبعید	سورگون
چرخیدن	غیر لانا ق	صدا	سس - سمیر
زندان - دیوانه	قازامات	مرثیه	ساغور
واصل اولمقی	قاووشماق	دربار	سارای
منبع	قایناق	طنز و ریشخند	ساتیریک
انبوم - شلوغ	قالابالیق	کلمه - سخن	سؤز
مقابل	قارشی	ردیف	سیرا
ساز عاشیق	قوبوز	هشتاد	سکسان
کجا - هاردا	قاندا	شمشیر زن	سیاف
همه	قامو - هامو	قائم و مستحکم - صخره	سیلدیریم
حفظ کردن	قوروماق	سینه سپر کردن	سینه گرمک
مبارک - او غورلو	قوتلو	پراگندن نور	ساجماق
چه وقت (ترکی قدیم)	قاچان	نمایشگاه	سرگی
مهمان (قوناق)	قونوق	امتحان	سیناق
سیراب شدن - فهمیدن	قانماق	تزیین کردن	سومله مک
غم و غصه	قایغی	جا گرفتن (یرلشمک)	سیغماق
نمچه برابر	قات قات	رعد و برق	شمشک
مترقی	قاباتجیل	نام فامیل	صوی آدی
چنگک	قاناری	متزلزل کردن	صار صیتماق
استقبال کردن	قارشیلماق	تصنیف	شرقی
فانوس - چراغ	قنر	زرد - طرف	صاری
انبوم - اندازه آرنج تا انگشت	قولاج	چوگان - کرم اسکاریس	صولوجان
محل - کند خدای - بچه	کواز قار	محکم - برگ	صیغی - صیتی

معنی	لغت	معنی	لغت
یا اللہ-یا لاه	هایدی	ریشه	کۆك
همه-هامی	هپ	گاوا آهن-جوت	کوتان
ماتم	یوغ	قطعی	کسگین
بیگانه	یا بانجی	شمشیر-خنجر-تیر	کسهر
برابر	یا ناشی	قاطع-برنده	کسگین
بهار	یاز	تودم-جمع	کتله
کشور	ئولکه	کندر	کندیر
قدغن	یاساق	سینه	کۆیوس
خلاقیت-هنرمندی	یارادیجیلیق	اعتماد کردن	گووه نمک
افتخار کردن	ئوگونمک	معبر-گذرگاه	گنجید
لطیفه-بندیه	یومور	آفتاب-گون	گونش
سقوط یا غلط خوردن-گردش	یووارلانماق	مردن یا تحقیر-اؤلمک	گپهرمک
بزهک	یالدیز	عقب (دالی)	گئری
کمک	یاردیم	آینه	گۆزگو
مسابقه	یاریش	لغوی	لکسیک
بادبان کشتی	یئلکن	شاهین-عقاب	لاچین
کفایت کردن	یئتمک	بندر	لیمان
گریه کردن (ترکی قدیم)	یئغلاماق	ترانه	ماهنی
ریشه گل کوهی علف صحرائی	یولوشان	جالب	ماراقلی
		بایاتی (چهارنیتی هجائی)	مانی
		علاقه	ماراق
		چطور-نتیجه	ناصیل
		کجا	زده
		رفتن-رسیدن	وارماق
		عاشیق	وورغون
		هستی-موجودیت	وارلیق
		دارائی-ثروت	وارلیلیق
		مالیات	وئرگی
		صرف نظر کردن	وازکچمک

توجه

۱- خواستاران اشتراک می‌توانند مبلغ آبونمان سالیانه (۸۰۰ ریال) را از نزدیکترین شعبه هریک از بانکها بحساب شماره ۲۱۶۳ بانک ملی ایران (شعبه داریوش‌خیابان بهار) واریز نمایند و رسید آنرا بضمیمه نشانی خود بآدرس مجله (خیابان مصدق-کوچه پیدی- شماره ۱۷-تهران) ارسال فرمایند.

۲- شماره‌های گذشته مجله وارلیق را می‌توانید از کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران تهیه نمایید.

۳- ضمن تشکر و سپاسگزاری از همکاری بیدریغ نویسندگان مجله وارلیق باستحضار میرساند نظر باینکه تعداد صفحات مجله محدود است باکمال تأسف نمیتوانیم همه‌ی نامه‌ها و مقالات و اشعار همشهریان عزیز را چاپ نمائیم ضمناً برای رعایت شرایط و موازین علمی خواهشمندیم در آخر مقالات مآخذ و منابع مورد استناد و استفاده را مرقوم فرمایند و در ترجمه‌ها و ترانسکریپسیونها ضمن رعایت امانت و وفاداری بمتن در صورت حذف و یا اضافه و یا تغییر کلمه و یا قسمتی از متن تذکر لازم را در پائین مقاله بدهند.

۴- جلد اول تاریخ ادبیات آذربایجان از قرن ۱۳ تا آخر قرن ۱۹ میلادی تحت عنوان «آذربایجان ادبیات تاریخیته بیرباخیش» از چاپ خارج شد همشهریه‌های علاتمند میتوانند از انتشارات فرزانه و یاسایر کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه خریداری و یا با پرداخت ۳۰۰ ریال توسط آدرس بانکی مجله و ارسال رسید آن بدفتر مجله یکجلد از این کتاب را تهیه نمایند.

۵- مجموعه ده شماره سالیانه مجله در یک جلد منتشر شد علاقمندان میتوانند هرچه زودتر قبل از اتمام آن از انتشارات فرزانه و دیگر کتابفروشی‌های روبروی دانشگاه تهیه نمایند.

۶- در این شماره مجله صورت لغات ترکی ادبی را که در ۱۰ شماره مجله در سال جاری بکار برده شده با معانی آنها درج نمودیم تا خوانندگان محترم مجله وارلیق مجموعه‌ای از لغات ادبی ترکی را در دسترس داشته باشند.

وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی، ادبی و هنری

(به زبانهای فارسی و ترکی آذری)

تحت نظر هیئت تحریریه

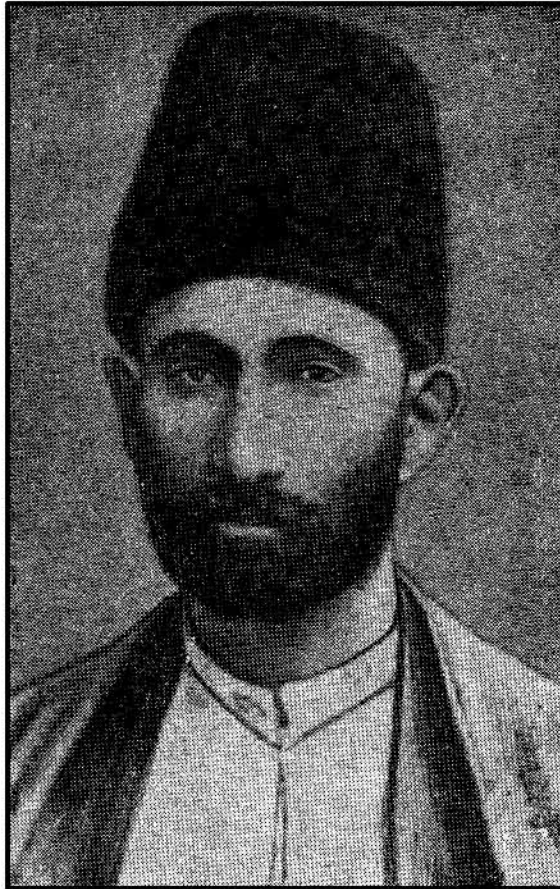
صاحب امتیاز و مدیر: دکتر جواد هیئت

محل اداره: تهران، خیابان مصدق، کوچه پیدی شماره ۱۷

تلفن } ۶۴۵۱۱۵
} ۷۶۱۸۳۶

چاپ کاویان - میدان بهارستان

قیمت ۷۰ ریال



سیدعظیم شیروانی
شاعر و متفکر بزرگ آذربایجان

۱۸۳۵ - ۱۸۸۸